



دروس اجتماعی

صنف ۱۲

کتاب‌های درسی متعلق به وزارت معارف بوده،
خرید و فروش آن ممنوع است.

curriculum@moe.gov.af

جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی



(برای مدارس دینی)



دروس اجتماعی - صنف ۱۲

ه. ش

۱۳۹۸



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

دروس اجتماعی صنف دوازدهم

(برای مدارس دینی)

۱۳۹۸
ه. ش.

مؤلفان:

- سرمؤلف عبدالغياث غوری
- معاون سرمؤلف عبدالمالک عابد
- مؤلف ستوری سادات
- سرمؤلف محمدرفيق مومند
- سرمؤلف ميرعبداللہ فاضل
- سرمؤلف محمد افضل حضرتي
- معاون سرمؤلف محمد انور مشفق

ايدیت علمی:

- پوهندوی زلمی هوتک
- سرمؤلف نجيب الله امين افغان
- پوهنيار محمد فاروق عمرخيل

ايدیت زبانی:

- معاون مؤلف بريالی رضوانی

کميته دینی، سياسي و فرهنگي:

مولوی عبدالوکیل
حبيب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی.

إشراف

دكتور شیر علی ظریفی رئیس پروژه انکشاف نصاب تعلیمی



پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد: نصاب تعلیمی معارف اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه، باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش عرضه معلومات، تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعلیمی که مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود می باشد، نصاب تعلیمات اسلامی است؛ زیرا از یک جانب، فارغان مدارس دینی به حیث پیشوایان معنوی جامعه، باید محور تلاشهای معارف قرار گیرند و از سوی دیگر نصاب تعلیمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که به حیث نظام و قانون مکمل، تمام ابعاد زندگی انسان ها را در بر گرفته و به عنوان آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنای سیستم تعلیمات و معارف اسلامی مخصوصاً انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام، ایفاء کرده اند. مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعلیمی مدارس و مراکز علمی ما، همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با احکام ثابت و پا بر جای دین اسلام، که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد، توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با سابقه درخشان علمی، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه های مختلف علم و فرهنگ مخصوصاً در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می باشد.

همزمان با رشد بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رو می آورند. وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش، در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کمی و کیفی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب آن، اقدامات قابل توجه نموده است.

درین راستا وزارت معارف با دعوت از علماء، استادان و متخصصین باتجربه و قابل اعتماد کشور، به بهبود و انکشاف نصاب تعلیمی پرداخته و کتابهای رایج مدارس تعلیمات اسلامی، را با شرح و توضیح متون، با بجا ساختن فعالیتهای، ارزیابی و تمرینها با معیارهای کتب درسی عیار ساخت.

امیدوارم این تلاشهای قابل تمجید علماء و متخصصان وزارت معارف، در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شده و سبب کسب رضای خداوند متعال قرار گیرد.

وبالله التوفیق

دکتر محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

مقدمه

استادان محترم و شاگردان گرامی،

کتاب درسی مضمون اجتماعیات مدارس دینی بنا بر ضرورت و نیازمندی های جامعه افغانی، پالیسی وزارت معارف، با در نظر داشت معیارهای معاصر فن نصاب نویسی و بر بنیاد مفردات درسی، تهیه و ترتیب گردیده است.

مضمون اجتماعیات مدارس دینی مشتمل بر مطالب و مفاهیم تاریخی، جغرافیایی و معلومات مدنی میباشد. در بخش تاریخ، سعی به عمل آمده تا شاگردان مدارس دینی در جریان تحصیل با رویداد ها و حوادث تاریخ قدیم، قرون وسطی، جدید و معاصر افغانستان و جهان آشنا شوند و بدانند که انسان ها در سراسر جهان و به طوری اخص در کشور عزیز ما افغانستان کدام مراحل تاریخی را عقب گذرانده و هم با آینده چگونه برخورد نمایند.

در بخش جغرافیه با در نظر داشت ضرورت های علمی مطالب طوری توضیح شده که شاگردان در مورد موقعیت ها، طول البلد، عرض البلد، کوه ها، دریا ها، جھیل ها، ابحار، زراعت، مالداري، معادن، ترانسپورت زمینی، آبی و هوایی، نژاد، زبان، مذهب، براعظم ها و کشورها معلومات حاصل نمایند و در پیشبرد امور زنده گی از آن استفاده نمایند.

در بخش معلومات مدنی، راجع به جوامع بشری، ارزش ها، مقررات و قوانین، اعتقادات، اقتصاد، سازمانها، نهادها، ساختارها و تشکلات، احتیاجات مادی و معنوی انسان، مفاهیم و مطالب ضروری و لازمی توضیح شده است. که در حیات روزمره می توان از آن مستفید گردند.

توقع می رود تا با فراگیری یک دوره مکمل (از صنف هفت الی صنف دوازده) مضمون اجتماعیات شاگردان مدارس دینی، مبادی علوم اجتماعی را بدانند؛ با اصطلاحات عمده این علم آشنا شوند؛ از اخبار رویداد های روزمره کشور و جهان مستفید شده و حوادث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تجزیه، تحلیل و نتیجه گیری کرده بتوانند، تا اعضای فعال و مطرح در جامعه بار آمده و با مزج علوم دینی با علوم اجتماعی دعوات مؤثر و برپا کننده گان حقیقی دین خدا قرار گیرند.

امیدواریم که محتویات این کتاب مورد دلچسپی استادان و منبع مفید علوم اجتماعی برای شاگردان مدارس دینی قرار گیرد.

والله ولی التوفیق

بخش تاریخ

۱	فصل اول
۳	دوران قبل از میلاد
۶	ظهور مسیحیت و زوال امپراطوری روم
۹	تجزیه امپراطوری روم به شرقی و غربی
۱۱	مشخصات رشد بیزانس
۱۴	تحولات بزرگ در اروپا از قرن ششم تا یازدهم میلادی
۱۹	جنگ های صلیبی
۲۴	اروپا در کشاکش با خلافت های اموی اندلس و عثمانی
۲۸	تأثیرات علمی تمدن اسلامی بر تشکیل مدنیت جدید اروپا
۳۰	رنسانس در اروپا
۳۴	اکتشافات جغرافیایی و رشد دریانوردی
۳۷	فصل دوم
۳۹	کشف آمریکا و پیامد آن
۴۱	انقلاب کبیر فرانسه
۴۴	صهیونیسم
۴۷	جنبش های آزادی خواهی
۵۱	سازمان کشورهای اسلامی و هلال احمر

بخش جغرافیه

۵۴	فصل اول:
۵۴	حدود اربعه
۵۷	سرحدات شمالی
۶۳	سرحدات غربی
۶۶	تشکیلات اداری
۷۰	نفوس و ترکیب قومی در افغانستان
۷۲	مهاجرت های داخلی و خارجی
۷۵	چگونگی نفوس
۷۸	زبان
۸۰	فصل دوم:
۸۰	مواصلات و ارتباطات جهانی

فهرست مطالب

صفحات

عناوین

۸۳	 حمل و نقل جهانی
۹۰	 ارتباطات جمعی و جهانی شدن
۹۳	 و سایل ارتباطی و مخابراتی
۹۸	 فصل سوم
۹۸	 نفوس جهان
۱۰۳	 پراکندگی و تراکم نفوس در جهان
۱۰۸	 مهاجرت های دسته جمعی در جهان
۱۱۳	 نژادها
۱۱۶	 نژادها و تقسیم جغرافیای آن
۱۲۱	 ادیان مهم جهان
۱۲۴	 دین مقدس اسلام
۱۲۹	 زبان های مهم جهان

بخش تعلیمات مدنی

۱۳۲	 فصل اول
۱۳۳	 پلورالیزم
۱۳۵	 دیپلوماسی
۱۳۷	 پارلمانتاریزم
۱۳۹	 تکنالوژی
۱۴۱	 جهانی شدن
۱۴۳	 سیاست
۱۴۵	 استراتژی
۱۴۷	 مدرنیزم، پسامدرنیزم
۱۴۹	 فصل دوم
۱۵۰	 سازمان ملل متحد
۱۵۲	 ارکان اصلی و فرعی سازمان ملل متحد
۱۵۴	 کارنامه های ملل متحد در افغانستان
۱۵۶	 حقوق اساسی
۱۵۸	 تاریخچه حقوق بشر
۱۶۰	 اعلامیه جهانی حقوق بشر
۱۶۲	 حقوق بشر اسلامی
۱۶۴	 کمیسیون مستقل حقوق بشر در افغانستان

بخش تاریخ

فصل اول

قرون اولی و وسطی اروپا

در این فصل مطالبی مانند دوران قبل از میلاد (پیش از ظهور مسیحیت)، عصر تمدن یونان و روم، تحولات بزرگ اروپا از قرن ۶ تا ۱۳ میلادی، جنگهای صلیبی، اروپا در کشاکش با اموی های اندلس و عثمانی، تاثیرات علمی تمدن اسلامی بر اروپا، دوران رنسانس در اروپا، کشفیات جغرافیایی در اروپا و تاثیرات آن بالای اوضاع اقتصادی و سیاسی معلومات حاصل خواهید نمود.



اهداف

- توقع می رود تا شاگردان در پایان این فصل به اهداف ذیل برسند:
- دوران قبل از مسیحیت، ظهور مسیحیت، تجزیه امپراتوری روم، انکشاف امپراتوری روم شرقی
 - تحولات بزرگ اروپا از قرن ۶-۱۳ میلادی، جنگ های صلیبی، اروپا در کشاکش با اموی های اندلس و عثمانی، تأثیرات مدنیت اسلامی بر مدنیت اروپا، دوران رنسانس در اروپا و اکتشافات جغرافیایی در اروپا را به اختصار بدانند؛
 - مطالب و موضوعات فوق الذکر را بتوانند تحلیل و ارزیابی کنند؛
 - در تطبیق احکام اسلامی سهمیم گردیده و از آن مستفید شوند.

دوران قبل از میلاد

درین درس با چگونگی اوضاع عقیدتی، سیاسی و اجتماعی دوران قبل از ظهور مسیحیت؛ یعنی عصر تمدن های یونان و روم باستان به اختصار آشنا می شوید.

یونانیان به ارباب الانواع خود ساخته معتقد بودند و باور داشتند که کاینات از چهار عنصر (آتش، آب، خاک و باد) تشکیل گردیده است.

بعضی ها معتقد بودند که تغییرات و تبدلات حقیقت دارد و دنیا در حال تغییر می باشد؛ بعضی ها؛ مانند: فیثاغورث واقعیت را در اعداد یا ریاضیات می دانستند، آنها بودند که اساس علوم ساینس (تجربی) را گذاشتند و منطق را وضع نمودند. حکیم بزرگ یونانی که تقریباً افکار و آرای یونانیان را درباره تمامی این موضوعات مدون و تحریر نمود، ارسطور بود که از سال (۳۸۴ تا ۳۲۲ ق.م) در آتن می زیست.

در سال (۱۴۶ ق.م) یونان توسط رومیان تصرف گردید، رومیان بر علاوه که زبان لاتینی خود را حفظ کردند، فرهنگ و هنر یونانی ها را نیز فرا گرفتند. در طی مدت دو تا سه قرن رومی ها امپراطوری در روم تشکیل دادند که سرزمین های غرب ایران، مصر، یونان، آسیای صغیر (ترکیه) و سوریه را دربر می گرفت که در هیچ یک آنها روم نفوذ عمیقی از خود بجا نگذاشت، اما از لحاظ سیاسی در غرب، در سرزمین های تونس، الجزایر، مراکش، اسپانیا، پرتگال، فرانسه، سوئیس و بلژیک رومی ها قاصد تمدن جدید به این سرزمین ها و سرزمین های وسیعی دیگر اروپا، آسیا و افریقا که مناطق عقب مانده امپراطوری روم بودند. یا به عبارت دیگر عصاۀ تمدن شرق و فرهنگ جدید یونان و روم را به سرزمین ها عقب مانده انتقال دادند.

به هر حال، امپراطوری روم با وجود دگر گونی ها و فرازونشیب ها از ۳۱ ق.م تا اواخر قرن پنجم میلادی دوام کرد؛ در این زمان تقریباً تمامی کشورهای غرب از لحاظ سیاسی باهم متحد شدند، ولی در بسیاری از امور داخلی خویش مستقل و خود مختار بودند، اما فوق همه آن ها حکام و امرای امپراطوری بودند که از لحاظ موقف و مرتبه تدریجاً بالا می رفتند تا به شخص امپراطور روم می رسیدند.

دستگاه امپراطوری روم تا اندازه عدالت را میان اتباع خویش رعایت می کرد. قانون گذاران رومی به این باور بودند که قوت قانون از این ناشی می شود که بوسیله یک مرجع معتبر و صالح به معرض اجرا در آید. این قوه یا مرجع مختار وضع قوانین را ماج ستاس (Majstas) یا اختیار مطلق نامیدند و آن را به امپراطوری روم نسبت دادند. به این ترتیب، رومیان از یک

طرف قانون را از عرف و عادات و از سوی دیگر از تمایلات نفسانی جدا ساخته، در حقیقت قانون روم طرفدار منافع عامه بود که در قرن بعدی تأثیرات زیادی در اروپا بجا گذاشت. رومی ها با استفاده از نیروی برده ها برای خود کاخ های زیبا می ساختند و بیشتر اوقات خود را به خوش گذرانی سپری می کردند. از هیچ نوع ظلم و ستم بالای مردم سرزمین های تحت سلطه امپراتوری دریغ نمی کردند چنانچه مردم ستم دیده به ستوه آمده به رهبری مرد شجاعی به نام اسپارتاگوس قیام کردند و تا نزدیکی شهر روم پیش آمدند؛ اما رومی ها همه آنها را به قتل رساندند. درچین شرایط، حضرت عیس (ع) برای هدایت انسانها در سرزمین فلسطین که تحت تسلط رومیان بود، ظهور کرد.

بیشتر بدانید

قیام برده ها به رهبری اسپارتاگوس

مشکلات بیش از حد زندگی برده های روم در قرن هفتم ق.م سبب شد تا در برابر باداران خویش قیام نمایند. در سال ۷۴ ق.م برده ها به شکل پنهانی به قیام عمومی آماده گی گرفتند. برده داران از این موضوع خبر شدند و برده ها به کوه ها متواری شده و در آنجا اسپارتاگوس را به رهبری انتخاب نمودند و بر باداران خود حمله بردند.

برده ها در اثر حملات پیهم، برده داران را به شکست مواجه ساخته و اسلحه بیشتر به دست آوردند و به حملات خود ادامه می دادند با پیوستن سایر برده ها به تعداد آنها افزوده می شد. هزار ها عسکر رومی، قیام کننده گان را که بالای کوه ها سنگر گرفته بودند محاصره کردند و سه طرف کوه را برده داران محافظت می نمودند. به یک طرف آن که چتری عمیق و خطرناک قرار داشت و هیچ گمان نمی شد که انسان از آن عبور نماید، برده ها زینه درازی از ریسمان تیار کرده، از همان راه پایین شده و به طور مخفیانه و غافلگیرانه به لشکر رومی ها حمله برده و به آنها تلفات سنگینی وارد کردند.

اسپارتاگوس قیام کننده گان را به دسته های پیاده و سواره تنظیم و از آنها سپاه قوی برضد برده داران ترتیب کرد. اسپارتاگوس با سپاه قوی عسکری رومیان را پیهم شکست داده تا اینکه به جنوب ایتالیا رسید.

در این وقت میان برده های فاتح دو مفکوره پیدا شد. اسپارتاگوس و دسته بزرگ برده ها می گفتند که به وطن های اصلی خویش برگردیم و به صورت آزاد زنده گی کنیم. عده دیگر می گفتند که به روم رفته دولت برده دار روم را منقرض و تمامی برده ها را از اسارت آزاد نماییم.

بدین ترتیب، قوای قیام کننده گان به دو دسته تقسیم شده، ضعیف گشتند. و بالمقابل قوای رومی که تعداد آنها نسبت به قیام کننده گان بیشتر و منظم تر بودند از فرصت استفاده کرده دست به حمله زده و در جنگ که میان آنها رخ داد قیام کننده گان را شکست دادند. اسپارتاگوس را کشتند و بیش از (۶۰۰۰) برده به دار آویخته شدند.

فعالیت داخل صنف



- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند، روی مطالب ذیل باهم بحث نمایند:
- تمدن یونان و روم مقارن کدام دوره تاریخی می باشد؟
- عقاید یونانیان عصر باستان چگونه بود؟ درین مورد به اختصار معلومات دهید.
- علوم ساینسی از علوم اجتماعی چه تفاوت دارند. آنها را فهرست نمایید.

سؤالات



- ۱- اساس علوم ساینس را چی کسی گذاشت؟
- ۲- یونان توسط کدام نیروها تصرف شد، و پس از اشغال به چه سرنوشت مواجه گردید؟ مختصراً توضیح دهید؟
- ۳- امپراطوری روم چه وقت تشکیل شد؟
- ۴- کدام سرزمین ها شرقاً و غرباً شامل قلمرو امپراطوری روم می گردید؟
- ۵- برده ها به رهبری اسپارتاگوس چه کردند؟ مختصراً توضیح دهید.

فعالیت بیرون از صنف



راجع به ارزش و اهمیت قانون در جامعه یک مقاله بنویسید؟

ظهور مسیحیت و زوال امپراطوری روم

در این درس به اختصار با چگونگی پدید آمدن و به اعتلا رسیدن تمدن یونان و روم و ظهور مسیحیت آشنا می شوید.

ظهور مسیحیت:

نظر به لایل عقیدتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در دوران قبل از میلاد وجود داشت و در درس قبلی تذکر داده شد. حضرت عیسی (ع) به صفت پیغمبر برای هدایت انسانها در فلسطین که تحت حکومت رومیان بود، ظهور کرد.

حضرت عیسی (ع) با بیان دلنشین و اخلاق نیکو مردم را به پرستش خدای یگانه و پرهیز از ظلم و ستم دعوت می کرد.

او طرفدار محرومان و ستمدیدگان بود و خداوند (ج) به او قدرتی عطا کرده بود که می توانست مریضان را شفا دهد. تعالیم حضرت عیسی (ع) رومیان را که به پرستش خدایان متعدد، ظلم و ستم بر مردم و برده گان عادت کرده بودند، خشمگین می کرد. با این همه حضرت عیسی (ع) با یاران خود که مشهور به حواریون بودند با سفر کردن به شهرها و دهات ادامه میدادند و مردم را به یکتا پرستی و کارهای نیک دعوت می کردند، کتاب آسمانی که از جانب پروردگار عالم به او نازل شد، انجیل نام دارد.

با گذشت زمان بر پیروان آن حضرت، که مسیحی نامیده می شدند، افزوده می شد. سر انجام امپراطوران و بزرگان رومی که ابتدا باعث اذیت مسیحیان می شدند با مشاهده این وضع نیز مسیحی شدند، از آن پس زمینه برای گسترش بیشتر مسیحیت فراهم گردید. چنانچه در قرن چهارم میلادی امپراطور روم کنستانتین و در قرن پنجم میلادی تمام امپراطوری روم به دین مسیح در آمدند. علما و دانشمندان عیسوی، عقاید عیسویت را با سنن و فرهنگ تمدن یونان و روم تلفیق و گسترش می دادند.

از لحاظ فکری مسیحیت مؤجد انقلابی گردید، زیرا الهه ها و ارباب الانواع را از بین برد، خون ریختن در راه خدایان خود ساخته و قربانی افراد را منسوخ کرد، جادوگری و طالع بینی را بر انداخت. مسیحیان به مردم تعلیم یکتا پرستی می دادند و سر چشمه همه افراد بشر را یک نقطه میدانستند. ازینرو، وحدت دنیا مفهوم و معنای خاصی پیدا کرد. همین عدم تساهل مسیحیت، سبب گسترش بیش از بیش دین مسیح گردید.

زوال امپراطوری روم

امپراطوری روم دولت جهانی بود، شخص امپراطور اقتدار مطلق داشت و در نزد مردم در زمره خدایان محسوب می شد، چنانچه می گفتند خداوند سزار (Divas, Caesar)، که به این ترتیب یک نوع آیین قیصر پرستی در میان مردم به وجود آمده بود. طرفداران امپراطور از لحاظ عقیدتی خود را مکلف به حفظ و حراست سرزمین های امپراطوری می دانستند. مسیحیان جداً مخالف این نظریات بودند و چون حاضر به پرستش قیصر نبودند، عمال امپراطوری روم آنها را مشتی مردمان ماجراجو قلمداد می کردند که در صدد اخلاص نظم جامعه اند و لذا باید مورد تعقیب و توبیخ قرار گیرند و نابود شوند. چنین روش و طرز تفکر نا سالم و وسعت بیش از حد قلمرو امپراطوری باعث گردید تا امپراطوری روم مضمحل گردد.

بیشتر بدانید

علم و فلسفه در یونان باستان

علم و فلسفه در یونان باستان پیشرفت زیادی کرد؛ زیرا:

- ۱- یونانیان به گفتگوهای علمی علاقه زیاد داشتند.
 - ۲- کشتی های تجارتی یونانی به مصر و آسیای صغیر رفت و آمد می کردند. از این طریق بسیاری از دست آورد های علمی مردمان آسیا و آفریقا به یونان راه یافت و بر آن افزوده شد.
 - ۳- گویند زمانیکه اسکندر کشورهای آسیایی را فتح می کرد کتابخانه ها را به یونان انتقال می داد و یونانیان از آنها استفاده می کردند.
- فلاسفه یونان در میان محققان از شهرت بسیار برخوردار اند و از میان آنان، سقراط، افلاطون و ارسطو شهرت بیشتر دارند. سقراط، حکیم بزرگی بود هنگامیکه در کوچه و بازار می گشت و با مردم به بحث می پرداخت. او شاگردان و علاقه مندان زیاد داشت که افلاطون معروف ترین آنها است.

فعالیت داخل صنف



- شاگردان یا طلاب به گروپ ها تقسیم شوند، روی مطالب ذیل باهم بحث نمایند و نتیجه را یکی از اعضای گروه به دیگران بازگو نماید.
- زمینه های عقیدتی ظهور مسیحیت.
 - زمینه های اجتماعی و سیاسی ظهور مسیحیت.

سؤالات



- ۱- حضرت عیسی (ع) در کجا و در چه شرایطی ظهور کرد؟ توضیح دهید.
- ۲- حضرت عیسی (ع) به مردم چه تبلیغ می کرد؟ مختصراً بیان نمایید.
- ۳- کتاب آسمانی که به حضرت عیسی (ع) نازل شد چه نام دارد؟
- ۴- حواریون به کدام اشخاص گفته می شد؟
- ۵- اولین امپراطور رومی که مسیحی شد، کی بود؟
- ۶- چه دلایلی باعث زوال امپراطوری روم شد؟ مختصراً معلومات دهید.

فعالیت بیرون از صنف



جدول ذیل را طور مقایسه یی در کتابچه های تان تکمیل نمایید.

قبل از مسیحیت	مسیحیت
- پرستش الهه ها و ارباب الانواع - - - - - -	- پرستش خدای یگانه (یکتاپرستی) - پرهیز از ظلم. - دفاع از محرومان و ستمدیده گان. - انجام کارهای نیک. - منع جادوگری و طالع بنی. - منع قربانی افراد به خدایان خود ساخته.

تجزیه امپراطوری روم به شرقی و غربی

در این درس به اختصار آشنا خواهید شد که چطور در سال ۳۹۵ م، امپراطوری روم به دو قسمت (روم شرقی و روم غربی) تقسیم شد. پایتخت امپراطور روم شرقی کنستانتین (قسطنطنیه) و پایتخت امپراطوری روم غربی شهر روم تعیین شد. امپراطوری روم شرقی شامل جزیره نمای بالکان (البانیا، رومانی، بلغاریا، یونان و قسمت ترکیه اروپایی)، مصر و مستعمرات آسیایی امپراطوری روم بود. اما امپراطوری روم غربی ایتالیا و بعضی مناطق اروپایی غربی را در برمی گرفت. اوضاع امپراطوری روم غربی نسبت به روم شرقی بسیار خراب بود. در نتیجه حملات بربرها از خارج و قیام های برده گان در داخل و وسعت قلمرو امپراطوری، دلایلی تجزیه امپراطوری روم را مهیا ساخت.

تجزیه امپراطوری روم باستان و زوال امپراطوری روم غربی

قبل از هر چیز امپراطوری روم، بخصوص در غرب از هم پاشیده شده بود. کنستانتین، امپراطور روم، که با قبول دین مسیحیت امیدوار بود، بنیان و اساس امپراطوری خود را محکم نماید، یک عمل دیگر نیز انجام داد، او در سال ۳۳۰ میلادی در شهر قدیمی بیزانثیوم که از مراکز یونان باستان بود، پایتخت جدیدی بنا کرد و آن را قسطنطنیه (استانبول امروزی یا بیزانس) نامید. از آن پس امپراطوری روم صاحب دو پایتخت گردید، یکی روم و دیگری قسطنطنیه، و از لحاظ اداره امور و حکومتداری نیز به شرقی و غربی تقسیم گردید.

در اطراف امپراطوری روم اقوام و مردمانی قرار داشتند که آنها را بربر می گفتند. امپراطوران و سرداران رومی داوطلبانی را از این اقوام در قشون خود به خدمت می گرفتند و هنگامی که خدمت آنها در صفوف نظام به سر می رسید به آنها قطعه ای از زمین مزروعی داده می شد تا مقیم شوند؛ زن بگیرند، تشکیل خانواده کنند و با مردم انس بگیرند. در قرن چهارم و پنجم میلادی، تعداد از این افراد بربری الاصل چنان ترقی کرده بودند که حتی به مقامات بالایی دولتی رسیدند. در این وقت، به عللی نامعلوم شهرهای امپراطوری روم غربی از جنب و جوش ماند، تجارت رو به ضعف نهاد، ادارات محلی فلج گردید، مالیات بشتر کمر شکن گردید، دهقانان که آزاد بودند خود را اسیر زمین دیدند، سپاه، امپراطور سرکار می آورد و از مقام امپراطوری منفصل می کرد، سرداران سپاه به رقابت با یکدیگر به جنگ می پرداختند. با استفاده از اوضاع و احوال آشفته امپراطوری روم غربی به تعقیب حملات گوت ها به رهبری

الاریک همچنان ژرمن ها (جرمن ها) و هون ها به حملات خود بر امپراطوری روم غربی آغاز نمودند. به دلیل نا رضایتی مردم از دولت بدون مقاومت پیشروی کردند گول (فرانسه)، ایتالیا، و اسپانیا را متصرف شدند.

و از راه اسپانیا به شمال افریقا داخل و سرانجام در سال (۴۷۶) میلادی امپراطوری روم غربی را سقوط دادند. سقوط امپراطوری روم غربی پایان تاریخ دنیای قدیم بشمار می رود، اما امپراطوری روم شرقی تا قرن های دیگر به دلیل داشتن سر زمین های ثروتمند و راه های تجارتي تا مدت ها به حیات خود ادامه داد تا اینکه در سال ۱۴۵۳ میلادی توسط ترکان عثمانی به رهبری سلطان محمد فاتح منقرض گردید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان (طلاب) به گروهها تقسیم شوند با استفاده از متن درس علل انقراض امپراطوری روم غربی را فهرست نموده و یکی از اعضای گروه به دیگران بازگو نماید.

سؤالات



۱- امپراطوری روم در کدام سال به چند امپراطوری تقسیم شد؟ درضمن پایتخت های آنها را روی نقشه نشان دهید.

۲- در اطراف امپراطوری روم کدام اقوام و قبایل زنده گی می کردند و چگونه شامل سپاه روم می شدند؟ مختصراً توضیح دهید.

۳- امپراطوری روم غربی در کدام سال و چگونه سقوط کرد و دلایل عدم مقاومت مردم در برابر حمله کننده گان چه بود؟ مختصراً توضیح دهید.

فعالیت بیرون از صنف



چرا مردم از امپراطوری روم غربی حمایت نمی کردند، به این ارتباط مطلبی را تهیه نمایید.

مشخصات رشد بیزانس

در درس قبلی به اختصار خواندید که چگونه در سال (۳۹۵) میلادی امپراطوری روم به دو بخش شرقی و غربی تقسیم گردید ولی در این درس به طور فشرده خواهید خواند که چگونه امپراطوری روم شرقی یا بیزانس مقاومت نموده به حال خود باقی ماند و چطور مرکز این امپراطوری که در شهر قسطنطنیه، در یک شهر کوچک قدیمی یونان موسوم به بیزانس قرار داشت به نام امپراطوری بیزانس، نام قدیمی این شهر مسمی گردید.

انکشاف بیزانس (امپراطوری روم شرقی) بعد از تجزیه و جدایی از امپراطوری روم

کشورها و ولایات ثروتمند و متمدن از قبل مصر، سوریه، آسیای صغیر (ترکیه) و یونان در قلمرو امپراطوری روم شرقی قرار داشتند. در این امپراطوری تعداد برده گان کمتر و تعداد دهقانان آزاد نسبت به امپراطوری روم غربی بیشتر بودند. دهقانان در شهرها گندم، مسکه، گوشت و دیگر مواد ارتزاقی را به فروش می رساندند. در حالیکه در اروپای غربی فقط خرابه ها از شهرهای پیشرفته قدیمی نماینده گی می کرد، در بیزانس شهرها بزرگتر و پرنفوس تر می گردید. در کوچه ها و بازارهای این شهرها تعداد زیاد دکان ها و کارگاه های پیشه وری فعالیت می کردند.

شهرهای بیزانس همیشه پر از جنب و جوش بود. جواهرات، ظروف شیشه یی و تکه های پشمی ساخت پیشه وران بیزانس در خارج امپراطوری کسب شهرت کرده بودند. از قسطنطنیه دو راه مهم تجارتي عبور می کرد. یکی راه خشکه از اروپا به آسیا و دیگر راه بحری از طریق بحیره سیاه بود. در شهرهای بندری همیشه ده ها کشتی در رفت و آمد بودند. ثروت تاجران بیزانس در اثر تجارت با ایران، هند و چین بیشتر می گردید.

امپراطوری بیزانس از طریق پیشه وری و تجارت عایدات خوبی به دست می آورد و همچنان از پیشه وران و دهقانان مالیات و از تاجران عواید گمرکی دریافت می کرد. خزانه امپراطور همیشه پر از طلا و نقره بود. لذا او می توانست تعداد زیاد عساکر اجیر را استخدام کند و نیروی مقتدر بحری داشته باشد. دولت بیزانس طی دوران طولانی توانست که از سرحدات خود دفاع کند و حتی زمین های جدید نیز غصب نماید. امپراطوران کوشش می کردند که به کمک اردو، مامورین و کلیسا، نظام برده داری را حفظ و تقویه کنند.

بیزانس در دوران حکومت ژوستینین

امپراطوری بیزانس در زمان فرمانروایی ژوستینین (از ۵۲۵-۵۶۵ میلادی) به اوج قدرت خویش رسیده بود. ژوستینین می خواست عظمت و جلال امپراطوری روم قدیم را احیا و نظام

برده گی را تقویت کند. او قوانینی را در امپراتوری تدوین نمود که هدفش تقویۀ حکومت طبقه بالا بود. مجموعه قوانین ژوستینین قدرت فوق العاده امپراتور را بر سایر طبقات و قشرهای جامعه تحمیل می کرد. قدرت دولتی به صورت مطلق به دست امپراطوری بود و مردم از شرکت در امور زنده گی اجتماعی بکلی محروم بودند. ژوستینین به منظور به دست آوردن دوباره قلمرو امپراطوری روم قدیم و احیای عظمت سابق آن با همسایه گانش جنگ های متعددی انجام داد، اما با همه سعی و تلاش او نتوانست به هدف خود نایل آید. از یک طرف اجیر کردن عساکر زیادی برای جنگهای خونین مصارف زیادی را ایجاد می کرد و همچنان افزایش روز افزون مالیات سطح زنده گی مردم را نیز خرابتر می ساخت. از طرف دیگر عساکر اجیر امپراطور که افراد قبایل هم شامل آن بودند، مردم مناطق و کشورهای مفتوحه را به شکل وحشتناکی چور و چپاول می کردند. در اثر این چور و چپاول مقاومت مردم روز به روز بیشتر و وضع اقتصادی آنها خرابتر می گردید. جنگهای مداوم مصارف هنگفتی را ایجاد می کرد. که از طریق ازدیاد مالیات تأمین می گردید، همچنان ظلم و استبداد بیش از حد مأمورین دولتی موجب نارضایتی مردم می گردید. در اثر این عوامل در مناطق مختلف امپراطوری قیام های مردمی به وقوع پیوست. به طور مثال مردم قسطنطنیه در سال ۴۳۵ م. قیام نمودند، دامنه این قیام گسترش یافت که در نتیجه آن ژوستینین می خواست فرار کند، ولی دولت در نتیجه صرف مساعی فراوان و استفاده از تعداد زیاد عساکر اجیر قیام را سرکوب نموده در این قیام بیش از (۳۰) هزار نفر قیام کننده گان به قتل رسیدند. در نتیجه جنگهای غارتگرانه و قیام های مردمی ضعف امپراطوری بیزانس را فراهم ساخت.

هجوم سلاوها

سلاوها که در آن طرف دریای دانیوب زنده گی می کردند، در قرن چهارم میلادی بالای امپراطوری بیزانس هجوم آوردند، سلاوها عساکر ماهر بودند، آنها در جریان جنگ ها با بیزانس تجارب زیاد کسب نموده بودند. آنها در صفوف منظم می جنگیدند و به صورت ناگهانی بر قلعه های نظامی حمله می کردند. سلاوها به سپاه اجیر بیزانس شکست وارد می کردند. غلامان و کلون ها (دهقانانی که قطعات کوچک زمین، زمینداران بزرگ را به اجاره می گرفتند) و دهقانان آزاد به سلاوها کمک نموده و آنها را وسیله نجات خویش از ظلم و ستم برده داران و دولت فکر می کردند. تمامی شبه جزیره بالکان (شامل کشورهای البانیا، بلغاریا، یونان و قسمت ترکیه اروپایی) را قیام های مردمی فرا گرفته بود. این اوضاع به پیشرفت سلاوها کمک می کرد. سلاوها قبیله قبیله در قلمرو امپراطوری بیزانس سکونت اختیار می کردند، آنها اول قسمت

شمال شبه جزیره بالکان را تصرف نموده و سپس به طرف یونان پیشرفت کردند. قسمت شمال و غرب شبه جزیره بالکان را قبایل سربی و کرواتی تصرف کردند. در اواخر قرن هفتم میلادی در مناطق جنوبی دریای دانیوب نخستین دولت سلاوی (بلغارستان) تشکیل شد. بعدها بلغارها قسمت اعظم شبه جزیره بالکان را تصرف کردند. در قرن هفتم میلادی اعراب به جنوب سرزمین های بیزانس رسیدند، سوریه و مصر را تحت تسلط خود آوردند. قشون آنها چند مرتبه قسطنطنیه را محاصره کرده، ولی آن را گرفته نتوانست. دولت بیزانس در این وقت توانست تنها آسیای صغیر (ترکیه) و قسمت جنوبی شبه جزیره بالکان را زیر تسلط خود نگهدارد.

قبایل مهاجم سلاوها در سرزمین بیزانس املاک امپراطور و برده داران را غارت و تخریب می کردند. تعداد زیاد برده ها و کلون ها به دهقانان آزاد مبدل گردیده و از تقسیم زمین های اربابان سابق حصه می گرفتند. مالکین بزرگ که دارای برده ها و کلون ها بودند، فقط در آسیای صغیر باقی ماندند. نظام ارباب رعیتی (برده گی) که در بیزانس رو به ضعف نهاده بود، در اثر هجوم سلاوها و قیام های مردمی سقوط کرد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان (طلاب) به گروهها تقسیم شوند و درباره این مطالب باهم بحث و گفتگو کرده نتیجه را مسوول گروه به دیگران بازگو نمایند.

۱- عوامل رشد امپراطور بیزانس نسبت به امپراطوری روم غربی.

۲- عوامل سقوط امپراطوری بیزانس.

سؤالات:



۱- کدام کشورها شامل امپراطوری بیزانس بودند؟ نام بگیرید.

۲- تجارت در امپراطوری بیزانس چگونه بود؟ مختصراً تشریح کنید.

۳- پیشه وری در امپراطوری بیزانس چگونه بود؟ توضیح دهید.

۴- کلون ها را تعریف نمایید.

۵- شبه جزیره بالکان شامل کدام کشورها بود؟ نام بگیرید.

فعالیت بیرون از صنف



دلایل عمده سقوط امپراطوری بیزانس را با استفاده از کتاب درسی و کتابخانه فهرست نمایید و به ملاحظه شد استاد خود برسانید.

تحولات بزرگ در اروپا از قرن ششم تا یازدهم میلادی

آیا با اصطلاح قرون وسطی مواجه شده اید، یا شنیده اید که می گویند این کار با طرز تفکر قرون وسطایی مطابق است؟ یا این شیوه بیان زمانی به کار می رود که کاری به روش کهنه و یا طرز تفکری بر اساس دانش امروزی نباشد.

اروپا در قرون وسطی

زمانی بود که در قاره اروپا شهر نشینی مروج نبود، آموختن علم و دانش چندان مورد استقبال مردم قرار نمی گرفت؛ این شرایط مربوط به دوره از تاریخ اروپا می باشد که قرون وسطی نامیده می شود. مؤرخان فاصله میان سقوط روم غربی (۴۷۶م) الی زوال روم شرقی (۱۴۵۳م) را قرون وسطی نام نهاده اند. حاکمیت مذهب، کلیسا و نظام فیودالیزم از مشخصات عمده تاریخ اروپا این عصر به شمار می رود.

دوره قرون وسطی که بعد از جهان باستان به میان آمد حدود هزار سال از تاریخ اروپا را دربر می گیرد و بعد از قرون وسطی عصر دیگر تاریخ را قرون جدید می نامند. در این درس با بحث در مورد تحولات و حوادث بزرگی تاریخ اروپا در نیمه اول قرون وسطی که از قرن ششم الی یازدهم میلادی را در بر میگیرد پرداخته می شود.

اوضاع سیاسی

تحول بزرگی که سقوط امپراتوری روم غربی را بوجود آورد. همانا انقراض و زوال تمدن باستان در غرب بود با سقوط امپراتوری روم و شروع قرون وسطی، اروپا دچار آشفتگی زیاد گردید، در جنوب شرقی اروپا؛ یعنی شبه جزیره بالکان حکومت مقتدر روم شرقی (بیزانس) به حیات خود ادامه می داد و به فکر گسترش قلمرو و احیای روم باستان بود؛ اما جنگ های بیزانس با ساسانیان و سپس با مسلمانان، آن حکومت را ضعیف ساخت؛ هرچند عمر امپراتوری بیزانس تا پایان قرون وسطی طول کشید؛ اما به دلیل انحطاط داخلی دیگر نتوانست اقتدار گذشته خود را باز به دست آورد.

علاوه بر قلمرو بیزانس، در بقیه خاک اروپا اقوام مهاجمی که امپراتوری روم باستان را نابود کرده، مشغول تاخت و تاز بودند، این تاخت و تاز اقوام مهاجر تا زمان اسکان یافتن و مسیحی شدن آن ها ادامه داشت. در آن زمان پاپ از شهر روم (پایتخت روم باستان) به تبلیغ مسیحیت در میان قبایل بربرها می پرداخت، از جمله قبایلی که مسیحی شدند، فرانک ها بودند. فرانک ها به رهبری کلوویس (koloviss) حکومت بزرگ را که شامل کشورهای فرانسه،

آلمان، و بلژیک بود، تشکیل دادند. حکومت کلوویس بنام حکومت خاندان مروه نژین (Marvanigean) شهرت یافت و این اسم از نام جد بزرگ کلوویس مشتق شده است. از جمله شاهان معروف و با تدبیر فرانک ها یکی هم بنام شارلمان بود، شارلمان در قرن نهم میلادی توانست امپراتوری مقتدر و دربار با شکوهی را ایجاد نماید و به کمک پاپ قادر گردید تا مسیحیت را در اروپا گسترش دهد و نیز با مسلمانان که از طریق اسپانیا وارد اروپا شده بودند جنگید. شارلمان بزرگترین پادشاه اروپا در نیمه اول قرون وسطی بود و همیشه فکر وحدت قسمت های مختلف اروپا را در سر داشت و مانع انکشاف ملوک الطوایفی بود.

پس از شارلمان، قلمرو امپراتوری پنهاور او تجزیه شد از تقسیم قسمتی امپراتوری شارلمان کشورهای فرانسه و ایتالیا، در قسمت دیگر آن که شامل سرزمین آلمان کنونی است به اصطلاح امپراطوری مقدس روم به وجود آمد که تا قرن های دیگر ادامه یافت و آنها خود را وارث امپراتوری روم باستان می دانستند.

دولت های که پس از شارلمان بوجود آمدند ضعیف و ناتوان بودند، که در نتیجه آن بار دیگر تهاجمات اقوام مختلف از شمال و شرق به اروپا آغاز شد. در شرق اروپا روس ها و مجارها استقرار یافتند، اقوام انگلوساکسون با تهاجمات پی در پی که به جزیره بریتانیا انجام دادند اساس حکومت و کشور انگلستان را گذاشتند به همین ترتیب فن ها سرزمین فنلند و دان ها کشور دنمارک را بنیان گذاری کردند، این تحولات و وقایع در حدود هزار سال را در بر گرفت پس از آن نیز طی چندین قرن دیگر تغییرات و تحولات در کشور های کنونی، اروپا شکل گرفت. در آن زمان تهاجم و تصرف سرزمین ها و سپس تأسیس حکومت های فیودالی و قبول مسیحیت پایه های اصلی شکل گیری این ملت ها به حساب می آید. به این ترتیب، آداب و رسوم، زبان، خط و تاریخ نیز بر آن افزوده شد. به این اساس است که ریشه های تاریخی به وجود آمدن بسیاری از کشورهای اروپایی را در قرون وسطی میتوان مطالعه کرد.

اوضاع اجتماعی و اقتصادی

دوره قرون وسطی پس از انقراض روم غربی (۴۷۶م) به دست اقوام مهاجم تصرف شهر روم، آغاز گردید. اقوام جرمن، مجار، فرانک و مانند آن ها طی چندین قرن مهاجمان تقریباً سراسر اروپا را تصرف کردند و پس از بجا گذاشتن خرابی های زیاد به زنده گی در قلعه ها و دهات روی آوردند. در نتیجه این حملات بسیاری از دستارودهای تمدنی مانند شهر نشینی، تجارت و مراکز علم و آموزش به دست فراموشی سپرده شد. تا این که بعد از گذشت قرن ها،

در اواخر قرون وسطی، بار دیگر شهر نشینی، تجارت و مراکز علم و آموزش در اروپا زنده گردیده و رونق گرفت.

در قرن وسطی بر اروپا نظام فیودالی حاکم بود. هر فیودال یعنی مالک یا ارباب دارای املاک بسیار زیاد بود که گاهی یک ولایت بزرگ را دربر می گرفت. در این املاک بزرگ زمین های زراعتی، محلات شکار، جنگلات، چشمه ها، دریاچه ها و قریه ها شامل می شدند و از نظر تهیه مایحتاج خود کاملاً خود کفا به شمار می آمدند. مردمانی که در محدوده ملکیت فیودال زنده گی می نمودند رعیت فیودال گفته می شدند به همین دلیل به نظام فیودالی، نظام ارباب رعیتی نیز می گویند. رعیت کاملاً تابع ارباب بود و ارباب وظیفه اداره ملک و قضا را به پیش می برد. زراعت کار اصلی اروپاییان در قرون وسطی بود. ارباب بیشترین سهم محصول را تصاحب می کرد و سهمی را که به رعیت می داد، رعیت ناگزیر بود که با این سهم اندک در طول سال به زنده گی خود ادامه دهد.

فیودال ها یا اشراف قرون وسطی در اصل فرماندهان دسته های سپاه بودند که بعد از جنگ ها وسکونت در نواحی مختلف اروپا مالک زمین می شدند، جنگجویان به نوبه خود مردم بومی هر محل را نیز به صورت رعایای خود در می آوردند. مهمترین کاری که فیودال ها انجام می دادند. حفظ نظم و امنیت ملک خود و شرکت در جنگها بود، برای این منظور هر فیودال قلعه بسیار بزرگ و مستحکمی داشت که او و رعایایش را در برابر دشمنان حفاظت می نمود. هر فیودال جنگجویان هم در اختیار داشت که در وقت ضرورت با دشمنان خود می جنگیدند. ارباب دفاع از رعیت را وظیفه خود می پنداشت. در مقابل رعایا هم از او بی چون و چرا اطاعت می کردند.



سلسله مراتب جامعه فیودالی

فیودال یا ارباب که در ملک خود مستقل بود تابع پادشاه یا فیودال اعظم بود و پادشاه به وسیله فیودال ها انتخاب می شد، فیودال ها برای وفا داری به پادشاه سوگند می خوردند. زمانی که جنگی با دشمنان خارجی پیش می آمد، فیودال ها با جنگجویان شان به کمک شاه می شتافتند. در دوره قرون وسطی در اروپا بیشتر جنگ های داخلی میان فیودال ها صورت گرفت

نه با دشمنان خارجی. به همین سبب پادشاهان اکثراً از قدرت زیاد برخوردار نبودند و تنها در اواخر قرون وسطی بود که به تدریج پادشاهان قدرت یافتند و فیودال‌ها را مطیع خویش ساختند.

در دوره قرون وسطی مشهورترین قشر جامعه شوالیه‌ها (نجیب زاده‌های سوارکار) بودند که در تمام عمر خود مصروف جنگ، فراگرفتن فنون جنگ، به کار بردن اسلحه، رعایت جوانمردی و وفاداری یکی از اصول آنها بود، علم و ثروت برای شان اهمیتی نداشت. در زیر دست شوالیه‌ها، رعایا قرار داشتند که با کار کردن بر روی زمین و زنده‌گی در قلعه روزگاری می‌گذراندند و محصولی که از طرق زراعت به دست می‌آوردند در آن سهیم بودند و حق ترک کردن مزرعه را نداشتند. به این‌ها سرف یعنی رعیت وابسته به زمین می‌گفتند، و همین شرایط از پدر به فرزندانش نیز به ارث می‌رسید. اما عده هم بودند که به عنوان رعیت بدون زمین، آن‌ها برای یافتن کار از یک محل به محل دیگر می‌رفتند و در مقابل کار مقدار محصول به آنها داده می‌شد.

در دوره قرون وسطی معمولاً هر شخصی پس از دوران کودکی اگر جزو اشراف (فیودال‌ها) بود، جنگجو می‌شد و اگر از رعایای وابسته به زمین بود به کار در مزرعه می‌پرداخت، مکتب رفتن و درس خواندن تنها برای کسانی که می‌خواستند کشیش شوند وجود داشت، آنان در ابتدای جوانی به کلیسا می‌آمدند و در آنجا علوم دینی را می‌آموختند.

کلیسا

در ساحات زیر فرمانروایی فیودالان چندین کلیسا وجود داشت، که به وسیله کشیش‌ها اداره می‌شد. کشیش‌ها مدتی از عمر خود را در مکان‌های جدا از جامعه به نام (دیر) به درس خواندن می‌گذراندند، به آن‌ها راهب می‌گفتند. درس‌های آن‌ها شامل مضامین زبان لاتین، فلسفه، منطق، ریاضیات و نجوم بود. و علوم ساینسی مورد توجه آنها نبود.

عده زیادی از کشیش‌ها پس از اتمام تعلیمات به کلیسا می‌رفتند و به انجام وظایفی مانند غسل تعمید (مسیحیان طی مراسمی کودکان را غسل می‌دادند)، برگزاری مراسم دعا و عبادت و مراسم ازدواج را به عهده داشتند، کشیش‌ها از کشیش‌های عالی رتبه که



اسقف گفته می‌شد اطاعت می‌کردند.

اسقف‌ها از یک اسقف عالی رتبه که سراسقف نامیده می‌شد تابعیت می‌نمودند، سراسقف بر تمامی کلیساهای کشور نظارت داشت سراسقف از جانب عالی‌ترین مقام مسیحیت که پاپ نام داشت، منصوب می‌گردید. پاپ که پیشوای همه مسیحیان بود تمام کلیساهای اروپا را زیر فرمان خود داشت و به همین دلیل مقام او از پادشاهان اروپایی بالاتر به شمار می‌آمد. پاپ در شهر روم، پایتخت امپراطوری روم باستان زنده‌گی می‌نمود و پس از سقوط امپراطوری روم غربی دیگر در ایتالیا حکومت وجود نداشت از این رو شهر روم و نواحی اطراف آن، قلمرو پاپ محسوب می‌گردید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به چهار گروه تقسیم شوند بعد از مشوره یکی از اعضای گروه خلاصه مطلب تعیین شده را به دیگران بازگو نماید.

۱- فیودالیزم یعنی چه؟

۲- سلسه مراتب کلیسا؟

۳- سلسه مراتب فیودالیزم؟

۴- قرون وسطی یعنی چه؟

سوالات



۱- فیودال‌ها از کدام اختیاراتی در اروپا برخوردار بودند؟ مختصراً شرح دهید.

۲- شوالیه و سرف با یکدیگر چه فرق دارند؟ مختصراً توضیح دهید.

۳- وضعیت علم و دانش اروپای قرون وسطی را بیان کنید.

فعالیت بیرون از صنف



درباره منشأ اقوامی که در قرون وسطی به اروپا آمدند، مطلبی تهیه و در صنف ارائه نمایید.

جنگ های صلیبی

صلیب مهمترین علامه مسیحیت است. این علامت بنا به باور مسیحیان یاد بود شهادت حضرت عیسی (ع) به وسیله صلیب می باشد. مسیحیان از صلیب در تزئین پرچم ها و کلیسا ها استفاده می کنند. مثلاً لشکریان مسیحیان که در قرون وسطی برای تصرف بیت المقدس از اروپا به شام و فلسطین حمله کردند، بر روی لباس خود صلیبی نقش کرده بودند. به همین دلیل به آن ها صلیبی گفته می شود و جنگ های دوصد ساله یی که میان مسلمانان و مسیحیان اروپایی روی داد به جنگ های صلیبی معروف شد. گرچه این جنگ انگیزه مذهبی داشت، اما به هیچ وجه نمی توان دخالت شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اروپا را از نظردور داشت. جنگ های صلیبی که در نیمه دوم قرن وسطی (۱۰۹۹ تا ۱۲۹۱م) رخ داد از جمله وقایع مهم تاریخ است، که مختصراً در مورد آن بحث می گردد.

آغاز جنگ های صلیبی

از قرن اول هجری که مصادف با قرن هفتم میلادی است، جهان اسلام و مسیحیت در برابر هم قرار گرفتند. در قرن اول هجری مسلمانان، نواحی شام، فلسطین، مصر، شمال افریقا و اسپانیا را از تصرف مسیحیان خارج نمودند و بعداً نیز جدال میان آنان و مسیحیان در مرز های بحری و بری آسیای صغیر (ترکیه)، مدیترانه، ایتالیا و اسپانیا ادامه داشت. در اواسط قرون وسطی زمینه های دیگری برای منازعه مسیحیان اروپایی با جهان اسلام به وجود آمد. که مختصراً در باره آن مکث می شود:

۱- انتظار ورود حضرت عیسی (ع)

تعدادی از مسیحیان به این باور بودند که عیسی (ع) پس از هزار سال دوباره در شهر بیت المقدس ظهور خواهد کرد. ازین رو، زایران مسیحی و به خصوص راهبان، به آن شهر می آمدند و روز به روز به تعداد شان در بیت المقدس افزوده می شد. البته واقعه یی که مسیحیان انتظار آن را داشتند رخ نداد، اما این مسافرت ها یک نتیجه مهم در قبال داشت و آن عبارت از آگاهی اروپاییان از شرایط اجتماعی و اقتصادی زنده گی مسلمانان بود.

۲- افزایش جمعیت و بروز مشکلات اجتماعی در اروپا

در پی چند قرن تهاجم به اروپا و ورود اقوام مهاجر به این قاره جمعیت آن افزایش یافت. این مهاجرت ها مشکل کمبود زمین های زراعتی را به همراه داشت، کمبود زمین سبب

فقر می شد و به تدریج از تعداد رعایای زمین دار کاسته و به تعداد رعایای بی زمین افزوده می گردید. این مشکل تنها مربوط به رعایا نبود، بلکه شوالیه ها نیز روز به روز بیشتر متأثر می شدند؛ زیرا در نظام فئودالی اروپا رسم بر این بود که ملک فئودال به پسر بزرگ او می رسید، ازین رو، پسران دیگر فئودال ناگزیر به صفوف شوالیه ها می پیوستند. با از دیاد تعداد شوالیه ها و ماجراجویی آن ها ناامنی در اروپا گسترش پیدا کرد. روی این دلایل فئودال ها و پادشاهان در جستجوی سرزمین ها جدید بودند. از این که، قاره اروپا نسبتاً کوچک و از سه طرف نیز به آب محاط است امکان کشور گشایی چندانی نداشت، لذا به سرزمین شرق مدیترانه (شام و فلسطین) که در تصرف مسلمانان بود، توجه کردند.

۳- پیشروی مسیحیان در اندلس (اسپانیه)

در اواخر قرن اول هجری اندلس به تصرف مسلمانان درآمد. آنان قرن ها با مسیحیان آن سرزمین زنده گی مسالمت آمیزی داشتند، اما در زمان فرانک ها مسیحیان اروپائی برای باز پس گیری اندلس فشار آوردند. اندلس تا مدت ها با وجود ارتباط کم با بقیه جهان اسلام، در برابر فشار اروپائیان نه تنها ایستاد، بلکه مسلمانان آنجا تمدن با شکوهی را ایجاد کردند. اما به دلیل اختلافات داخلی، مسلمانان متحمل خساراتی شدند و نواحی شمالی اسپانیه را از دست دادند. در چنین شرایطی بود که به طور برق آسا سلجوقیان بر روم شرقی (بیزانس) در سال ۱۰۷۱م پیروز شدند و امپراتوری بیزانس قسمت آسیای صغیر را از دست داد و از پاپ علیه مسلمانان، درخواست کمک نمود و این برای پاپ فرصت مناسبی بود تا کلیسای بیزانس را که از سال ۱۰۵۵م از کلیسای روم جدا شده بود بار دیگر تحت فرمان خود درآورد. در نتیجه کلیسای بیزانیه که بر خود نام ارتدوکس نهاده بود و کلیسای روم نام کاتولیک داشت. پاپ به تقاضای بیزانس جواب مثبت داد و بدین ترتیب جنگ های صلیبی شروع گردید.

نخستین جنگ های صلیبی چطور آغاز شد؟

پاپ اوربان دوم در سال ۱۰۹۶م فرمان جنگ علیه مسلمانان را برای تصرف بیت المقدس، صادر نمود. جمعیت بزرگی از مناطق مرکزی و غربی اروپا به طرف بیزانس در حرکت شدند تا از آن طریق خود را به بیت المقدس برسانند. این ها که اغلب دهقانان و شوالیه ها بودند به شکل ارتش بی نظم و فاقد یک فرمانده مشخص در مسیر خود بسیاری از قریه ها را غارت نموده. زمانی که به قسطنطنیه رسیدند امپراتوری بیزانس از دیدن این جمعیت

سرکش و گرسنه به وحشت افتاد و آن ها را به طرف سرزمین مسلمانان سوق داد. گرچه عده زیادی از صلیبی ها در دشت ها و بیابان ها گم شدند و یا از گرسنه گی از بین رفتند اما بقیه از کرانه های شرقی مدیترانه خود را به شام و فلسطین رساندند و در سال ۱۰۹۹ م موفق به تصرف بیت المقدس شدند. در زمان شروع جنگ های صلیبی جهان اسلام گرفتار تفرقه و جدال داخلی بود.

فلسطین در دست فاطمیان مصر، در حالت ضعف و زوال قرار داشت. شام در دست سلجوقیان طرفدار خلافت عباسی بود؛ امانه سلجوقیان باهم متحد بودند، نه عباسی ها توجهی به مرزهای خویش داشتند. از طرف دیگر فاطمیان و عباسیان نیز باهم دشمن بودند. بدین ترتیب قسمت های وسیعی از شام، فلسطین و بیت المقدس به دست صلیبی ها افتاد.

بدین ترتیب، جنگ اول صلیبی با پیروزی صلیبی ها خاتمه یافت. پخش اخبار این واقعه مسلمانان را سخت تکان داد؛ لذا آل زنگی که حکومتی در مرزهای شام داشتند، علیه صلیبی ها وارد جنگ شدند و قسمتی از اراضی مسلمانان را دوباره گرفتند. شکست صلیبی ها موجب حرکت نیروهای تازه نفس اروپایی به جانب بیت المقدس گردید؛ اما در این جنگ فیودال ها با شوالیه ها نیز همراه شده و صلیبی ها شکست خوردند؛ زیرا که مسلمانان آماده شده بودند و از سوی دیگر فاتحان جنگ اول صلیبی از آمدن مهاجران جدید راضی نبودند.

شکست صلیبی ها در جنگ دوم، پاپ را واداشت تا پادشاهان اروپایی را نیز به جنگ علیه مسلمانان تشویق کنند در نتیجه پادشاهان انگلستان، فرانسه و آلمان (امپراتوری روم) عازم فلسطین شدند و جنگ سوم صلیبی شکل گرفت.

در همین جنگ بود که یکی از فرماندهان مسلمانان به نام صلاح الدین ایوبی سخت مقاومت کرد. صلاح الدین که با انقراض حکومت آل زنگی و فاطمیان، حکومت اسلامی را در مصر و شام تأسیس کرده بود توانست بیت المقدس را دوباره تصرف کند و قسمت های وسیعی از شام و فلسطین را آزاد سازد و تنها نواحی ساحلی در اختیار صلیبی ها باقی ماند. تحمل این شکست ها برای حکومت های مسیحی اروپا دشوار بود؛ لذا لشکر کشی های جدیدی را تدارک دیدند.

جنگ های دیگر صلیبی

با توجه به سربازان زیاد و تجهیزات فراوانی که اروپاییان برای جنگ چهارم صلیبی تدارک کرده بودند، امید به پیروزی در بیت المقدس و دست یافتن به غنایم در آن جا را صلیبی ها حتمی می دانستند؛ اما زمانی که به قسطنطنیه بزرگ ترین شهر مسیحیت رسیدند، تصرف و

تاراج آن شهر را ترجیح دادند تا جنگیدن با مسلمانان و تصرف بیت المقدس. پس از جنگ های چهارم و پنجم، جنگ های صلیبی در مسیری دیگر قرار گرفت. از یک طرف امپراتوری بیزانس اجازه نداد تا جنگ جویان صلیبی برای رفتن به مرزهای مسلمانان از قلمرو آن عبور نمایند، به همین جهت صلیبی ها از بنادر شمالی ایتالیا حرکت کرده با عبور از مدیترانه به بنادر و سواحل شام که در تصرف صلیبی ها بود رسیدند؛ از جانی دیگر پاپ برای تدارک لشکرهای صلیبی بر پادشاهان اروپایی تکیه کرد. لذا از جنگ ششم تا نهم صلیبی را پادشاهان با همراهی فیودال ها و شوالیه ها رهبری می کردند. آنان نه تنها رفتن به سرزمین های دور را به نفع خود نمی دانستند، بلکه به این باور شده بودند که صلیبی ها قادر به تصرف شرق مدیترانه نخواهند شد؛ از این رو فعالیت های سیاسی بیش از جنگ مورد توجه آنان قرار گرفت.

تغییر مهمی که در اواخر جنگ های صلیبی رخ داد گرایش مسیحیان به تجارت با مسلمانان بود که دریانوردان بنادر شمالی ایتالیا از این تجارت سود فراوانی بردند. در شرایطی که تجارت برای صلیبی ها انگیزه خوبی شده بود، لذا بر توان مسلمانان این مناطق در برابر صلیبی ها افزوده شد. حکومت مقتدری که به جای حکومت اسلامی (ایوبیان) روی کار آمده بود با ضرباتی پی در پی، آخرین پایگاه های صلیبی ها را در سواحل شام تصرف کردند و بدین ترتیب جنگ های صلیبی پس از دو قرن در سال ۱۲۹۱ م با پیروزی مسلمانان به پایان رسید.

نتایج جنگ های صلیبی

- جنگ های صلیبی با شکست اروپاییان تمام شد، اما آنان را با دستاورد های تمدن اسلامی آشنا ساخت و از آن استفاده کردند.
- جنگ های صلیبی موجب تماس اروپاییان با پیشرفته ترین تمدن آن زمان یعنی تمدن اسلامی شد. این خود در باز شدن افق اندیشه اروپاییان و گشودن چشم آنان بر واقعیت های جهان و ارزیابی موقعیت شان بسیار مؤثر بود.
- جنگ های صلیبی موجب گشایش عرصه های جدید اقتصادی گردید. با شروع تجارت اروپاییان با مسلمانان از طریق شرق مدیترانه و شمال آفریقا محصولات و کالاهایی نظیر شکر، کاغذ، قهوه، قطب نما، پارچه های ابریشمی، ادویه جات و غیره به دست اروپایی ها رسید. این گونه کالا و محصولات در اروپا پیدا نمی شد. به دست آوردن این کالا و سپس شروع به تولید آن ها در اروپا موجب ارتقای سطح زنده گی، کار و فرهنگ در آن

قاره شد.

• در پهلوی ادویه جات گوناگون که اروپاییان بسیار خواهان آن بودند، کتبی که با طبابت مرتبط بود مانند کیمیا، دواسازی، دواشناسی، بیالوژی، میخانیک و مانند آن ها نیز به نحو و سיעی مورد استفاده اروپاییان قرار گرفت. همچنان علمی که اروپاییان بدان علاقه نشان دادند جغرافیه و نجوم بود این دو علم به شناخت سرزمین ها، راه های دریانوردی و تجارت کمک بسیار می کرد. علوم عقلی مانند فلسفه نیز در اروپا علاقه مندانی داشتند و آثار ابن سینا و فارابی که فیلسوفان بزرگ جهان اسلام بودند، به زبان لاتین ترجمه شد. در این هنگام اندلس (اسپانیه)، تونس، سواحل شام (سوریه) و اسکندریه مصر مهمترین دروازه های انتقال دستاوردهای اقتصادی، علمی، فکری و فنی جهان اسلام به اروپا بودند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه، تقسیم شوند و هر گروه یکی از پرسش های زیر را بعد از مشوره بوسیله یکی از اعضای گروه به دیگران تکرار نماید.

۱- چرا حکومت بیزانس اجازه نداد که جنگ جویان صلیبی از قلمرو شان برای رفتن به جنگ با مسلمانان استفاده کنند؟

۲- چرا فاتحان جنگ اول صلیبی از آمدن مسیحیان جدید ناراض بودند؟

سؤالات



۱- اوضاع اجتماعی اروپا چگونه زمینه ساز جنگ های صلیبی شد؟ مختصراً توضیح دهید.

۲- جنگ سوم صلیبی چگونه آغاز شد و به چه انجامید؟ مختصراً واضح سازید.

۳- عملکرد صلیبی ها در جنگ چهارم صلیبی بیانگر کدام واقعیت است؟ مختصراً واضح سازید.

۴- در اواخر جنگ های صلیبی چه تغییری در طرز تفکر اروپاییان نسبت به جهان اسلام پدید آمد؟ مختصراً واضح سازید.

فعالیت بیرون از صنف



در باره نتایج جنگ های صلیبی مطلبی تهیه و در صنف ارائه کنید.

اروپا در کشاکش با خلافت های اموی اندلس و عثمانی

در این درس با چگونگی ورود مسلمانان به اروپا و عمل کردهای دو خلافت اموی و عثمانی که سبب انتشار دین مقدس اسلام در آن سرزمین ها گردید، به طور اختصار آشنا خواهیم شد.

حضور مسلمانان مدت هشت قرن در اروپا، فصلی جدیدی همراه با افتخارات، شجاعت و دستاوردها در تاریخ تمدن بشر است. آنها در مدت اندکی از حضور خویش در جنوب اروپا به ایجاد تمدن درخشان پرداختند و یکی از بزرگترین مراکز قدرت را در اروپا ایجاد کردند؛ اما گذشت زمان به نفع آنها نبود و در نهایت ناچار به ترک از آنجا شدند.

مسلمانان در دهه های نخست قرن اول هجری به شمال آفریقا رسیدند. آنها نزدیک به کوه های اطلس با مردمی صحرا نشین (بربرها) برخورد کردند. در سال ۸۹ هجری موسی بن نصیر از طرف ولید بن عبدالملک خلیفه اموی به حکمرانی کل آفریقا انتخاب شد. موسی مردی شجاع و پرهیزگار بود. او پس از نبرد های سخت توانست بربرهای شمال آفریقا را مطیع خود ساخته و از آنها سپاه منظمی در منطقه تشکیل بدهد.

در سال ۷۱۱م به دستور موسی بن نصیر سپاهی به رهبری طارق بن زیاد جهت فتح اسپانیا به بخش شمالی بحیره مدیترانه اعزام گردید. طارق با سپاهی بیست هزار نفری که اکثر آنها بربرها و بقیه از اعراب بودند از تنگه شمال مغرب گذشته و قدم به اسپانیا نهادند. نقطه یی که مسلمانان از آنجا داخل اسپانیا شدند، تنگه بود که بعد ها برای همیشه بنام وی تنگه (جبل الطارق) نام گرفت. طارق بعد از ورود به اسپانیا تمام کشتی ها سپاهش را حریق ساخت تا سربازان فکر فرار و بازگشت را از سر خود بیرون کنند. بدین ترتیب، برای اولین بار زمینه حضور مسلمانان در اروپا فراهم گردید.

قبل از ورود مسلمانان در اسپانیا، این سرزمین زیر سلطه اقلیتی به نام ویزیگوت ها قرار داشت که به شیوه الگوی امپراطور رومی بزور شمشیر و تاخت و تاز سرداران، حکومت می کردند.

از دیاد مالیات، جنگهای داخلی سبب شده بود که دهقانان به مرحله فلاکت و نابودی برسند و اکثر مردم اسپانیا مثل برده گان برای طبقه اشراف و روحانیون مسیحی کار می کردند. از نیرو، مردم اسپانیا هرگز از این حکومت راضی نبودند و به جستجوی رهایی از وضع موجود بودند.

اولین نبرد طارق در اسپانیا با ویزیگوت ها بود. در حالیکه تعداد سپاه اسلام زیاد نبود، اما

ایمان قوی و روح سلحشوری آنها با عث شد تا در جنگ سختی که میان طرفین رخ داد، مسلمانان پیروز شوند.

پیروزی مسلمانان در این نبرد مقدمه برای پیشروی مسلمانان به قلب اروپا شد، مردم اروپا با اینکه اکثراً مسیحی بودند در برابر مسلمانان در جنگ مقاومتی از خود نشان نمی‌دادند و قلباً آرزوی نابودی ویزیگوت‌ها را داشتند، بدین دلیل طارق فرمانده سپاه اسلام قسمت زیاد اسپانیا را فتح کرد و در آنجا اساس دولت اسلامی را گذاشت.

مناطق که از فتح طارق دور مانده بود موسی بن نصیر فاتح دیگر اسلام فتوحاتش را در شرق اسپانیا تکمیل کرد، او توانست در مدت کوتاه، حضور سپاه اسلام را در سراسر این کشور تا مرز فرانسه برساند. او قصد داشت از فرانسه و آلمان عبور کند و با تصرف قسمت شرقی اروپا قسطنطنیه را فتح نماید و بعد از آن خود را به شام برساند و با جهاد در راه اسلام این نقاط را جزء قلمرو شام کند. اما سرنوشت زنده‌گی برای او حوادثی به وجود آورد که به مقصد نرسید و بعداً وفات نمود.

وفات موسی بن نصیر پایان کار مسلمانان در اسپانیا نبود. در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز، سمح بن مالک خولانی به حکومت اسپانیا گماشته شد. او برای جلب رضایت مردم اسپانیا به اعمار پل‌ها و تامین عدالت پرداخت.

در سال ۷۲۱ میلادی سمح بعد از تسلط کامل بر اسپانیا متوجه فرانسه شد و با نیروی ده برابر خود مواجه گردید سپاه اسلام با شهادت و ایمانداری وارد معرکه نبرد شدند؛ در حالیکه مسلمانان نزدیک به پیروزی بودند، سمح شهید گردید و سپاه اسلام شکست خورد، شکستی که در تاریخ اسلام به نام شکست تولوز معروف است. در این جنگ تعداد زیاد فرماندهان مسلمانان نیز جام شهادت نوشیدند.

بعد از شکست تولوز یکی از سرداران سمح به نام عبدالرحمن بن عبدالله عافقی فرماندهی سپاه اسلام را بر عهده گرفت و با سرعت سربازان اسلام را جمع آوری کرد و در صدد جبران شکست تولوز برآمد، تا اینکه در سال ۷۳۲ م / ۱۱۴ ق عبدالرحمن توانست تعداد از شهرهای فرانسه را فتح نماید.

این پیروزی سبب شد تا شارلمان پادشاه فرانسه به جمع آوری نیرو بپردازد و حتی از ژرمن ها طلب کمک نماید. زمانیکه این دو نیرو به مقابل هم قرار گرفتند، فرانسوی ها حيله یی بکار بردند که موجب پراکنده گی سپاه مسلمانان، به شهادت رسیدن تعداد از فرماندهان و خود عبدالرحمن شد و به نام جنگ تورو پوانیه معروف گردید.

بعد از پیروزی اسلام در اسپانیا تمدنی در آنجا بنا گردید که موجب تحولات بزرگ و بیداری علمی و اخلاقی در اروپا شد و همچنان از هرج و مرج و گردن کشی و زورگویی زمین داران بزرگ جلوگیری به عمل آمد. در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز زراعت رونق گرفت، تجاوز به مال دیگران از بین رفت، اصلاحات اقتصادی به وجود آمد. همچنان مسیحیان و یهودیان در اسپانیا آزادانه به زنده گی خود ادامه میدادند.

دولت عثمانی چگونه تشکیل شد؟

در قرون جدید، که اروپاییان تمدن جدید خود را پی ریزی می کردند و با کمک علم و تکنالوژی جدید می کوشیدند تا بر جهان تسلط یابند، در سرزمین های اسلامی چه می گذشت؟ آیا آنان نیز در اندیشه تحول و دگرگونی بودند؟ آیا از دستاوردهای جدید تمدن استفاده کردند؟ با پدیده استعمار چگونه برخورد کردند؟ از مهمترین دولت های مسلمانان در قرون جدید دولت عثمانی است.

پیروزی ترکان سلجوقی در نبرد ملازگرد، که بین آلپ ارسلان و امپراتور روم شرقی رخ داد، پی آمدهای چندی به همراه داشت که گسترش اسلام در آسیای صغیر و بروز جنگ های دوصد ساله صلیبی بین مسلمانان و مسیحیان از مهم ترین آنها بود. گذشته از این، با کوچ کردن قبایل تُرک مسلمان، از شرق ایران به آسیای صغیر، به تدریج دولت های کوچک محلی در این منطقه به وجود آمدند که برای بقا و گسترش خود، به جنگ با همسایه گان مسیحی می پرداختند. یکی از معروف ترین این قبایل، قبیله قایی بود که در مجاورت انقره سکونت گزید. رهبر این قبیله ارطغرل بود که بر قدرت خویش افزود؛ پس از او فرزندش، عثمان در سال ۶۹۹ ق دولتی تأسیس کرد که به نام خودش عثمانی خوانده شد. این دولت عثمانی، که تا اوایل قرن بیستم دوام یافت. آخرین امپراتوری قدرتمند جهان مشرق زمین بود که نام و آوازه اش برای قرن ها موجب هراس اروپاییان شده بود؛ لذا برای نابودی آن تلاش بسیاری نمودند.

ترکان عثمانی برای توسعه قلمرو و تثبیت قدرت خود دو نیروی نظامی مهم تشکیل دادند: یکی سپاه عثمانلی و دیگری سپاه ینی چری. عثمانلی نیروی اصلی دولت عثمانی بود که از قبایل تُرک و متحدان نظامی این دولت تشکیل می شد و اعضای آن در عوض خدمات خود، زمین دریافت می کردند؛ و از غنائم بهره می بردند. اما ینی چری ها جوانان مسیحی مسلمان شده یی بودند که وظیفه آنان حفاظت از سلطان عثمانی بود و در مقابل خدمات

خود حقوق دریافت می کردند و پس از ۳۰ سال خدمت به آنان زمین داده می شد. سلطان محمد فاتح که مشهورترین سلاطین عثمانی بود توانست به حیات سیاسی امپراتوری هزار ساله بیزانس (روم شرقی) خاتمه دهد. فتح درخشان او، فتح قسطنطنیه (شهر کنستانتین) پایتخت امپراتوری روم شرقی بود که از آن به بعد این شهر به نام اسلامبول (شهر اسلام) نامیده شد و سلطان محمد نیز لقب فاتح گرفت. این فتح منشأ تحولات متعددی در تاریخ جهان گردید و مبدأ قرون جدید در تاریخ اروپا شناخته شد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و روی عوامل ضعف دولت عثمانی باهم بحث کنند. بعد از بحث و گفتگو یکی از اعضای گروه خلاصه مطلب را به دیگران ارائه کند.

سؤالات

- ۱- ورود مسلمانان برای اولین بار به اروپا چگونه صورت گرفت؟ مختصراً توضیح دهید.
- ۲- چرا مردم اسپانیا از مسلمانان استقبال کردند؟
- ۳- رفتار سرداران مسلمانان با مردم اندلس در اروپا چگونه بود؟ توضیح دهید.
- ۴- دولت عثمانی چگونه تأسیس شد؟
- ۵- سلطان محمد فاتح کی بود؟

فعالیت بیرون از صنف

تعداد از شاگردان در مورد خلافت اموی اندلس و تعدادی دیگری در باره دولت عثمانی مطلبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

تأثیرات علمی تمدن اسلامی بر تشکیل مدنیت جدید اروپا

درین درس با عظمت تمدن اسلامی در غرب، اثرات آن بر مدنیت جدید اروپا چگونگی ظهور اندیشمندان و شعرا، صنعت و تجارت که سبب انتقال دستاورد های علمی مسلمانان به قلب اروپا شد، مطالبی به بحث گرفته خواهد شد.

مسلمانان بعد از فتح اسپانیا تمدنی را در آنجا پایه گذاری نمودند که برای جهان اسلام و هم برای اروپا منشأ تحولات و انکشاف علمی فراوان به شما می رود. تمدن اسلامی در اندلس، بدلی از عظمت تمدن اسلامی در شرق بود که حاصل این تمدن ظهور اندیشمندان، فقها، شعرا، فلاسفه و آثار هنری، معماری و رشد صنعت و تجارت در جنوب اروپا بود و این نشان می دهد که جنگ و کسب غنائم انگیزه مسلمانان برای حضور در اسپانیا نبوده است.

تمدن اسلامی در اندلس منحصراً پلی میان جهان اسلام و اروپا عمل کرد و دستاوردهای علمی مسلمانان را به قلب اروپا منتقل می ساخت. نهرو، نخست وزیر هند در کتاب نگاهی به تاریخ جهان می نویسد: مسلمانان اسپانیا چنان حکومت حیرت انگیز قرطبه را به وجود آوردند که از شگفتی های قرون وسطی محاسبه می شود و در موقعی که سراسر اروپا در جهالت و بربریت و جدال غوطه می خورد، آنها مشعل دانش و تمدن را روشن نگاه داشته بود که نور آن قرن ها بر دنیای غرب شمع افکنده بود. شهر قرطبه مدت (۵۰۰) سال پایتخت و مرکز این حکومت بود. قرطبه شهری بزرگ بود که یک میلیون نفر جمعیت داشت.

این شهر به یک باغ شباهت داشت که طول آن در حدود ۲۰ میل و حومه آن به ۴۵ کیلومتر میرسید. در این شهر کتابخانه های زیادی وجود داشت که بزرگ ترین آن کتابخانه امیر که آراسته با چهارصد هزار جلد کتاب بود. پوهنتون قرطبه در سراسر اروپا و آسیای غربی مشهور بود و مدارس مجانی برای فقرا در آن وجود داشت. در آن زمان در اسپانیا تقریباً همه اشخاص خواندن و نوشتن را میدانستند. حال آنکه در اروپا مسیحی صرف نظر از روحانیون حتی اشخاص که از عالی ترین طبقات جامعه هم بودند در بینوایی کامل به سر می بردند. مسلمانان اسپانیا به معماری اسلامی و زیبا سازی شهرها اهمیت زیادی می دادند و بدین ترتیب در مدت کمی ساخت راه های بین شهری و بنای پل های جدید و مساجد زیبا در نقاط مختلف آغاز شد.

مسلمانان اسپانیا رشد علم و دانش و ساختن مدارس را در دستور کار خود قرار دادند، به

طوری که در طول چند قرن اسپانیای مسلمان خصوصاً شهر قرطبه مرکز نشر علم در اروپا شد. لین بول مورخ انگلیسی با اشاره به قدرت و عظمت حکومت مسلمانان در اسپانیا می نویسد: در مدت چند قرن اسپانیا مرکز تمدن و کانون علم، هنر، دانش و جلوه گر درخشش فرهنگی گردید.

هیچ کشور دیگری در اروپا نتوانسته است وضعی مشابه دوران تسلط فرهنگی مسلمانان در اسپانیا داشته باشد. ظهور تمدن اسلامی در اندلس با ظهور دانشمندان و متفکرین مختلف اسلامی همراه بود که هریک از آنها نقش مهمی را در تکامل تمدن اسلامی ایفا کرده و خدمات فراوانی به بشریت عرضه کردند که از جمله این افراد می توان از ابن ماجه، ابن رشد، ابن طفیل، ابن میمون و... نام برد. با وجود افتخارات تاریخی مسلمانان در اسپانیا، گذشت زمان به نفع این ملت نبود. ضعف و انحطاط مسلمانان در قرون بعدی نه تنها سبب سلطه مسیحیان متعصب بر شهرهای اسلامی در این سرزمین شد بلکه با فروپاشی قدرت سیاسی مسلمانان در اسپانیا، مسیحیان بسیاری از آثار علمی و فرهنگی تمدن اسلامی را محو و نابود کردند تا آنجا که اکنون صدای این تمدن در قلب اسپانیا به خاموشی گراییده است.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به چند گروه تقسیم شده و روی عوامل ضعف دولت اسلامی اندلس باهم بحث نموده و نتیجه بحث خویش را به نماینده گی گروه به دیگران بیان کند.

سؤالات



- ۱- در مورد تمدن اسلامی در اندلس اروپا چه می دانید؟ مختصراً توضیح دهید.
- ۲- در مورد شهر قرطبه چه می دانید؟
- ۳- چرا تمدن اسلامی در اسپانیا به دست فراموشی سپرده شد؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان در مورد عظمت تمدن اسلامی در اروپا مقاله تحریر و در درس آینده دو الی سه تن از شاگردان آنرا قرائت کنند.

رنسانس در اروپا

رنسانس یعنی چه و چگونه به وجود آمد؟

اواخر قرون وسطی که همراه با تغییرات و تحولات فکری و فرهنگی بوده است. عصر رنسانس یعنی نوزایی مشهور است و منظور از آن احیای فرهنگ و تمدن یونان و روم باستان است که با آغاز قرون وسطی به دست فراموشی سپرده شده بود. آنچه که در عصر رنسانس به وجود آمد و چهره قرون وسطایی اروپا را عوض نمود عبارت بود از:

- ۱- رشد شهرنشینی و قدرت شهر نشینان؛
- ۲- افزایش قدرت پادشاهان و ضعف فیودال ها؛
- ۳- رشد تجارت و حرفه ها؛
- ۴- اکتشافات جغرافیایی.

از آن جا که رنسانس در اواخر قرون وسطی رخ داده است در اینجا به بررسی تاریخ اروپا از ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی پرداخته می شود.



جنگ های صلیبی مشکلات جمعیتی اروپا را حل نکرد؛ در نتیجه کمبود زمین در اروپا، عده زیادی از رعایای زمین دار به رعیت های بی زمین تبدیل شدند. تعدادی از زارعین به دلیل ستم فیودال ها دست به شورش زده و از دهات می گریختند و تبدیل به رعیت پادشاه می شدند. همین گروه به حرفه های گوناگون و داد و ستد مشغول شدند و شهرهای جدیدی را در اروپا بنا کردند. رشد تجارت که پس از جنگ های صلیبی به وجود آمد به رشد

اقتصادی ساکنان شهرها کمک نموده و هم به ساکنان شهرها بورژوا می گفتند که به معنای شهرنشین است. شهرها که محل خرید و فروش کالاها و اجناس میباشد، لازمه داد و ستد آن پول است. بدین ترتیب، استفاده از پول زیادتر گردید. رشد شهرها در ابتدا بستر در نواحی ساحلی بود؛ زیرا در آن جاها فیودال ها کمتر بودند. در نتیجه رشد شهرها و توسعه تجارت، فیودالیزم در اروپا ضعیف شد. پادشاهان از فیودال ها می خواستند مالیات پردازند و این مالیات را هم به صورت پول پرداخت کنند که جهت به دست آوردن پول مراجعه به تاجران و بانکداران شهرها حتمی بود. این وضع سرانجام به برتری اقتصاد شهرنشینی بر اقتصاد فیودالی منجر شد و اشراف شهرنشین را از موقعیت و مقام ویژه یی برخوردار ساخت. در این دوره اشراف فیودال می کوشیدند موقعیت گذشته خود را حفظ نمایند. این کشمکش اجتماعی مدت ها طول کشید و در نتیجه به پیروزی بورژواها انجامید. بر تعداد شهرهای اروپا و جمعیت آن ها افزوده شد و شیوه ها و قوانین شهرنشینی با اقتباس از شیوه های شهرنشینی روم باستان اساس زنده گی جدید اروپاییان، شکل گرفت.

افزایش قدرت پادشاهان

مالیاتی که پادشاهان اروپایی از فیودال ها می گرفتند، قسمت بیشتر آن را صرف برای تحکیم قدرت حکومت های خود می کردند. پادشاهان با استخدام تعداد زیادی سرباز، ارتش های منظم و دایمی را به وجود آوردند و به ساخت اسلحه به خصوص توپ اقدام کردند. در نتیجه پادشاهان از نیروی نظامی فیودال ها بی نیاز شدند، به ویژه که توپ در صورت لزوم می توانست قلعه های فیودال ها را درهم بکوبد؛ بنا بر این از قدرت فیودالیزم به نفع پادشاهان بسیار کاسته شد. از اینکه پادشاهان در اصل از همین طبقه بودند از آن پس اشراف، فیودال ها را بحیث حکم رانان نواحی و مقامات حکومت درآوردند. بدین ترتیب، قدرت در دست پادشاهان متمرکز گردید. از این تحول علاوه بر پادشاهان طبقه بورژوا نیز خوشحال بود، زیرا برقراری حکومت مرکزی موجب وحدت اداری و برقراری نظم و امنیت واحد و قوانین یکسان می شد. این امر در تسهیل و توسعه تجارت که خواست بورژواها بود تأثیر گذاشت.

از دیاد قدرت پادشاهان سبب شد تا آنان در امور کلیسا نیز دخالت نماید و توانستند تا حدودی قدرت پاپ را محدود نمایند و بر قدرت خود بیفزایند.

تحولات سیاسی و شکل گیری حکومت های مرکزی

در عصر رنسانس شکل گیری حکومت های مرکزی، قلمروهای متحد و ملت ها به آرامی در

حال انجام یافتن بودند. هیچ یک از کشورهای کنونی اروپا وضع امروزی خود را نداشتند. در انگلستان، اشراف فیودال با حضور در پارلمان شکل حکومت سلطنت مشروطه را به وجود آوردند. پادشاهان انگلستان در قسمت های وسیعی از فرانسه کنونی دارای قلمرو بودند، اما پادشاهان فرانسه که با درهم کوبیدن فیودال ها مقتدرتر شده بودند، برای تصرف این قلمرو وارد عمل شدند. نتیجه جنگ، ویرانی و خرابی بسیار بود. زیرا این جنگ ها صد سال به طول انجامید؛ سرانجام فرانسویان با قیام دختری به نام ژاندارک (Jeandearc) به پیروزی رسیدند.

در اسپانیا ایالت های شمال که در دست پادشاهان مسیحی بود به موفقیت های جدید علیه مسلمانان در جنوب دست یافتند، و توانستند به آخرین مقاومت مسلمانان خاتمه دهند.

در نواحی مرکزی و شرقی اروپا برای رسیدن به یک دولت مقتدر، کندتر از نواحی غربی آن، یعنی انگلستان، فرانسه و اسپانیه حرکت می کردند. زیرا اشرافیت فیودال در آن ها هنوز بسیار قدرت داشتند. در آلمان (امپراتوری مقدس روم) اشراف مقام امپراتور را به طور رسمی تایید می کردند. در روسیه نیز فیودال ها از قدرت زیاد برخوردار بودند تا اینکه با به قدرت رسیدن ایوان چهارم (Ivan IV) از (۱۵۳۳-۱۵۸۴م) اشراف فیودال سرکوب شدند. هرچند از بین نرفتند، اما حکومت مرکزی قدرتمند در روسیه شکل گرفت و توسعه مذهب ارتدوکس نیز به تقویت وحدت معنوی روس ها کمک می کرد. اوضاع سیاسی نواحی جنوبی اروپا، بر عکس نواحی دیگر، به سوی قدرت متمرکز سیر نمی کرد. در شبه جزیره بالکان حکومت بیزانس پس از ضربه یی که از صلیبی ها خورد دیگر نتوانست قدرت خود را باز یابد و رو به زوال رفت. پیشروی ترکان عثمانی، استقلال طلبی صرب ها و مجارها نیز این زوال را سرعت بخشید.

در شبه جزیره ایتالیا، شهرها و بنادر شمالی این سرزمین از طریق تجارت و رشد شهرنشینی صاحب ثروت بسیار شده بودند، اما آن سرزمین فاقد حکومت مرکزی بود.

رנסانس علمی و فرهنگی در اروپا

در اروپا عصر رנסانس، همگام با تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در عرصه های جداگانه چون اندیشه، هنر، علم و فن نیز تغییرات وسیعی به وجود آمد.

یکی از وجوه مهم رנסانس، انسان گرایی (هومانیسم) و فردگرایی بوده است. پس از جنگ های صلیبی، آشنایی اروپایی ها با آثار فلسفی به خصوص مربوط به یونان باستان سبب گردید تا باور به انسان و خرد او، پذیرش زیاد پیدا نماید.

صرف نظر از آثار فلسفی و اخلاقی عصر رנסانس که گرایش های انسان گرایانه را در خود منعکس ساخته اند در عرصه هنر نیز به خوبی می توان این گرایش را ملاحظه نمود.

موضوع بیشتر آثار نقاشی و مجسمه سازی عصر رنسانس انسان است. در این آثار که نقاشان بزرگی مانند داونچی به وجود آوردند، احساس انسان، اندیشه انسان، اعمال انسان و نیز طبیعت، مورد توجه بوده است.

در عرصه ادبیات نیز در عصر رنسانس تحولات مهمی رونما گشت، دانتِه و پتراک (Dante-Petrark) از ادیبان این عصر هستند.

علوم طبیعی (تجربی) نیز که قبلاً مورد توجه نبود، در عصر رنسانس علاقه مندانی پیدا نمود. انتقال علوم اسلامی به اروپا به این امر تأثیر مهمی داشت. یکی از دانشمندان این دروه به نام راجریکن بر اهمیت تجربه در شناخت علمی تأکید نمود، دانشمندی به نام ویلیام هاروی چگونه گی دوران خون در بدن انسان را کشف کرد.

همچنین در ریاضیات، نجوم و جغرافیه هم اندیشه های نوینی مطرح گردید، کپرنیک کروی بودن زمین را و پس از وی گاليله گردش زمین را به دور خورشید به اثبات رسانید. در عرصه اختراعات، گرچه پیشرفت چندانی وجود نداشت با آن هم اختراعات مهمی صورت گرفت؛ مانند اختراع دستگاه چاپ به وسیله گوتنبرگ و اختراع تلسکوپ به وسیله گاليله.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند، گروه اول در باره هومانیزم یا انسان گرایی، گروه دوم درباره تحولات سیاسی و گروه سوم در باره تحولات علمی و فرهنگی عصر رنسانس با هم بحث نمایند و نتیجه را یکی از اعضای گروهها به دیگران ارایه نماید.

سؤالات



- ۱- علل و زمینه رشد شهر نشینی در اروپا عصر رنسانس چه بود؟ توضیح دهید.
- ۲- به چه دلایلی در عصر رنسانس قدرت پادشاهان اروپایی افزایش یافت؟
- ۳- در عصر رنسانس چه تحولات در عرصه های ادبیات و علوم طبیعی به وجود آمد؟ مختصراً توضیح دهید.
- ۴- در دوره رنسانس چه تحولات در عرصه نجوم و جغرافیه به وجود آمد؟ واضح سازید.
- ۵- داونچی کی بود؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان در باره سرگذشت یکی از دانشمندان عصر رنسانس مطلبی را تهیه و در صنف ارائه نمایند.

اکتشافات جغرافیایی و رشد دریانوردی

در این درس به اختصار در مورد چگونگی اکتشافات جغرافیایی رشد و توسعه دریا نوردی آشنا خواهید شد.

بشر در طی چندین هزار سال زنده گی خویش، از برخی مناطق کره زمین اطلاعی نداشت و دانش جغرافیایی او به آسیا، اورپا و افریقا محدود میگردد. در مورد همین مناطق نیز اطلاعات کافی در دسترس نبود. به طور مثال نیم کره جنوبی تقریباً نا شناخته مانده بود و از نیم کره غربی هم اطلاعی در دست نبود در حالی که این نواحی خالی از سکنه نبودند و تمدن هایی هم وجود داشتند؛ اما این تمدن ها ارتباطی با تمدن های دیگر در آسیا، اروپا و افریقا نداشتند.

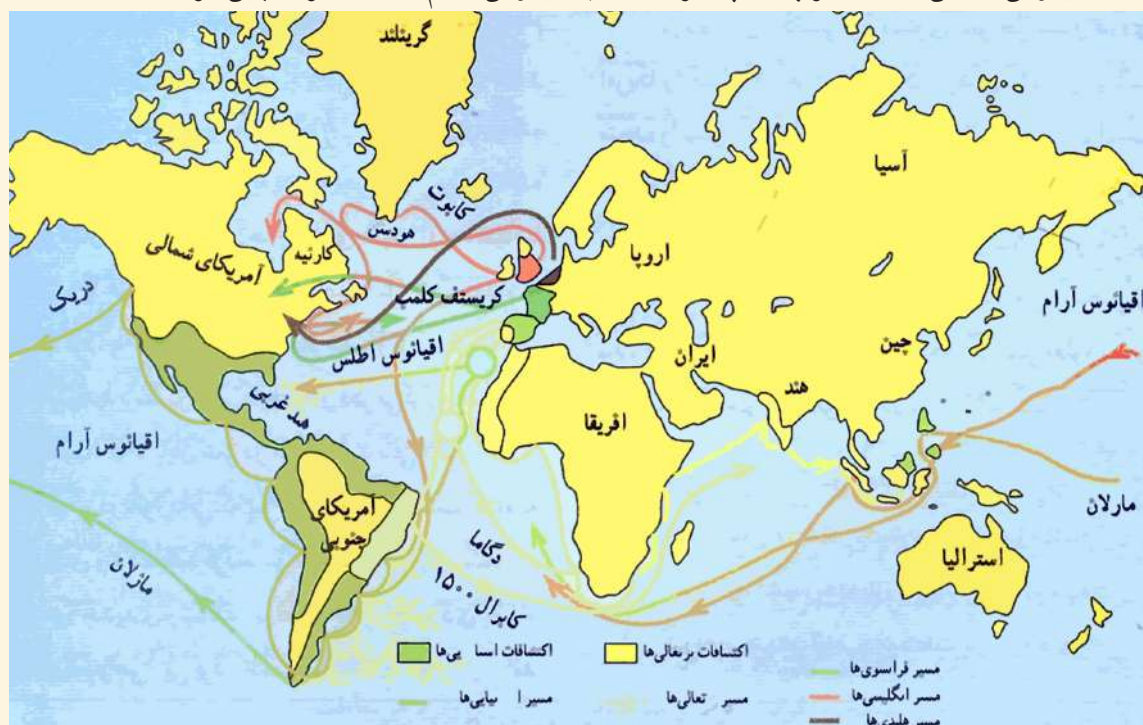
مسافرت مارکوپولو به چین نیز به علم جغرافیایی اروپاییان کمک زیادی کرد او از شهر وینز (Veeniz) ایتالیا به غرب آسیا و با عبور از ایران و افغانستان به چین رفت، و پس از گذشت بیست سال از طریق اقیانوس هند به وینز بازگشت. او اولین کسی بود که اروپایی ها را در مورد جاپان و اقیانوس آرام آگاه ساخت؛ همچنین در مورد مسیر تجارتي ایران و هند تا اروپا اطلاعات در اختیار آنان گذاشت.

قبل از جنگ های صلیبی، دریانوردی اروپایی ها زیادتر در بحرهای شمالی اروپا بود؛ اما پس از آن که جنگ های صلیبی به ابچار کشیده شد کم کم اروپاییان به تجارت در مدیترانه روی آوردند. آنان با استفاده از شیوه های کشتی سازی در اروپا و سرزمین های اسلامی کشتی های جدیدی ساختند که هم محکمتر و هم بزرگتر از کشتی های قبلی بودند از سرعت، قابلیت و هدایت بیشتری برخوردار بودند، قطب نما که مسلمانان از طریق چینی ها با آن آشنا شده بودند، به اروپاییان رسید و به این طریق بر رونق تجارت بحری افزوده شد. در اواخر قرون وسطی رقابت برای کسب ثروت و قدرت از طریق تجارت بحری روز به روز در اطراف بحیره مدیترانه بیشتر می شد و اختلافات سیاسی و مذهبی نیز به این رقابت ها دامن میزد.

در سال (۱۴۵۳م) ترکان عثمانی که قسمت های زیادی از سواحل شمال شرقی مدیترانه را تصرف کرده بودند موفق شدند با تصرف قسطنطنیه به عمر امپراتوری بیزانس خاتمه دهند و تجات شمال شرقی مدیترانه را از آن خود سازند. از آن پس حکومت های اروپایی به

جای بیزانس با دولت عثمانی به داد و ستد پرداختند. اما حکومت های اسپانیه و پرتگال که با عثمانی ها در حال جنگ بودند نمی توانستند از این تجارت سود ببرند. بنا بر این، در صدد آن بر آمدند به جای بحیره مدیترانه از اقیانوس اطلس استفاده نمایند، آنان فکر می کردند که از طریق اقیانوس اطلس می توان به هندوستان و چین رسید و به کالاهای پر ارزشی چون ادویه، عطر و ابریشم دست یافتند. با موفقیت در این امر آنان میتوانند به قیمت بسیار ارزان به کالاهای مورد نظر خود دست یابند و مجبور به پرداخت بهای گران به دولت عثمانی نباشند و در عوض می توانستند این کالاهای ارزان را در اروپا با سود خوب به فروش برسانند.

با این فکر پرتگالی ها معتقد شدند که با دور زدن قاره آفریقا از سمت جنوب می توان به شرق رسید، آنان هر چند با استفاده نقشه های جدید اطلاعات از خشکه ها و دریاها داشتند، اما با وجود این همه به وسعت عظیم و پهناوری قاره آفریقا پی نبرده بودند و راه اروپا به هند را زیاد دور تصور نمی کردند. در مقابل پرتگالی ها اسپانیایی ها به این باور بودند، اقیانوس اطلس که در غرب اروپا قرار دارد با اقیانوس آرام که در شرق چین قرار دارد،



متصل است و میتوان با حرکت به طرف غرب در اقیانوس اطلس به آسیا در شرق رسید.

پرتگالی ها راه بحری به مشرق زمین را چگونه کشف کردند؟

از اواسط قرن پانزدهم میلادی پرتگالی ها از طریق سواحل غربی آفریقا به سمت جنوب اقدام به بحر پیمایی نمودند. در همان حال به تجارت برده و عاج نیز پرداختند. بر خلاف تصور آن ها نقطه جنوبی آفریقا در فاصله بسیار دورتر قرار داشت. سرانجام در سال ۱۴۸۷م بارتولو مودیاژ توانست از جنوبی ترین نقطه قاره آفریقا که دماغه امید نام دارد بگذرد و به اقیانوس هند در مشرق زمین برسد. این کشف بسیار مهم بود. بعد از او واسکودوگاما دریانورد پرتگالی توانست سراسر اقیانوس هند را طی نماید و راه های هند، اندونیزیا و خلیج فارس را پیدا نماید.

با کشف راه های بحری از اقیانوس اطلس به اقیانوس هند، پرتگالی ها با سرعت خود را به دیگر سواحل جنوبی و شرقی آسیا رساندند و همچنان اسپانوی ها به منظور رسیدن به هند به طرف غرب اقیانوس اطلس در حرکت شدند و در نتیجه به سرزمین جدیدی رسیدند که در درس آینده مفصلاً در مورد آن بحث می شود.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروهها تقسیم شوند، روی مطلب ذیل باهم بحث نمایند:

سهم مسلمانان در اکتشافات جغرافیایی.

سؤالات



- ۱- چگونه زمینه های اکتشافات جغرافیایی برای اروپایی ها مهیا گردید؟
- ۲- پرتگالی ها چگونه سفرهای دریایی خود را به طرف شرق آغاز نمودند؟ مختصراً توضیح دهید.

۳- اکتشافات جغرافیایی چه نتایجی را به بار آورد؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان در باره مسافرت مارکوپولو مطلب را تهیه کنند که از دو صفحه کم نباشد.

فصل دوم

تاریخ قرون جدید و معاصر اروپا

در این فصل مطالبی چون کشف آمریکا و پیامدهای آن، انقلاب کبیر فرانسه، صهیونیسم، به وجود آمدن جنبش‌های آزادی بخش ملی در جهان و به وجود آمدن سازمان کشورهای اسلامی و هلال احمر مطالعه گردیده، معلومات حاصل می‌کنید.



اهداف فصل دوم

توقع می‌رود تا شاگردان در پایان فصل به اهداف ذیل برسند:

- کشف آمریکا و پیامدهای آن، عوامل به وجود آمدن انقلاب کبیر فرانسه و نتایج آن، پیدایش صهیونیسم، جنبش‌های آزادی بخش در جهان و به وجود آمدن سازمان کشورهای اسلامی و هلال احمر معلومات حاصل نمایند.
- بتوانند مطالب فوق الذکر را تشریح، تحلیل و ارزیابی نمایند و همچنان عوامل و رویدادهای مهم مانند انقلاب کبیر فرانسه و اکتشافات جغرافیایی و غیره را از هم تفکیک نمایند.
- از وقوع حوادث در جهان درس عبرت بگیرند.

کشف آمریکا و پیامد آن

در این درس با چگونگی کشف قاره آمریکا و اینکه چرا این قاره به نام آمریکا مسمی شد همچنان با انگیزه مهاجرت اروپاییان به این سرزمین و پیامد های آن مختصراً مطالبی را می خوانیم.

زمانی که پرتگالی ها با دور زدن قاره آفریقا به سوی شرق در حرکت بودند، دریانوردان اسپانوی، به فرماندهی کریستف کلمب، با چندین کشتی به طرف غرب اقیانوس اطلس، به هدف رسیدن به هندوستان به سفر خویش آغاز نمودند. آن ها مسیر بحر را بلد نبودند و از طرف هم با آب و هوای نواحی دور دست نیز آشنایی نداشتند. در نتیجه تعدادی از کشتی ها غرق شدند، کمبود آذوقه نیز آنها را بیمار ساخت و عده را از بین برد سرانجام کریستف کلمب و همراهانش پس از ماه ها سرگردانی در بحر و تحمل مشکلات زیاد در سال ۱۴۹۲ م به جزایری رسیدند. کریستف کلمب به تصور این که به یکی از جزایر هندوستان رسیده است؛ بومیان سرخ پوست آن جا را هندی نامید. او به اسپانیه برگشت و بار دوم با استفاده از تجارب سفر قبلی، توانست به راحتی به مناطق جدید برسد و همچنان فکر می کرد به هندوستان رسیده است. او تا پایان عمر در اشتباه خود باقی ماند.

دریانوردان دیگر پس از کریستف کلمب اقدام به دریانوردی و اکتشافات کردند تا مدت ها نمی دانستند که به قاره جدیدی رسیده اند تا آن که دریانوردی به نام امریکو و سپوچی دانست، سرزمینی که به آن رسیده هند نیست، بلکه قاره جدیدی است. این قاره را به نام او آمریکا مسمی ساختند.

دریانوردان انگلیسی و فرانسوی، سواحل شمال قاره آمریکا را کشف نمودند که اکنون کشورهای کانادا و ایالات متحده را شامل می شود. یکی از دریانوردان انگلیسی استرالیا را کشف نمود. بسیاری از سواحل و جزایر نیز به تدریج کشف شدند و آهسته آهسته نقشه کره زمین مشخص تر شد. قاره ها و اقیانوس ها و حدود آن ها برای بشر معلوم گردید و کم کم نقشه جهان به صورت کنونی آن شناخته شد.

سرزمین هایی که پرتگالی ها و اسپانوی ها دیگران بدان رسیده بودند خالی از سکنه نبود؛ چون برای اروپایی ها ناشناخته بود، آن را کشف شده می دانستند؛ مثلاً در قاره آمریکا تمدن سرخ پوستان وجود داشت. به هر حال، اروپاییان با استفاده از کشتی های جنگی و توپ عده زیادی از بومیان را قتل و غارت می کردند. اسپانوی ها به طمع کسب ثروت آمریکا با اعزام نیروهای

نظامی اقدام به کشتار سرخ پوستان کردند و تمدن های آزتک ها و اینکاها را از بین بردند. استعمار هر کجا داخل می شد خسارات زیادی وارد می کرد.

از این به بعد دولت های بزرگ اروپایی به طرف دنیا نو (امریکا) مهاجرت کردند. آنها به منظور افزایش ثروت های خود سرزمین های بسیاری را از نقاط مختلف قاره آمریکا به دست آوردند. اسپانیایی ها و پرتگالی ها با داخل شدن به مناطق امریکای مرکزی و جنوبی از خشونت کار گرفته و مردم بومی آمریکا را مطیع خود ساختند. آنها تمام ذخایر طلا و نقره بومیان را تصرف نمودند. زمین های شان را میان خود تقسیم، خود آنها را به عنوان برده به کار مجبور کردند؛ حتی بسیاری از بومیان آمریکا به اثر شدت کار در معادن کشف شده جان می سپردند.

بعدها کشور های مانند انگلستان و فرانسه نیز برای بدست آوردن ثروت ها و منابع به امریکایی شمالی رفتند. همراه با مهاجرت سفید پوستان به قاره آمریکا، تعداد از سیاه پوستان افریقایی نیز جهت کار در معادن و مزارع به آمریکا فرستاده شدند و در کنار سرخ پوستان بومی و سفید پوستان حاکم به عنوان اقلیت فقیر و عقب مانده در عصر استعمار در قاره آمریکا ساکن شدند. در نتیجه کشف دنیای نو (امریکا) مقدار زیادی طلا و نقره، محصولات زراعتی و صنعتی به اروپا صادر شد. راه های دریایی تغییر یافت، معلومات جهانیان در باره جهان به مراتب افزایش یافت، تمدن اروپا به آمریکا منتقل گردید و در آنجا پیش رفت نمود. اروپاییان توانستند تا سرزمین های وسیع را اشغال نمایند. از طرف دیگر مهاجرت ها باعث جنگ ها میان قدرت ها بزرگ اروپا گردید. در اثر جنگ های بزرگ اروپا بر سرزمین های اشغال شده، در آمریکا زمینه برای استقلال مردم آمریکا نیز مساعد گردید.

سؤالات



- ۱- مراحل کشف قاره آمریکا را توضیح دهید.
- ۲- کاشفان اولیه قاره آمریکا در مورد قاره آمریکا چه فکر می کردند؟
- ۳- چرا اروپاییان به سوی قاره آمریکا مهاجرت کردند؟
- ۴- کشف آمریکا چه پیامد برای اروپاییان و آمریکاییان داشت؟ توضیح دهید.

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان در مورد شخص کریستف کولمب مطلبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

انقلاب کبیر فرانسه

در این درس به اختصار در باره چگونگی حادثه بزرگی جهان و عوامل وقوع آن از نگاه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در کشور فرانسه به وقوع پیوست و جهان را دیگرگون ساخت که در تاریخ بنام، انقلاب کبیر فرانسه معروف است آشنا خواهید شد.

جامعه فرانسه در آستانه انقلاب متشکل از سه طبقه بود

۱- طبقه ممتاز و معتبر: که شامل اشراف، نجای درباری و روحانیون عالی رتبه بودند. اینها با آنکه در اقلیت قرار داشتند، منابع اصلی قدرت و ثروت را در دست داشتند و وسیع ترین اراضی و مهمترین مناصب حکومتی به آنان تعلق داشت و از امتیازات گوناگونی چون معافیت مالیاتی برخوردار بودند.

۲- طبقه متوسط: که عمدتاً شهرنشینان بودند؛ اینها به تجارت، وکالت، نویسندگی و صنعت اشتغال داشتند. مردمانی بودند روشنفکر و تحصیل کرده که با افکار جدید آشنایی داشتند اما اشرافیت حاکم یعنی همان طبقه ممتاز آنان را در ادارات سیاسی کشور سهم نمی کرد و با محدودیت های گمرکی و مالیاتی مانع فعالیت های آزاد اقتصادی آنان میگردد به همین دلیل مردم طبقه متوسط از نظام سلطنت استبدادی ناراض بوده و خواهان آزادی سیاسی و تساوی حقوق اجتماعی بودند.

۳- طبقه پائین: جامعه مرکب از دهقانان فقیر و کارگران صنعتی، اینها که اکثریت جامعه فرانسه را تشکیل می دادند نیروی اصلی کار و تولید به شمار رفته؛ ولی در عین حال فقیر ترین مردم بودند که در بی سواد و گرسنگی زنده گی می کردند و مالیات سنگین هم به دوش همین طبقه بود.

عوامل و انگیزه های انقلاب کبیر فرانسه به زمان پادشاهی لوی چهاردهم بر میگردد، اگر چه فرانسه در زمان لوی چهاردهم که حدود هفتاد سال حکومت کرد قدرت بزرگی بود، اما در آخرین سال های حکومت وی قدرت فرانسه به سرعت کاهش یافت؛ زیرا جنگ های دو قرن (۱۷ و ۱۸) با انگلستان دولت فرانسه را به ورشکستگی کشاند؛ تجملات و اسراف شاه و درباریان و مداخله فرانسه در جنگ های استقلال خواهانه امریکا موجب تهی شدن خزانه دولت شد. در این زمان ازدیاد مالیات، ظلم و استبداد، تفاوت میان طبقات و بحران اقتصادی

و همچنان مهمتر از همه ظهور دانشمندان در اروپا مانند: مونتهسکیو، ولتر، ژان ژاک روسو و غیره، که باعث روشن شدن اذهان عامه گردیده بود، موجب طغیان توده های مردم شده و برای اکثریت جامعه، بی کفایتی سلطنت لوی شانزدهم آشکار شد، سرانجام آتش خشم و نفرت مردم در سال ۱۷۸۹م به شکل انقلاب کبیر فرانسه زبانه کشید.

در نخستین روز های انقلاب احزاب و گروه های سیاسی متعددی در فرانسه بایکدیگر مبارزه می کردند که مهمترین آنان عبارت بودند از:

۱- **سلطنت طلبان:** می کوشیدند لوی شانزدهم را همچنان به صورت پادشاه مستبد و صاحب امتیاز مطلق، حفظ کنند.

۲- **میانه روها:** که هدف آنان استقرار سلطنت مشروطه، مشابه به انگلستان و تدوین قانون اساسی بود.

۳- **جمهوری خواهان اعتدالی (ژیروند ها)** که خواستار حکومت جمهوری و از بین بردن نظام پادشاهی مطلقه بودند.

۴- **جمهوری خواهان افراطی (ژاکوبین ها).**

بالاخره مردم طبقه سوم یا طبقه پایین جامعه گرد هم آمدند و به جای آن که با نماینده گان طبقات بالا یکجا شوند، خود شان مجلسی را تشکیل داده و آن را مجلس ملی نامیدند و تعهد نمودند تا هنگامی که فرانسه را دارای قانون اساسی نسازند متفرق نخواهند شد.

در این وقت سر و صداها ایجاد شد که پادشاه می خواهد مجلس آنها را منحل کند. بنا بر این، مردم دست به شورش زدند و در ۱۴ جنوری ۱۷۸۹م به زندان باستیل حمله بردند و زندانیان را آزاد کردند.

مبارزات آزادی خواهانه فرانسویان، لوی شانزدهم را به تسلیم واداشت و سبب شد تا انقلابیون در سال (۱۷۸۹م) نظام سلطنت مشروطه را برقرار سازند؛ اما تلاش های نا فرجام لوی شانزدهم برای باز گرداندن رژیم سابق، انقلابیون را مجبور ساخت تا چند سال بعد ضمن لغو نظام سلطنتی رژیم جمهوری را در سال (۱۷۹۲م) بر قرار سازند. در این زمان لوی شانزدهم و همسرش ماری اتوانت سعی کردند تا از فرانسه فرار نمایند اما دستگیر و اعدام شدند.

سقوط رژیم شاهی و برقراری نظام جمهوری، زنده گی مردم عام فرانسه را تغییر داد؛ زیرا اعلامیه حقوق بشر تصویب، حقوق و امتیازات فیودالی و معافیت اشراف و روحانیون را از

پرداخت مالیات و عناوین و القاب اشرافیت را ملغی ساخت، املاک کلیسا ضبط گردید و به تصرف دولت درآمد.

اثرات انقلاب کبیر فرانسه نه تنها در فرانسه بلکه در اکثر کشورهای اروپایی دیده می شد یعنی اینکه افکار جمهوری خواهانه در سراسر اروپا وسعت یافته و همراه آن اصولی که در اعلامیه حقوق بشر اعلام شده بود نیز در همه جا منتشر یافت و نفوذ پیدا می کرد، به همین لحاظ این انقلاب را انقلاب کبیر می گویند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند.

گروه اول در مورد عوامل انقلاب فرانسه و گروه دوم در مورد نتایج انقلاب کبیر فرانسه باهم مباحثه نمایند و نتیجه را یکی از نماینده های گروه به دیگران ارائه نماید.

سؤالات



- ۱- انقلاب کبیر فرانسه چرا و چگونه به وقوع پیوست؟
- ۲- مجلس ملی در فرانسه چگونه تشکیل شد؟
- ۳- چرا انقلاب فرانسه را انقلاب کبیر می گویند؟
- ۴- احزاب و گروهایی که در فرانسه در هنگام انقلاب باهم مبارزه می کردند کدام ها بودند؟ نام ببرید.

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان تفاوت های اساسی نظام جمهوری و شاهی را در یک چارت ترتیب نمایند و در صنف پیرامون آن بحث کنند.

صهیونیزم

در این درس به اختصار آشنا خواهید شد که صهیونیزم یعنی چه؟ و چگونه به وجود آمد؟ دولت اسرائیل چطور و در کجا تشکیل شد؟ و چرا تا اکنون منازعه میان فلسطینی ها و اسرائیلی ها ادامه دارد؟

صهیونیزم عبارت از نهضت یا جنبشی یهودی است که برای تشکیل یک حکومت مستقل یهودی به وجود آمد. تا اینکه همه یهودیان جهان را که به شکل پراکنده و آواره در نقاط مختلف دنیا زنده گی میکردند در اراضی فلسطین جمع شوند و دولت واحدی را تشکیل دهند، نام این جنبش از کوه صهیون (آرامگاه داود(ع)) که در اورشلم قرار دارد گرفته شده است.

چگونه دولت اسرائیل به وجود آمد؟

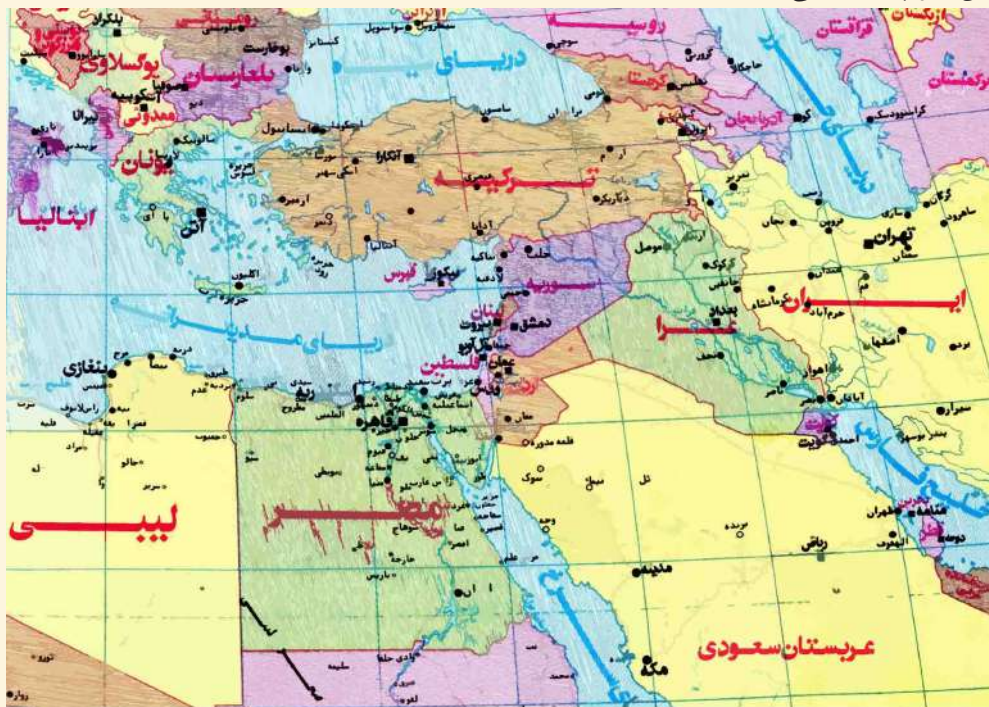
قوم یهود از صدر اسلام تا کنون خصوصیات ویژه دارند که در ادیان دیگر به این شدت موجود نبوده است. نژاد پرستی یکی از خصوصیات عمده آنها را تشکیل میدهد، بدین معنی که یهود خود را قوم برتر و نژاد خود را مافوق همه نژادها میدانند. دوم اینکه قوم یهود علاقه بیش از حد به مال و ثروت دارند. بنا براین، میان آنها ربا خوری، ثروت اندوزی و رشوه خوری بیش از حد رایج بوده و برای بدست آوردن مال و ثروت به هر وسیله دست می زنند.

زنده گی در آواره گی و انزوا ضرورت تجمع یهودیان را در میان شان به وجود آورد، بدین منظور نظریات مختلفی در این زمینه مطرح شد تا اینکه (تئودور تزل) یکی از نویسندگان مشهور یهود در سال ۱۸۹۵م نظریات خویش را در کتابی به نام دولت یهود مطرح کرد که در مدت کم نظریات وی در باره تشکیل دولت یهود مورد استقبال یهودیان قرار گرفت و به فکر تشکیل دولت یهود افتادند.

بنا بر این، از سال ۱۸۸۵م - ۱۹۰۱م یهودیان اروپا برای خود تهیه مقدمات تشکیل یک کنگره را دیدند و توانستند اولین کنگره صهیونیزم جهان را در شهر بال کشور سویس تشکیل دهند که پایه اصلی صهیونیزم در همین کنگره گذاشته شد و صهیونیست ها موفق شدند تا اهداف و برنامه های خود را تعیین کرده و به اتفاق آرا به تصویب برسانند.

در سال ۱۹۱۷م کشور انگلستان طی اعلامیه بالفور با نظر صهیونیست ها بر تشکیل یک دولت یهودی در فلسطین موافقت کردند از آن به بعد یهودیان به کمک اشراف انگلستان به خرید اراضی در فلسطین پرداختند و شخصی بنام داکتر وایزمن استاد شیمی (کیمیا) در پوهنتون

منچستر انگلستان به عنوان سردبیر کمیته یهود اروپا تعیین شد که با فعالیت های او امور سیاسی این حزب اداره می شد.



در سال ۱۹۲۰م پس از اینکه جامعه ملل قیمومیت فلسطین را به انگلستان واگذار کرد. راه برای مهاجرت وسیع یهودیان به فلسطین باز شد و یهودیان دسته دسته به فلسطین مهاجرت کردند. که این امر مورد اعتراض اعراب مسلمان قرار گرفته در سال ۱۹۲۱م اعتراض و قیام ها علیه یهود به وجود آمد اما چرچیل وزیر مستعمرات انگلیس که وضع را چنین دید اعلامیه پخش کرد و اعلام داشت که دولت انگلیس قصد ندارد سراسر خاک فلسطین را به صورت کشور یهود در آورد، بلکه مهاجرت تا حدی که امکانات اقتصادی فلسطین اجازه دهد تعقیب خواهد شد؛ اما با افزایش روز افزون مهاجرت یهودیان این مشکل در سال ۱۹۳۰م جدی تر شد؛ زیرا با به قدرت رسیدن هتلر در آلمان باعث شد که دسته های عظیمی از یهودیان اروپایی به فلسطین کوچ کنند که این امر موجب آشفتگی روابط میان انگلیس و مسلمانان گردیده؛ بناءً انگلیس مجبور شد که از فلسطین خارج شده و موضوع فلسطین را به جامعه ملل واگذار کند؛ سرانجام در سال ۱۹۴۷م سازمان ملل توصیه کرد که فلسطین به دو قسمت عربی و یهودی تقسیم شود که بدین ترتیب یهودیان به فلسطین غربی مسلط شده جمهوری اسرائیل

را در آنجا تشکیل دادند.

پس از تشکیل دولت اسرائیل میان اعراب و اسرائیل جنگ در گرفت ولی با خیانت بعضی از فرماندهان ارتش اردن به شکست اعراب انجامید. در سال ۱۹۵۶م با ملی کردن کانان سویز توسط جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر، فرانسه و انگلستان به مصر حمله کردند. اسرائیل نیز فرصت را غنیمت شمرد و خود را به ساحل شرقی کانال سویز رسانید؛ ولی دفاع سرسختانه مصر باعث پیروزی مصر گردید. در جریان جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷م که میان مسلمانان و اسرائیلی ها به وقوع پیوست بر اثر پشتیبانی امریکا از اسرائیل، کشورهای مصر، سوریه و اردن شکست خوردند و اسرائیلی ها صحرای سینا را از مصر و کرانه غربی رود اردن را از کشور اردن اشغال کردند، اما بعد از این جریان در سال ۱۹۷۳م در زمان ریاست جمهوری انور سادات جنگ اسرائیل و مصر رخ داد. در این جنگ با این که سادات فقط بخش کوچکی از صحرای سینا را پس گرفت تن به سازش داد و در سال ۱۹۷۷م به اسرائیل رفت و سپس در کمپ دیوید امریکا با وساطت جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا با اسرائیل مصالحه کرد و در عوض صحرای سینا دوباره به سرزمین اصلی اش (مصر) تعلق گرفت.

در سال ۱۹۷۹م پس از قتل انور سادات، یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین به تشویق ملک حسین پادشاه اردن به روند سازش کشیده شد و در کنفرانس اسلو ۱۹۹۳م ضمن قبول موجودیت اسرائیل نوار غزه و کرانه غربی رود اردن را به عنوان قلمرو حکومت خودگردان فلسطین تحویل گرفت، عرفات خواهان استرداد قدس به عنوان پایتخت فلسطین نیز بود؛ ولی اسرائیل تا کنون با این درخواست موافقت نکرده است، علی رغم توافق های عرفات با اسرائیل، قیامهای مردم فلسطین علیه اسرائیل ادامه دارد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروهها تقسیم شوند در مورد صهیونیسم و تشکیل دولت اسرائیل با هم بحث و گفتگو نمایند و نتیجه را نماینده هر گروه به دیگران ارائه کنند.

سوالات



- ۱- کلمه صهیونیسم یعنی چه و چگونه به وجود آمد؟ توضیح دهند.
- ۲- کدام عوامل باعث ایجاد دولت اسرائیل گردید؟ توضیح دهید.
- ۳- مهاجرت یهودیان چگونه به فلسطین آغاز شد؟ تشریح کنید.
- ۴- چرا یهودیان دولت خود را بنام اسرائیل اعلام کردند؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان در رابطه به تاریخچه یهودیان مطلبی را تهیه کرده و در صنف ارائه کنند.

جنبش های آزادی خواهی

در این درس به اختصار آشنا خواهید شد که چگونه جنبش های آزادی خواهی در اروپا به وجود آمد؟ و چگونه سیاستمداران اروپایی خواستار صلح و امنیت شدند؟ امنیت نه تنها در برابر جنگ و حمله، بلکه امنیت برای حکومت تا بتواند وضع موجود جامعه را در مقابل کسانی که می خواستند ملکیت جامعه را مکرراً تقسیم کنند و یا بر طبقات ثروتمند و ممتاز جامعه تجاوز نمایند، مستحکم و پایدار دارد.

تلاش برای استقرار امنیت در اروپا

اگر چه عده از امتیازات طبقات ثروتمند و ممتاز جامعه با انقلاب کبیر فرانسه و نتایج حاصله از آن از میان رفت، معیناً هنوز امتیازاتی پای بر جای بود. جامعه اروپایی هنوز ارسطوکرات بود؛ در فرانسه تمام علایم فیودالیزم برجیده شده بود، اما در خارج از فرانسه اگر چه سیستم «سرف» در اکثر ممالک خاتمه یافته بود ولی هنوز ارسطوکرات ها اکثریت زمین ها را از زارعین به دست آورده؛ در عشرت و تنبلی می زیستند. طبقه ثروتمند از حقوق خاص سیاسی برخوردار بودند و خط مشی سیاست را بدون در نظر داشت حقوق طبقات پایین جامعه تعیین می کردند. مناصب عالیه در امور نظامی و لشکری، در کلیسا و در امور اداره دولت عملاً متعلق به ارسطوکرات ها بود. مصارف محاکم، معاشات مستمری و غیره هنوز بار دوش بودجه دولت بود، این بودجه از مالیات دهنده گان تأمین می گردید.

حفظ نظم و امنیت موجوده در مقابل انقلاب، نخستین اقدام سیاستمداران بود و این کار می بایست با تقویه قدرت سلاطین صورت می گرفت و با هر مطالبه برای تجدید قدرت ایشان مقابل می شد. چه قبول یک مطلب، خواهشات دیگر در عقب می داشت. به نظر میترنیک صدر اعظم اتریش و سیاستمداران با نفوذ اروپا قانون اساسی مفهوم جالبی بود، اما محافظه کاران ادعا داشتند که معنی آن یکسان نبوده و جاه طلبی های که دیروز تأمین می شد فردا نیز برآورده خواهد شد.

در قرن ۱۸م نفوذ دین در اروپا رو به ضعف نهاد. امتیازات روحانیون و ثروت کلیسا محدود شد، انقلاب فرانسه این ضربه را قویتر کوفت تا این که کلیسای کاتولیک در فرانسه پیش آهنگ اقدام ضد کلیسا ارتدوکس گردید. ناپلیون کوشید این وضع را سامان دهند، اما پس از منازعه وی با پاپ، آن رشته باز از هم گسیخت و کلیسا نتوانست از عمق دل رژیم اورا تایید کند.

سقوط ناپلیون در نظر اکثر مردم فتح دین تصور گردید، و این باور تقویه شد که اتحاد دین و حکومت (تخت و محراب) موجب برقراری نظم خواهد شد. میترنیک معتقد بود که شاهان بزرگ با هم متحد شوند و ثابت کنند که اتحاد ایشان سودمند است و این اتحاد صلح اروپا را تأمین خواهد کرد. اتحاد شاهان سیاستی است اساسی که باید برای حفظ جامعه از بربادی مطلق اتخاذ شود.

اتحاد علیه فرانسه چگونه به وجود آمد؟

دول بزرگ موافقه کردند که در صورت لزوم برای تأمین صلح و امنیت در اروپا متفقاً اقدام کنند، اما در مورد حدود این اقدام نظریات مختلف وجود داشت. به نظر دولت انگلیس قوای بزرگ در برابر تجاوز فرانسه با یک قوه بزرگ نظامی مقابله کنند و تقسیمات کنگره ویانا بر این وسیله تضمین شود. اما در این مورد وجایب دول متکی بر ضمانت اخلاقی بود نه الزامی. دولت انگلیس حاضر بود وجایب خود را در برابر حمله محتمله فرانسه عملی کند، اما هیچگاه نمی خواست که در اتحادیه برای حکومت جهانی داخل شود و موجب نگرانی کشورهای دیگر شود، در حالیکه این مفکوره را عملاً و اخلاقاً نیز عملی می دانست.

فرانسس (امپراطور اتریش)، الکزاندر اول (امپراطور روس)، پادشاه پروس (آلمان) و میترنیک مفکوره دیگر داشتند، به نظر ایشان هر اقدام انقلابی در اروپا برای نظام موجوده خطر بوده و باید از بین برده می شد، و قرار دادند هر گاه حکمران کشوری با انقلاب مواجه شود ایشان آن را معاونت کنند تا نظم دوباره برقرار گردد. این مفکوره اتحاد (باور آنها) را به میان آورد. شاهان دول عضو این اتحادیه موافقه کردند که به عدالت حکمروایی کنند و در هنگام اغتشاش به همدیگر کمک نمایند. تا مدتی مواد اتحادیه مقدس اجرا گردید. اما از سالهای (۱۸۱۵ تا ۱۸۳۱م) شورش ها و انقلاب ها در کشورهای ایتالیا، جرمنی، اسپانیا و پولند ذریعه

قوا فرونشانده شد، قوا برای برقراری نظم بود؛ اما این جریان دایمی نبود. نخست منافع هر یک از دول تبارز کرد، با مرور زمان نه تنها انگلیس و فرانسه، بلکه اتریش و روسیه در (بالکان)، پشتمانی از اغتشاش را به نفع ملی دیدند، ثانیاً روحیه انقلابی در ایتالیا و جرمنی آنقدر قوی شد که امکان مهار آن موجود نبود، هم چنان سیاستمداران در ویانا نتوانستند انکشافات آینده اروپا را پیش بینی کنند، به این ترتیب سیستم میترنیک قابل قبول همه گردید.

در این زمان دول بزرگ می خواستند که حتی الامکان احساس ملیت خواهی و آزادیخواهی را به تعویق اندازند، در عین زمان این سیاستمداران توانستند صلح را برای مدت چهل سال در اروپا برقرار نمایند.

در اواخر قرن ۱۸م مستعمرات سیزده گانه انگلیس در امریکای شمالی روابط خود را با برتانیا کبیر قطع کردند و به نام دول متحده امریکا عرض اندام نمودند. در این وقت قسمت های جنوبی امریکای شمالی، تمام امریکای جنوبی به استثنای برازیل به تصرف اسپانیا بود. مردمان این سرزمین های مستعمره آرزومند آزادی بودند که با حمله ناپلیون بناپارت به اسپانیا اکثر مستعمرات این کشور طالب استقلال شدند، وینزوئلا اولین کشور مستعمره بود که روابط خود را با اسپانیا قطع کرد و استقلال خود را اعلان نمود. در عین حال برازیل مستعمره پر تگال نیز به مجاهدات پرداخت و به دنبال آن در مکسیکو جنبش آزادیخواهی اوج گرفت و رژیم جمهوری در آنجا اعلان شد. به تعقیب آن حرکات انقلابی و آزادیخواهی در مستعمره های فرانسه، ایتالیا و دیگر کشورهای استعمارگر به وجود آمد و یکی پی دیگری به استقلال و آزادی رسیدند.

بعد از جنگ دوم جهانی (۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴هـ ش/ ۱۹۳۹ - ۱۹۴۵م)، جهان به بلاک شرق (سوسیالیزم) و غرب (سرمایه داری) تقسیم گردید، در کنار آنها جنبش دیگری به نام جنبش عدم انسلاک میان کشورهای که عضو آن دو بلاک نبودند، از آن جمله افغانستان نیز بود. بهر حال، محتوای عمده این جنبش ها را تحکیم استقلال ملی در قبال کشورهای استعمارگر، دستیابی به استقلال اقتصادی و رفع عقب مانده گی تشکیل می داد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه تقسیم شوند و روی مفاهیم ذیل با هم بحث نمایند.

۱- استعمار

۲- استثمار

۳- مستعمره

سؤالات



۱- جنبش های آزادی بخش در اروپا چرا و چگونه به وجود آمد؟ توضیح دهید.

۲- میترنیک کی بود و به خاطر تأمین صلح و امنیت در اروپا معتقد به چه بود؟ واضح سازید.

۳- جنبش های آزادی بخش در امریکا چی وقت و چگونه به وجود آمد؟

۴- بعد از جنگ جهانی دوم جهان به چند بلاک تقسیم شد؟ نام ببرید.

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان عوامل و نتایج جنبش های آزادی بخش را در اروپا فهرست کرده و در درس آینده با هم بحث نمایند.

سازمان کشورهای اسلامی و هلال احمر

به مرور زمان در جهان سازمان های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، مدنی، فرهنگی و عقیدتی زیادی به وجود آمده اند. در این درس به اختصار در باره چگونه گي ايجاد و وظايف سازمان کشورهای اسلامی و همچنان چگونه گي به وجود آمدن نهاد مدنی صليب سرخ و هلال احمر آشنا خواهيد شد.

چگونه سازمان کشورهای اسلامی به وجود آمد؟

سازمان کشورهای اسلامی عبارت از سازمانی است که با اهداف ايجاد همبستگی وحدت و همکاری میان کشورهای اسلامی در عرصه های دینی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و هم چنان از میان برداشتن تبعیض نژادی، استعمار و حمایت از ايجاد يك کشور مستقل فلسطين بوجود آمده است.

این سازمان که بر اساس کنفرانس های اسلامی تشکیل گردیده است در سال ۱۳۴۱هـ.ش برای اولین بار برای تشکیل اتحادیه از کشورهای اسلامی جهان در شهر مکه معظمه توسط ملک فیصل پادشاه وقت عربستان سعودی مطرح گردید و در سال ۱۳۴۵هـ.ش. اولین کنفرانس اسلامی در شهر جدّه تشکیل جلسه داد.

عاليترين نهاد این سازمان کنفرانس سران کشورها است که به طور نا منظم در سال ۱۳۴۸هـ.ش. (رباط والمغرب)، در سال ۱۳۵۳هـ.ش. (در لاهور پاکستان) و در سال ۱۳۶۰هـ.ش. در (مکه معظمه) در عربستان سعودی، برگزار گردید. و قرار شد از سال ۱۳۷۰هـ.ش. به طور منظم هر سه سال یک بار در یکی از کشورهای عضو که ریاست دوره یی کنفرانس را به عهده می گیرد، برگزار گردد؛ بدین ترتیب، این کنفرانس در سال ۱۳۸۰هـ.ش. در سنگال، در سال ۱۳۸۳هـ.ش. در المغرب و در سال ۱۳۸۶هـ.ش. در تهران و در سال ۱۳۸۹هـ.ش. در قطر برگزار گردید.

در مجموع ۵۷ کشور، از جمله افغانستان در این سازمان عضویت دارند که ۲۵ کشور آن در آسیا، ۲۷ در افریقا، ۲ در امریکا و ۳ کشور در اروپا واقع شده اند. که کشورهای بوسنی هرزگوین، تایلد و افریقای مرکزی نیز به عنوان ناظر در جلسات آن شرکت می کنند. سازمان کنفرانس اسلامی نهاد های متعددی را تأسیس نموده از جمله چهار مؤسسه تخصصی را دارا می باشد که عبارتند از:

۱- خبرگزاری بین المللی اسلامی

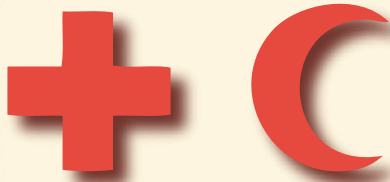
۲- بانک عمرانی اسلامی

۳- سازمان آموزشی، علمی و فرهنگ اسلامی

۴- سازمان تبلیغاتی کشورهای اسلامی که مقر سازمان در شهر جدّه عربستان سعودی قرار دارد.

صلیب سرخ یا حلال احمر

زمانی که جنگ های وحشتناک و خانمانسور داخلی و خارجی انسان ها را به خاک و خون می کشاند، مردی خیر خواه و انسان دوست جهان به نام (هانری دونانت) از کشور سویس که خود شاهد نبرد سالفارینو (شمال ایتالیا) بود، با قلب پر از عاطفه در سال ۱۸۶۳ م / ۱۲۴۲ هـ ش. مؤسسه بشردوستانه یی را بنا گذاشت که از ۱۸۸۰ م / ۱۲۵۹ هـ ش. تا کنون نام کمیته بین المللی صلیب سرخ را به خود گرفته است.



این مؤسسه بشردوستانه که صرف به انسان می اندیشد،

هدف آن معاونت به آسیب دیده گان جنگ های

بین المللی و منازعات داخلی در جهان است که به

صورت غیر جانبدارانه به نفع آسیب دیده گان و تمام قربانیان جنگ با پیروی از اصول انسان دوستانه خود، عمل می کند.

در اثر گسترش دامنه منازعات و کشمکش ها، و هم چنان نیازمندیهای مجروحان و بیماران و حادثه دیده گان از آفات و حوادث طبیعی (زلزله ها، سیلاب ها، طوفانها، حریق ها، خشک سالی های و قحطی) در گوشه و کنار جهان این حرکت انسان دوستانه به یک جنبش بین المللی مبدل گردید، که کمیته بین المللی صلیب سرخ

در فدراسیون های بین المللی نهضت بین المللی

صلیب سرخ را تشکیل دادند و در افغانستان نیز در

سال ۱۹۳۴ م / ۱۳۱۳ هـ ش.

جمعیت هلال احمر افغانی (سره میاشت) تأسیس

گردیده و در سال ۱۹۵۵ م / ۱۳۳۴ هـ ش. عضو کمیته

بین المللی صلیب سرخ شد.

قرار داد سال ۱۹۴۹ م / ۱۳۲۸ هـ ش. ژنیو که روی



مفکوره احترام به انسان و وقار آن بنا می باشد یاد آوری گردیده اشخاص که بنا بر مریضی زخم، اسارت و یا هر علت دیگر، فاقد توان سهمگیری در جنگ اند باید احترام شوند و در مقابل تأثیرات جنگ حمایت گردند، و از آن ها بدون تبعیض مراقبت به عمل آید. با وجود این همه در اثر سعی و تلاش صلح جویانه صلیب سرخ جهانی و اتحادیه جوامع صلیب سرخ بود که این مؤسسه بشردوستانه در سال ۱۹۶۹ م / ۱۳۴۸ هـ.ش. مفتخر به دریافت جایزه نوبل گردید.

در حال حاضر جمعیت عالی سره میاشت افغانستان به منظور کمک به نیازمندان و مصیبت دیده گان مطابق به مقررات صلیب سرخ بین المللی بدون در نظر داشت مسایل سیاسی، مذهبی، سمتی، قومی و اجتماعی عمل می کند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند.

- ۱- گروه اول: در مورد به وجود آمدن سازمان کشور های اسلامی.
- ۲- گروه دوم: در مورد نهضت هلال احمر یا صلیب سرخ با هم مباحثه نمایند و نتیجه را نماینده هر گروپ به دیگران ارائه نماید.

سؤالات



- ۱- سازمان کشورهای اسلامی چگونه به وجود آمد؟ توضیح دهید.
- ۲- هدف از به وجود آمدن سازمان کشورهای اسلامی چه بوده؟ توضیح دهید.
- ۳- سازمان کنفرانس اسلامی کدام نهادها را تأسیس کرد؟ نام ببرید.
- ۴- صلیب سرخ یا هلال احمر یعنی چه؟ و چگونه به وجود آمد؟ واضح سازید.
- ۵- هلال احمر در افغانستان چه وقت به وجود آمد؟ و در کدام سال عضو کمیته بین المللی صلیب سرخ شد.

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان در مورد وظایف و فعالیت های هلال احمر (سره میاشت) در افغانستان مطلبی را تهیه و در صنف ارائه نمایند.

فصل اول

سرحدات و تشکیلات اداری

درس اول

حدود اربعه و موقعیت



در مورد موقعیت و حدود افغانستان چه میدانید؟

کشور ما در جنوب آسیا با خصوصیات طبیعی خویش یک کشور کوهستانی و محاط به خشکه می باشد که به بحر راه آزاد ندارد و با داشتن قدامت تاریخی و مدنیت پنج هزار ساله خود از کشورهای باستانی آسیا محسوب می شود .
نام قدیم افغانستان آریانا بود که در متون ریگویدا از آن به اصطلاح اریانا ویجه ذکر بعمل آمده است .

افغانستان در نیم کره شمالی بین ۲۹ درجه، ۲۲ دقیقه، ۵۳ ثانیه و ۳۸ درجه، ۲۹ دقیقه، ۲۸ ثانیه عرض البلد های شمالی و در نیم کره شرقی بین ۶۰ درجه، ۲۸ دقیقه، ۴۱ ثانیه و ۷۴ درجه، ۵۱ دقیقه و ۴۷ ثانیه طول البلد های شرقی موقعیت دارد.

مساحت افغانستان ۶۵۲۰۰۰ کیلومتر مربع است که از نظر مساحت بزرگتر از هر کشور اروپایی به استثنای روسیه می باشد . افغانستان در براعظم آسیا از لحاظ مساحت به درجه دوازدهم^(۱) قرار می گیرد.

1 کشورهای که در براعظم آسیا بزرگتر از افغانستان است عبارت اند از: روسیه، چین، هند، عربستان سعودی، ایران، منگولیا، قزاقستان، اندونزی، پاکستان، ترکیه و برما.

جمهوری اسلامی افغانستان از طرف شمال به جمهوری‌های اسلامی تاجکستان، ازبکستان و ترکمنستان از طرف غرب به جمهوری اسلامی ایران، از طرف شرق و جنوب با جمهوری اسلامی پاکستان و بطرف شمال شرق با ولایت سنکیانگ جمهوری مردم چین هم سرحد می‌باشد. بیش‌ترین طول افغانستان از نقطه شرقی (از درهٔ یولی) الی غربی‌ترین نقطه (تا درهٔ ذوالفقار) ۱۲۰۰ کیلومتر و بیش‌ترین عرض آن از منطقه خماب در شمال الی کوه‌های چگایی در جنوب ۹۱۲ کیلومتر می‌باشد و در قسمت پامیر عرض افغانستان تقریباً به بیست چهار کیلومتر می‌رسد که تاجکستان را از کشمیر پاکستان جدا می‌سازد نزدیک‌ترین فاصله افغانستان با بحر هند بصورت مستقیم از جنوب غرب کوتل مزاری واقع در کشته گان غر و لایت هلمند الی نزدیک‌ترین ساحل بحیره عرب در حدود ۳۹۰ کیلومتر است.

موقعیت جغرافیایی افغانستان در سر راه کشورهای آسیایی میانه و کشورهای آسیایی جنوبی از نظر سیاسی و اقتصادی در منطقه بسیار مهم می‌باشد. زیرا افغانستان در سر راه آسیای مرکزی محل اتصال کشورهای ایران، هند، پاکستان و آسیای مرکزی است. در گذشته‌های تاریخی راه ابریشم نیز از افغانستان می‌گذشت و محل اتصال مدنیت‌های شرق و غرب محسوب می‌گردید.

کشورهای آسیای میانه هم به بحر آزاد راه ندارند؛ ازین سبب تجارت آن‌ها از راه افغانستان با ممالک جنوبی قاره آسیا صورت می‌گیرد که این موضوع به موقعیت افغانستان اهمیت زیادی می‌دهد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروپ‌های مناسب تقسیم گردیده هریک از گروپ‌ها درباره یکی از موارد ذیل

باهم بحث نموده یک نفر از هر گروپ موضوع خویش را در پیشروی صنف شرح دهد:

- افغانستان در کدام قسمت کرهٔ زمین موقعیت داشته با ذکر خطوط طول البلد و عرض البلد در نقشهٔ جهان معلومات دهید.

- نقشهٔ افغانستان را رسم نموده طول و عرض اعظمی آن را با در نظر داشت مناطق آن بر روی نقشه نشان دهید.

- نقشه افغانستان را رسم نموده حدود افغانستان را بر روی آن نشان دهید .

سوال ها



۱- افغانستان چه گونه خصوصیات طبیعی را دارا می باشد؟

۲- کشور ما از بحر چقدر فاصله دارد؟

۳- نام قدیم افغانستان را ذکر نمایید .

۴- مساحت افغانستان چقدر است؟

فعالیت خارج از صنف



نقشه افغانستان را رسم نموده موقعیت همسایه های افغانستان را در روی نقشه تعیین نمایید.

الف: سرحدات شمالی افغانستان

* - خط سرحدی امیر شیر علی خان



- کدام سرحد افغانستان توسط دریای پنج و دریای آمو تعیین شده است؟

در قرن ۱۹ بر اثر سیاست پیشروی انگلیس ها و روسیه تزاری قسمت های زیاد و مهم این سرزمین از خاک افغانستان جدا گردید.

وقتی که پیشروی روسیه تزاری در جریان قرن ۱۹ م. در آسیای مرکزی شروع شد. انگلیس ها برای آنکه منافع استعماری خود را در شمال هند نگهدارند در مرحله اول انگلیس ها امیر شیر علی خان را تشویق کردند تا سرحدات سیاسی خود را با قلمرو روسیه تزاری تعیین نماید؛ روی این منظور مذاکره بین دولتین آغاز یافت.

وزیر خارجه انگلستان لارد گرینویل و وزیر خارجه روسیه تزاری پرنس گورچکوف جهت تثبیت سرحدات بین افغانستان و روسیه تزاری تعیین شدند، در نتیجه در سال ۱۸۷۳ م. مطابق)

۱۲۵۱ هـ.ش) سرحد شمالی افغانستان را از جهیل زرقول تا خماپ که مسیر دریای پنج و آمو است به نام خط سرحدی امیر شیرعلی خان تعیین و تثبیت کردند.

به اساس معاهده ۲۲ جوزای (۱۳۲۵ هـ.ش) فیصله به عمل آمد تا مسیر وسط دریای آمو به حیث سرحد شناخته شد جزیره درقد که در شمال ولایت تخار واقع است و ۴۲۲ کیلومتر مربع مساحت دارد جزء خاک افغانستان گردید.

*-خط سرحدی ریجوی: وقتی که امیر عبدالرحمن خان به حکومت رسید در صدد این بود که بقیه سرحدات شمالی کشور تعیین شود؛ بناءً بار دوم بین روسیه تزاری و بریتانیا مذاکرات آغاز گردید و فیصله به عمل آمد که هیأت‌های سه کشور (افغانستان، برتانیه و روسیه) در نومبر سال ۱۸۸۴ م. به سرخس حاضر گردند. هیأت روسی در وقت معینه به محل مذکور حاضر نه گردیده؛ بلکه عساکر روسی برخلاف آن برحملات خود در آسیایی مرکزی ادامه دادند تا آنکه به نزدیکی پنجه رسیدند و از پل خاتون که بالای دریای هریرود موقعیت داشت بحیث پایگاه نظامی کار گرفتند. سربازان افغانی که تعداد آن‌ها به دو هزار نفر می‌رسید و برای حفظ پنجه در آنجا بسر می‌بردند. بین عساکر افغانی به سرکرده گی جنرال غوث الدین خان و قوای روسی که به سرکرده گی علی خانوف بود، برخورد صورت گرفت و سربازان افغانی به نسبت تعداد کم آن‌ها، که تجهیزات محاروبی هم نداشتند از پنجه دفاع کرده نتوانستند. پنجه و آق تپه در سال ۱۸۸۵ م. به تصرف روسهای تزاری در آمد.

ازین واقعه به بعد به نسبت تلگرام تهدید آمیز ملکه وکتوریا، ملکه آنوقت انگلستان برای الکساندر دوم تزار روس عساکر روسی از پیشروی زیاد در خاک افغانستان صرف نظر کردند.

باردیگر مذاکرات سرحدی بین نماینده روسیه تزاری و انگلستان در لندن آغاز یافت تا سرحد شمال غربی افغانستان و روسیه تزاری را تعیین کنند. هیأت‌های مختلف به مذاکرات پرداختند تا هنگامی که در سال ۱۸۸۷ م. پروتوکول شش فقره‌یی به امضا رسید؛ بعداً پروتوکول نهایی توسط کرنیل ریجوی انگلیسی و موسیوزینوف روسی در پترسبورگ به امضا رسید

و یادداشت‌های دیگر نیز به آن علاوه گردید. سرحد شمال غربی که به نام خط سرحدی ریجوی Rage Way یاد می‌شود روی نقشه تثبیت گردید؛ این خط سرحدی بعداً توسط چارلس پت Charles Pate نماینده انگلیس و کپیتان کامروف Capitan Kamerove نماینده روسیه تزاری در مدت چهار سال از دره ذوالفقار تا خماب به یک خط قوسی تثبیت شد که به طول ۳۰ کیلومتر توسط مسیردریای مرغاب و بقیه آن توسط پیلرها علامه گذاری گردید.

*- سرحدات شمال شرقی

در شمال شرق افغانستان دو خط سرحدی وجود دارد:

۱- خط سرحدی پامیر بین افغانستان و تاجکستان ۲- سرحد شمال شرقی بین افغانستان و جمهوری مردم چین.

این ساحة کم عرض کشور که بین روسیه تزاری، چین و هند برتانوی آن زمان موقعیت داشت، تثبیت سرحدات آن مدت زیادی مورد بحث بود. در آخر دوره امیر عبدالرحمن خان در سال ۱۸۹۵ م. نماینده‌های سه مملکت افغانستان، انگلیس و روسیه تزاری در منطقه پامیر خورد و کلان شروع به مذاکره نمودند. این مذاکرات مدت نه ماه طول کشید در نتیجه سرحد پامیر از شرق جهیل زرکول تا سرحد چین (دره یولی) بین افغانستان و روسیه تزاری تعیین گردید.

عده یی از سیاستمداران انگلیس علاقمند یک ساحة حایل Buffer State بین متصرفات خود و امپراتوری روسیه تزاری بودند. در ساحة پامیر و واخان که هر دو امپراتوری (انگلیس و روس) باهم اتصال می یافت برای آنکه یک منطقه حایل (بی طرف) بین آن‌ها واقع شود واخان را ناخواسته به افغانستان دادند.

دولت روسیه در مارچ ۱۸۹۶ م. این خط را تایید نمود و به این ترتیب پامیر بزرگ به روس‌ها و پامیر خورد و واخان به افغانستان توسط یک قرار داد بین المللی مسجل گردید. در اکتوبر همین سال امیر عبدالرحمن خان درواز را تصرف نموده و روس‌ها، روشن و شغان آن طرف

آمو را که از جانب نیروی افغانستان تخلیه شده بود به امیر بخارا سپردند.

بعد از تأسیس جمهوری مردم چین در سال ۱۹۴۹ م. مذاکرات سرحدی بار دیگر در دوره سلطنت محمد ظاهر شاه بین دولت افغانستان و جمهوری مردم چین آغاز یافت. در سال ۱۳۳۶ هـ.ش. مطابق ۱۹۵۷ م. موافقت به عمل آمد تا سرحد بین هردو مملکت تعیین و بر روی اراضی تثبیت گردد؛ بناءً سرحد شمال شرقی که از دره یولی به شکل یک قوس تا کوتل کلیک در جنوب شرق کوتل واخجیر امتداد دارد بین پامیر افغانستان و ولایت سنکیانگ چین در ماه اسد سال ۱۳۴۳ هـ.ش. بصورت فنی با نصب پیلرها علامه گذاری و تثبیت گردید.

• سرحدات شرقی و جنوبی

در سال ۱۸۹۳ م. انگلیس ها قوای زیادی را به استقامت افغانستان سوق داده و به امیر عبدالرحمن خان یاد داشتی روان کردند که هیأت سیاسی جنرال رابرت را بایک فرقه عسکر در جلال آباد قبول کند. امیر عبدالرحمن خان به خشم آمده عسکر یک لک نفری خویش را امر آماده باش داد و اراده اعلان جهاد کرد. لیکن انگلیس ها که این مقاومت را دیدند از تصمیم خود منصرف شده و به این قناعت کردند که هیأت سیاسی پانزده نفری خود را به سرکرده گی مارتیمر دیورند به کابل بفرستند. دیورند به کابل آمد مواد معاهده دیورند را که قبلاً از طرف انگلیس ها ترتیب شده بود به امیر عبدالرحمن خان ارائه کرده بعد از مذاکرات زیاد آن را بالای امیر عبدالرحمن خان در قصر چهلستون امضا نمودند (۲ جمادی الاول ۱۳۱۱ هـ.ق). امیر عبدالرحمن خان بدون مشوره با اراکین دولتی خویش معاهده را امضا کرد و یک مسؤولیت بزرگ تاریخی را به عهده گرفت، در نتیجه این معاهده، خط سرحدی دیورند از کوتل کلیک جنوب شرق کوتل واخجیر واخان و چترال تا حدود بلوچستان و کوه ملک سیاه در زاویه جنوب غرب کشور تعیین شده، سرزمین های چمن، پشین، وزیرستان، کرم، پاره چنار، افریدی، باجور، سوات و چترال از خاک افغانستان جدا و ضمیمه خاک هند برتانوی آن وقت گردید. از طرف رئیس هیأت هند برتانوی فیصله

صادر شد که بر اساس آن مناطق روشن و شغان در شمال آب پنج و قسمت بالایی دریای آمو که در تصرف افغانستان بود مطابق فیصله‌های گورچکوف و گرینویل که در سال ۱۸۷۳ م. صادر شده بود واپس به روسیه تزاری سپرده شد و در مقابل آن واخان و اسمار جز خاک افغانستان گردید.

بعد از استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ م. بازهم مسأله سرحد دیورند حل نشده ماند. بابه وجود آمدن دولت پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی این موضوع بازهم با دولت پاکستان لاینحل و بدون فیصله مانده است. (سرحدات کشور ما در سمت‌های جنوبی و شرقی با جمهوری اسلامی پاکستان به واسطه خط تحمیلی دیورند نشانی شده است که مردم افغانستان آن را به رسمیت نشناخته اند)



فعالیت داخل صنف



- شاگردان به گروه‌های مناسب تقسیم شده هر گروه در مورد یکی از موضوعات زیر باهم بحث نموده یک نفر از هر گروه موضوع خویش را در پیش روی صنف شرح دهد.
- نقشه افغانستان را رسم نموده خط سرحدی امیر شیرعلی خان را بالای آن نشانی کرده در مورد معلومات دهید.
- نقشه افغانستان را رسم نموده خط سرحدی ریجوی را بالای آن نشان داده در مورد آن معلومات دهید.
- نقشه افغانستان را رسم نموده خط سرحدی شمال شرقی را بالای آن نشان داده در مورد آن معلومات دهید.
- نقشه افغانستان را رسم نموده خط سرحدی شرقی و جنوبی را بالای آن نشان داده در مورد آن معلومات دهید.

سؤال ها



- ۱- سرحدات شمالی افغانستان شامل کدام سرحدات می باشد ؟
- ۲- خط سرحدی امیر شیرعلی خان چه گونه تعیین گردید ؟
- ۳- در حال حاضر کدام کشورها می توانند از آب دریای پنج و آمو استفاده مشترک نمایند؟
- ۴- پنجاه را چه گونه روسها تصرف نمودند؟
- ۵- چرا روسها به پیشروی زیاد در خاک افغانستان ادامه ندادند.
- ۶- خط سرحدی ریجوی از کدام منطقه تا کجا امتداد دارد؟
- ۷- خط سرحدی دیورند را چرا دولت افغانستان به رسمیت نه شناخته است ؟
- ۸- خطهای سرحدی شمال شرق افغانستان به چه نامها یاد می شود ؟

فعالیت خارج از صنف



نقشه افغانستان را رسم نموده، خط سرحدی امیر شیرعلی خان، خط سرحدی ریجوی، سرحد شمال شرقی و جنوب شرقی را بالای آن نشانی نموده در ساعت آینده جغرافیه آنرا به هم صنفان خود نشان دهید.

سرحدات غربی افغانستان به واسطه دو معاهده با حکمیت دو هیأت ذیل حسب اتی تعیین و تنظیم گردید:

الف - خط سرحدی مکمهان

منطقه سیستان که در جنوب غرب کشور واقع است در دوره‌های مختلف تاریخ گاهی به تصرف افغانستان و زمانی هم تحت اداره ایران بود.

از زمان احمد شاه بابا سال ۱۷۴۷ میلادی مطابق ۱۱۲۵ هـ.ش. تا اواسط قرن ۱۹ میلادی سیستان جزء خاک افغانستان بود. در زمان امیر شیرعلی خان، سرکرده قبیله سربندی به نام علی خان با مردم قبیله خود تابعیت دولت ایران را قبول نموده و خود را با قبیله خود به دولت ایران تسلیم نمود. از آن به بعد مشکلات سرحدی بین افغانستان و ایران به وجود آمد، لازم دیده شد تا سرحد بین افغانستان و ایران تعیین گردد. حکومت‌های افغانستان و ایران نظر به مشکلات سرحدی نتوانستند به کدام فیصله برسند. بناءً به وایسرای هند تماس گرفته و برای حل مشکل سرحدی افغانستان و ایران طالب حکمیت شدند. وایسرای هند فریدریک گولدسمت Sir Fridric Goldsmith را به حیث حکم در ناحیه سیستان تعیین نمود تا میان افغانستان و ایران به حیث میانجی کار نموده موضوع را فیصله نماید. گولدسمت رئیس هیئات انگلیس با سران هیأت افغانی و ایرانی مدت دو سال در سرحدات سیستان به تحقیق پرداخت و در سال ۱۸۷۳ میلادی مطابق ۱۲۵۲ هـ.ش. چنین فیصله به عمل آمد:

حوزه سیستان در قسمت آخر دریای هلمند به دو قسمت تقسیم گردیده مناطقی که به طرف غرب رود نادعلی قرار دارد به نام سیستان خاص به ایران و سرزمین‌های شرقی آن به اصطلاح ماورای سیستان یاد گردید به افغانستان تعلق گرفت.

در سال ۱۲۷۴ هـ.ش. دریای هلمند از مسیر اصلی خود که رود نادعلی است و سرحد بین افغانستان و ایران بود منحرف شده، چون در زمان گولدسمت خط سرحدی درروی اراضی علامه گذاری نه شده بود لذا تغییر مسیر هلمند دوباره باعث مناقشه افغانستان و ایران گردید. دولت افغانستان رود نادعلی را مجرای اصلی دریای هلمند میدانست و دولت ایران تغییر مسیر

دریای هلمند را به نفع ایران در نظر می گرفت.

بار دیگر از انگلستان کمک خواسته شد و حکومت انگلستان مکمهان Mac Mahan را با پانزده هزار نفر افسران انگلیسی و هندی توظیف این کار ساخت. هیأت سه کشور (افغانستان، ایران و انگلستان) با تمام وسایل تحقیق مجهز بودند. آن‌ها مدت دو سال و سه ماه از سال ۱۲۸۰ - ۱۲۸۲ ه.ش. (زمان حکومت امیر حبیب الله خان) تحقیق و مطالعه کرده و خط سرحدی را در این منطقه در تپه که بین مجرای سابق و مجرای جدید نادعلی واقع بود به شکلی تثبیت کردند که تغییر مسیر دریا در آینده بالای آن تاثیر ننماید، این سرحد از کوه ملک سیاه تا سیاه کوه که به نام خط مکمهان یاد می شود تعیین و تثبیت کردند.

ب - خط سرحدی فخری

خط سرحدی که از سیاه کوه تا دره ذوالفقار در غرب کشور ما واقع است، چندین بار به حیث سرحد بین افغانستان و ایران تعیین گردید؛ اما در زمینه کدام فیصله قاطع صورت نگرفت ، تا آنکه هردو دولت در سال ۱۳۱۳ ه.ش. از دولت ترکیه طالب وساطت شدند. دولت ترکیه جنرال فخرالدین التایی را برای حل اختلافات سرحدی تعیین نمود؛ جنرال فخرالدین التایی بعد از تحقیق و مطالعات زیاد فیصله خود را برای هردو کشور افغانستان و ایران ابلاغ نمود. به این ترتیب سرحد غربی افغانستان به نام خط فخری یاد می گردد از منطقه سیاه کوه به استقامت شمال تا دره ذوالفقار تعیین و تثبیت گردید. از سیاه کوه تا اسلام قلعه خط سرحدی بر روی اراضی و از اسلام قلعه تا دره ذوالفقار حد فاصل بین کشور ما و ایران دریای هریرود پذیرفته شد .

فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند هر گروه در مورد یکی از مطالب زیر باهم بحث نموده نمایند هر گروه نتیجه بحث را در پیش روی صنف ابلاغ نماید.

- معلومات در مورد چگونگی منطقه سیستان

- چرا دولت‌های افغانستان و ایران از وایسرای هند کمک خواستند و نتیجه کار گولد سمت را توضیح نمایید .

- انحراف مسیر اصلی دریای هلمند (در حصه رود نادعلی) چه مشکلات را بیار آورده و چه گونه موضوع حل شد؟
- چگونگی خط سرحدی فخری را توضیح نمایید .

سؤال ها:



- ۱- چرا اختلاف بین افغانستان و ایران در منطقه سیستان واقع شد؟
- ۲- در مورد حوزه سیستان معلومات دهید.
- ۳- درباره رود نادعلی معلومات دهید.
- ۴- خط سرحدی مک مهان بین کدام مناطق کشور واقع است؟
- ۵- خط سرحدی فخری بین کدام مناطق کشور تعیین گردیده است .

فعالیت خارج از صنف



نقشه افغانستان را رسم نموده خطوط سرحدی مک مهان و فخری را بالای آن نشان دهید .



هر ولایت تحت نظر والی که با مرکز رابطه مستقیم دارد، اداره و کنترل می‌شود. امور اداری و قضایی هر ولایت به نوبه خود غرض آرامی و سهولت مردم به واحدهای اداری کوچکتر که به نام ولسوالی یاد می‌شود تقسیم گردیده است. در رأس هر ولایت والی که نماینده بزرگ دولت می‌باشد، اجرای وظیفه می‌کند. هر ولایت به ولسوالی‌ها و قریه‌ها تقسیم شده است ، در رأس هر ولسوالی ولسوال‌ها قرار دارند و اداره ولسوالی‌ها به ولایات و از ولایات با مرکز ارتباط دارد. سایر اعضای قوای اجرائیه توسط وزارتخانه‌های مختلف تعیین و وظایف خود را در ولایات تحت نظر والی و در ولسوالی‌ها تحت نظر ولسوال‌ها انجام می‌دهند.

والی در رابطه با اجرای امور قانونی در برابر ریاست ارگانهای محل و ریاست جمهوری مسئولیت داشته و جوابگو می باشد. تقسیمات اداری ملکی کشور در سال ۱۳۷۰ ه.ش. شامل ۳۲ ولایت بود. از سال ۱۳۸۵ ه.ش. به بعد دو ولسوالی که یکی پنجشیر و دیگری دایکندی بود جدیداً به ولایت ارتقا نمودند، در مجموع کشور ما به ۳۴ ولایت و ۳۶۵ ولسوالی و چند ولسوالی موقت تقسیم شده است. کابل بزرگترین شهر افغانستان که از زمان تیمور شاه به این طرف به حیث پایتخت انتخاب شده است.

جدول زیر ولایات، مراکز، مساحت، درجه و نفوس هر ولایت را با تفکیک جنس نشان

می دهد.

معلومات اضافی

شماره	اسم ولایت	مركز ولایت	مردم مساحت ولایت به کیلومتر مربع	تعداد ولسوالی ها	درجه تشکیل ولایت	مردم (به هزار نفر) مسکون	ذکر (به هزار نفر)	اناث (به هزار نفر)	تپه (به هزار نفر)	دهاتی (به هزار نفر)
۱	کابل	شهر کابل	۴۵۲۳/۵۸	۱۴	۱	۳۳۳۵.۲	۱۷۲۲.۶	۱۶۱۲.۶	۲۷۴۵.۶	۵۸۹.۶
۲	قندهار	شهر قندهار	۵۴۸۴۴/۵	۱۵	۱	۱۰۳۷.۱	۵۳۱.۹	۵۰۵.۲	۳۴۳.۷	۶۹۳.۴
۳	هرات	شهر هرات	۵۵۸۶۸/۵۳	۱۵	۱	۱۶۱۱.۲	۸۱۶.۱	۷۹۵.۱	۴۲۶.۱	۱۱۸۵.۱
۴	بلخ	مزار شریف	۲۰۷۹۷/۶۳	۱۴	۱	۱۱۲۲.۶	۵۷۴.۲	۵۴۸.۴	۳۹۱.۳	۷۳۱.۳
۵	ننگرهار	جلال آباد	۷۶۴۱/۰۵	۲۱	۱	۱۳۰۹.۴	۹۷۰.۲	۶۳۹.۲	۱۸۲.۴	۱۱۲۷
۶	پکتیا	گردیز	۵۵۸۳/۱۵	۱۰	۲	۴۸۲.۴	۲۴۶.۶	۲۳۵.۸	۲۰.۶	۴۶۱.۸
۷	غزنی	شهر غزنی	۲۲۴۶۰/۵۳	۱۸	۲	۱۰۷۳.۷	۵۴۸.۶	۵۲۵.۱	۵۰.۲	۱۰۲۳.۵
۸	پروان	چاریکار	۵۷۱۵/۰۵	۹	۲	۵۷۹.۳	۲۹۳	۲۸۶.۳	۴۹.۵	۵۲۹.۸
۹	هلمند	لشکرگاه	۵۸۳۰۵/۰۷	۱۲	۲	۸۰۷.۵	۴۱۴.۵	۳۹۳	۴۵.۷	۷۶۱.۸
۱۰	بغلان	پلخمري	۱۸۲۵۵/۲۴	۱۴	۲	۷۸۹.۵	۴۰۴.۶	۳۸۴.۹	۱۵۳.۷	۶۳۵.۸
۱۱	فاریاب	میمنه	۲۰۷۹۷/۶۳	۱۳	۲	۸۶۸.۸	۴۴۳.۴	۴۲۵.۴	۱۰۱.۷	۷۶۷.۱
۱۲	نیمروز	زرنج	۴۲۴۰۹/۵۳	۴	۳	۱۳۷.۴	۷۰.۲	۶۷.۲	۲۲.۱	۱۱۵.۳
۱۳	بدخشان	فیض آباد	۴۴۸۳۵/۹۱	۲۷	۱	۸۳۱.۲	۴۲۳.۵	۴۰۷.۷	۳۱.۲	۸۰۰
۱۴	جوزجان	شیرخان	۱۱۲۹۱/۵۲	۱۰	۲	۴۶۸	۲۳۸.۲	۲۲۹.۸	۹۶.۷	۳۷۱.۳
۱۵	بامیان	شهر بامیان	۱۸۰۲۹/۱۶	۶	۳	۳۹۱.۱	۱۹۸.۳	۱۹۲.۸	۱۰.۷	۳۸۰.۴
۱۶	زابل	قلات	۱۷۴۷۱/۸۰	۱۰	۳	۲۶۵.۹	۱۳۶.۴	۱۲۹.۵	۱۰.۲	۲۵۵.۷

۱۷	غور	فیروزکوه	۳۶۶۵۷/۴۲	۹	۳	۶۰۴.۴	۳۰۸.۷	۲۹۵.۷	۵.۹	۵۹۸.۵
۱۸	بادغیس	قلعه نو	۲۰۷۹۴/۰۱	۶	۳	۴۳۳.۸	۲۲۱.۷	۲۱۲.۱	۱۲.۴	۴۲۱.۴
۱۹	سمنگان	ایبک	۱۳۴۳۷/۸۱	۶	۳	۳۳۸.۳	۱۷۳.۲	۱۶۵.۱	۲۴.۶	۳۱۳.۷
۲۰	تخار	تالقان	۱۲۴۵۷/۸۲	۱۶	۲	۸۵۵.۵	۴۳۶.۴	۴۱۹.۱	۱۰۸.۲	۷۴۷.۳
۲۱	کندهار	شهر کندهار	۸۰۸۰/۸۶	۶	۱	۸۶۶.۷	۴۴۱	۴۲۵.۷	۲۰۷.۳	۶۵۹.۴
۲۲	لغمان	مهرلام	۳۹۷۷/۰۸۷	۵	۳	۳۹۰.۱	۱۹۹.۹	۱۹۰.۲	۴.۳	۳۸۵.۸
۲۳	فراه	شهر فراه	۴۹۳۳۹/۱۱	۱۰	۲	۴۴۸.۸	۲۳۰.۲	۲۱۸.۶	۳۱.۲	۴۱۷.۶
۲۴	پکتیکا	شرنه	۱۹۵۱۵/۸۶	۱۸	۳	۳۸۰.۷	۱۹۵.۳	۱۸۵.۴	۲.۴	۳۷۸.۳
۲۵	کنر	اسعد آباد	۴۹۲۵/۹۰	۱۴	۳	۳۹۴.۱	۲۰۱.۷	۱۹۲.۴	۱۱.۶	۳۸۲.۵
۲۶	لوگر	پل علم	۴۵۶۸	۶	۳	۳۴۲.۹	۱۷۴.۵	۱۶۸.۴	۸.۲	۳۳۴.۷
۲۷	وردک	میدان شهر	۱۰۳۴۸/۳۲	۸	۳	۵۲۲.۲	۲۶۶.۵	۲۲۵.۷	۲.۶	۵۱۹.۶
۲۸	کاپیسا	محمود راقی	۱۹۰۸	۶	۲	۳۸۶.۳	۱۹۵	۱۹۱.۳	۱.۳	۳۸۵
۲۹	نورستان	پارون	۹۲۶۶/۷۴	۷	۳	۱۲۹.۶	۶۶.۱	۶۳.۵	.	۱۲۹.۶
۳۰	خوست	متون	۴۲۳۵/۲۶	۱۲	۳	۵۰۲.۷	۲۵۷.۴	۲۴۵.۳	۹.۷	۴۹۳
۳۱	سرپل	سرپل	۱۶۳۸۵/۵۷	۶	۳	۴۸۸.۲	۲۵۰	۲۳۸.۲	۳۶.۴	۴۵۱.۸
۳۲	ارزگان	ترین کوت	۱۱۴۷۳/۶۷	۴	۳	۳۰۶.۶	۱۵۷.۹	۱۴۸.۷	۸.۶	۲۹۸
۳۳	پنجشیر	بازارک	۳۷۷۱/۶۲	۶	۳	۱۳۴.۴	۶۸.۷	۶۵.۷		۱۳۴.۴
۳۴	دایکندی	نیلی	۱۷۵۰۱/۳۶	۸	۳	۴۰۳.۳	۲۰۷.۱	۱۹۶.۲	۳.۱	۴۰۰.۲
	مجموع		۶۵۲۸۴۶	۳۶۵		۲۳۰۳۸.۹	۱۱۷۸۳.۶	۱۱۲۵۵.۳	۵۱۵۹.۲	۱۷۸۷۹.۷

فعالیت داخل صنف



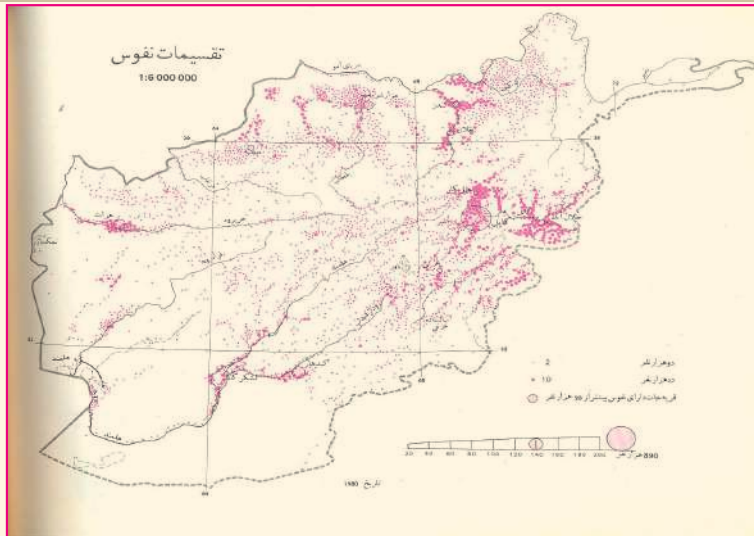
شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند هر گروه در مورد یکی از موضوعات زیر باهم بحث نموده یک نفر به نماینده‌گی از گروه خویش موضوع را در پیش روی صنف شرح دهد.

- ولایات شرقی، جنوبی، غربی، شمالی و مرکزی را در نقشه تفکیک نمایید.

- چرا در سال ۱۳۴۳ ه.ش. در تشکیلات اداری تغییر به وجود آمد.

- طرز اداره ولایات و ولسوالی‌های چه گونه است؟

- تعداد ولایات و ولسوالی‌ها کشور به چه تعداد بوده و ولسوالی‌های که به سطح ولایت ارتقا نموده نام بگیرد؟



نفوس در انکشاف کشور چه اهمیت دارد؟

نفوس عبارت از مجموع تعداد باشندگان یک کشور است که بنابر عوامل جداگانه در محلات مختلف سکونت اختیار کرده اند.

استقرار نفوس در کشور با تاسیس مدنیت‌های بزرگ و شهرهای تاریخی؛ مانند بلخ، مزارشریف، هرات، کندهار، جلال آباد و در وادی‌های سرسبز و کنار دریاها آغاز گردید. قرار احصائیه سال ۱۳۵۹ هـ. ش مجموع نفوس افغانستان تقریباً ۱۵,۹۴ میلیون نفر بود که در سال ۱۳۸۱ هـ. ش به ۲۰,۳ میلیون نفر و در سال ۱۳۹۰ هـ. ش به ۲۷ میلیون نفر افزایش یافت. این افزایش نفوس با در نظر داشت وضعیت حالیه افغانستان نگران کننده می باشد. به اساس احصائیه سازمان ملل متحد، افغانستان کشوری است که بیشتر نفوس آن را کودکان زیر سن هفت تا پانزده ساله تشکیل می دهد.

تراکم نفوس در تمام کشور یک سان نبوده؛ بلکه شرایط اقلیمی، ساختمان اراضی و دیگر عوامل اقتصادی، بشری و سیاسی بالای تمرکز آن تاثیر دارد. در کشور ما تمرکز نفوس در نقاط بلندتر از ۲۵۰۰ متر محدود بوده؛ اما مناطقی که دارای شرایط مساعد اقلیمی، خاک خوب، آب فراوان است، تعداد زیاد مردم در آنجا مسکن گزین شده اند، به همین ترتیب مناطقی که کمتر از ۱۰۰۰ متر ارتفاع دارند، در سراسر کشور شامل مناطق وسیع و هموار می گردند، که زمینه استقرار نفوس را فراهم ساخته است، دریاها به غرض آبیاری زمین‌های زراعتی باعث انکشاف استقرار نفوس و دهکده‌های زراعتی گردیده اند؛ همچنان با در نظر

داشت عوامل فوق در سرزمین‌های حاصل خیز؛ مانند: ننگرهار، لوگر، کاپیسا، لغمان و پروان تعداد زیاد نفوس جابجا شده اند، در حالیکه در دشت‌های سوزان و صحرایی؛ مانند: بکوا و مارگو تعداد نفوس به حد اقل آن میرسد.

- از لحاظ عامل اقتصادی و صنعتی تعدادی از نفوس کشور در مراکز صنعتی زنده گی می کند؛ مثلاً: در اطراف فابریکه نساجی پلخمری، فابریکه قند بغلان و غیره.

- از نظر سیاسی مراکز اداری ولایات و بندرهای تجارتی بیشتر نفوس را به خود جلب نموده است. تراکم نفوس در دهکده‌ها، زمین‌های زراعتی و شهرها متفاوت است، برای محاسبه تراکم نفوس باید تعداد نفوس آن ساحه را بر مساحت آن تقسیم کرد.



فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند هر گروه روی عوامل پُر نفوسی و کم نفوسی مناطق کشور باهم بحث نمایند و نتیجه بحث را نماینده هر گروه به هم صنفانش ارائه نمایند.

سؤال ها



مختصراً جواب دهید:

- ۱- نفوس را تعریف کنید.
- ۲- آیا آب و هوا و خاک خوب در تراکم نفوس تاثیر دارد؟
- ۳- تراکم نفوس در دشت‌های سوزان چه گونه بوده با مثال واضح سازید.
- ۴- کدام ولایات ذیل تراکم نفوس بیشتر را دارند:

الف. کابل، کاپیسا، ننگرهار، لوگر و پروان

ب. تخار، کنر و لغمان

ج. لوگر، میدان وردگ و غزنی

د. دایکنندی، خوست و پکتیا

فعالیت خارج از صنف



در توزیع و تراکم نفوس کدام عوامل شامل است در چند سطر بنویسید.

مهاجر یا Immigrant شخصی است که مسکن و جای بود و باش را تغییر داده از یک واحد اداری به واحد اداری دیگر و یا از مملکت اصلی به کشور بیگانه نقل مکان می نمایند. مهاجرت‌ها در طول تاریخ بشر صورت گرفته و دارای انواع مختلف می باشد.

۱- بیجا شده گان داخلی : عده از افراد در داخل کشور از محل به محل دیگر نقل مکان می کنند؛ مانند: نقل مکان مردم دهات به شهرها، مناطق صنعتی، زراعتی جدید و غیره.

۲- مهاجرت‌های خارجی و برخی دیگری از افراد که با عبور از سرحدات بین المللی صورت می گیرد مهاجرت خارجی می باشد. اکثریت آن‌ها مهاجرت‌های اختیاری بوده که به رضا و رغبت خود برای بدست آوردن دست مزد بیشتر و زنده گی بهتر صورت می گیرد. اما مهاجرت‌های اجباری که به اثر درگیری‌های سیاسی و نظامی، مردم مجبور به مهاجرت می شوند به وقوع می پیوندد. آن‌هایی که در داخل کشور نقل مکان می کنند به نام بیجاه شده گان داخلی یا Internally displaced person یاد می شوند و آن‌های که از سرحدات بین المللی می گذرند به نام پناهنده گان خارجی یاد می شودند؛ مانند : پناهنده گان افغانستان که به کشورهای همسایه و دیگر نقاط جهان مهاجر شدند . در کشور ما مهاجرت‌ها در اثر رویدادهای تاریخی و مشکلات سیاسی ، اجتماعی و حوادث طبیعی صورت گرفته است که انگیزه‌ها و عوامل آن قرار ذیل می باشد:

- مهاجرت‌های سیاسی : وقتی صورت می گیرد که آزادی فکری و عقیدتی افراد تحت فشار قرار گیرد؛ بطور مثال : مهاجرت افغان‌ها که در اثر تهاجم شوروی وقت صورت گرفت و به کشورها و براعظم‌های مختلف جهان مهاجر شدند ، تعداد شان از پنج میلیون نفر تجاوز می کرد.

- مهاجرت‌های اقتصادی : مردم از شهرهای کوچک و دهکده‌ها به شهرهای بزرگ و صنعتی برای دریافت شغل و وظیفه مناسب ، بدست آوردن ثروت و زنده گی مرفه و داشتن حیات مصون، مهاجرت می کنند .

- مهاجرت‌های تاریخی : در زمان‌های قدیم آریایی‌ها از بخدی (بلخ) به سر زمین‌های

اطراف آن الی هند و فارس مهاجرت نمودند، بعداً مهاجرت یونانی‌ها، کوشانی‌ها و مسلمان‌ها یکی بعد دیگر به این سرزمین صورت گرفت.

- مهاجرت‌های که به اثر آفات طبیعی و خشک سالی‌ها صورت گرفته است؛ مثلاً: در سال ۱۳۴۹ هـ. ش. هموطنان عزیز ما به اثر خشک سالی مجبور به ترک محلات و خانه‌های شان شدند که شامل مردم ولایت بادغیس، ارزگان و سطح مرتفع هزارجات می باشد.

- مهاجرت‌های موسمی بین نقاط گرمسیر و سردسیر صورت می گیرد، یعنی مهاجرین در ایام تابستان غرض پرورش مواشی خویش و همچنان به منظور زراعت به نواحی مجاور مهاجرت می نمایند که مهاجرت کوچی‌ها بهترین مثال آن می باشد و یا از قریه‌ها، به چراگاه‌ها میروند که در صفحات شمال بیشتر مروج است.

- مهاجرت‌های شهری: فعلاً مهاجرت‌های بزرگ از دهات به شهرهای بزرگ افغانستان افزایش یافته و باعث تراکم نفوس بیش از حد در شهرها شده که معضله بیکاری و خرابی محیط زیست را بار آورده و شهر کابل مثال برجسته آن است.

اثرات مهاجرت‌ها: مهاجران‌ها خالی از اثرات مثبت و منفی نبوده مهاجرین افغان هم از این اثرات متأثر می‌باشند. آن عبارت اند از:

الف - اثرات منفی مانند:

- تحت نفوذ قرار گرفتن فرهنگ بیگانه

- فرار دانشمندان.

- از دست دادن نیروی جوان (نفوس فعال اقتصادی)

- انتقال سرمایه به خارج کشور

- مبتلا شدن به مرض (HIV)، امراض جلدی، مواد مخدر و غیره.

ب - اثرات مثبت آن عبارت است از:

- مروج ساختن فرهنگ خود بدیگران و آشنا شدن با فرهنگ دیگران.

- نشر زبان خویش و آشنا شدن به زبان‌های دیگران.

- آشنا شدن با تکنالوجی جدید.

- هر مدنیت مولود نتیجه یک مهاجرت است .

فعالیت داخل صنف:



شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند، هر گروه روی یکی از موضوعات ذیل بحث نموده و

نماینده هر گروه معلومات شانرا در صنف ارائه نمایند:

در باره مهاجرت سیاسی ، اقتصادی ، تاریخی ، موسمی و آفات طبیعی بحث کنید.

سؤال ها



مختصراً جواب دهید :

۱- چرا هموطنان ما از قصبات و دهات به شهرها کوچ می کنند؟

۲- اثرات منفی مهاجرت را بیان کنید.

۳- مهاجرت‌های سیاسی او اقتصادی را با هم مقایسه نماید ؟

فعالیت خارج صنف



چرا هموطنان ما به کشورهای دیگر مهاجر شدن در تحت این عنوان مقاله یی نوشته و در

ساعت آینده مضمون جغرافیه برای هم صنفان تان ارائه کنید.

در کشور ما چگونگی نفوس از لحاظ سن ، جنسیت ، فعالیت های اقتصادی (صنعتی ، زراعتی و خدماتی) ، شهری و دهاتی مورد مطالعه قرار می گیرد در سال ۱۳۵۳ هـ ش تذکره های زمان شاهی به جمهوری تغییر داده شد. از سال ۱۳۵۸ هـ ش. به اینطرف کدام سرشماری عمومی نفوس که به سطح کشور باشد صورت نگرفته است؛ بنابراین احصائیه در مورد جابجایی نفوس، ترکیب، میزان رشد و مشخصات اقتصادی و اجتماعی نفوس افغانستان در دسترس نیست؛ اما در سال ۱۳۸۳ هـ ش. چگونگی نفوس از لحاظ ترکیب سن ، جنس ، نفوس شهری، دهاتی و افزایش نسبی نفوس مورد مطالعه قرار گرفت .

جدول ذیل نفوس شهری و دهاتی را از لحاظ ترکیب جنسیت در افغانستان نشان می دهد.

نفوس دهاتی		نفوس شهری		سال
ذکور	اناث	ذکور	اناث	۱۳۸۸
۹۱۲۷۴۰۰	۸۷۵۲۳۰۰	۲۶۵۲۰۰	۲۵۰۳۰۹۰	
۱۷۸۷۹۷۰۰		۵۱۵۹۲۰۰		

در سال ۱۳۸۳ اولویت های کیفیت نفوس از لحاظ جنس احساس گردید. توجه بیشتر در آغاز دهه هشتاد درباره قشر اناث مبذول گردید که سهم فعال آن ها را در تمام عرصه ها به وضاحت دیده میتوانیم.

رشد نسبی نفوس ، افزایش و زیاد شدن افراد کشور را گویند؛ چون در کشور ما در سال ۱۳۸۶ رشد وسطی و عادی نفوس ۲,۰۳ فیصد محاسبه شده است مجموع نفوس افغانستان قرار احصائیه سال ۱۳۵۹ هـ ش. ۱۵,۹۴ میلیون نفر ، در سال ۱۳۸۱ هـ ش ۲۰,۳ میلیون نفر و در سال ۱۳۹۰ هـ ش. به ۲۷ میلیون نفر رسیده است؛ بنابراین آن افزایش نفوس بلند می باشد و تعداد بیشتر نفوس را اطفال تشکیل می دهد . در کشورهای که رشد نفوس آن با رشد اقتصادی و صنعتی آن متناسب نباشد به معضله افزایش اضافی نفوس رو برو می گردند.

نفوس فعال اقتصادی در کشور، بین سنین (۱۵ - ۶۵) سالگی بوده که از آن جمله ۸۰٪ در

بخش زراعت و مالداري مشغول می‌باشند و متبای در بخش‌های صنایع، معادن و خدمات اجتماعی مصروف کار اند. از ۱۵ سالگی کمتر و از ۶۵ سالگی بالاتر نیز نفوس غیر فعال اقتصادی می‌باشند.

معلومات اضافی

سن	۱۳۸۶(۲۰۰۷-۲۰۰۸)			
	مجموع نفوس مسکون			
	ذکور	اناث	مجموع	فیصدی
مجموع	۱۱۷۸۳۶۰۰	۱۱۲۵۵۳۰۰	۲۳۰۳۸۹۰۰	۱۰۰
۰۰-۰۴	۲۱۹۲۶۹۱	۲۳۲۱۸۷۱	۴۵۱۴۵۶۲	۲۰
۰۵-۰۹	۱۷۵۰۷۱۷	۱۶۹۴۹۶۲	۳۴۴۵۶۷۹	۱۵
۱۰-۱۴	۱۳۹۹۴۵۶	۱۲۵۳۶۸۷	۲۶۵۳۱۴۳	۱۱
۱۵-۱۹	۱۱۴۸۴۳۷	۱۰۱۷۴۴۴	۲۱۶۵۸۸۱	۹
۲۰-۲۴	۹۵۶۱۸۶	۹۰۴۷۱۲	۱۸۶۰۸۹۸	۸
۲۵-۲۹	۷۶۰۹۷۲	۷۷۹۷۲۱	۱۵۴۰۶۹۳	۷
۳۰-۳۴	۶۱۰۴۱۸	۶۷۶۸۰۵	۱۲۸۷۲۲۳	۵
۳۵-۳۹	۵۳۹۴۱۳	۵۹۵۲۷۱	۱۱۳۴۶۸۴	۵
۴۰-۴۴	۴۹۴۷۴۳	۴۸۶۵۳۴	۹۸۱۲۷۷	۴
۴۵-۴۹	۴۵۰۲۲۱	۴۰۲۴۶۱	۸۵۲۶۸۲	۴
۵۰-۵۴	۳۹۶۶۸۸	۳۲۳۹۲۵	۷۲۰۶۱۳	۳
۵۵-۵۹	۳۲۸۵۴۸	۲۵۱۶۲۶	۵۸۰۱۷۴	۳
۶۰-۶۴	۲۵۶۲۵۸	۱۹۰۹۰۶	۴۴۷۱۶۴	۲
۶۵+	۴۹۸۸۵۲	۳۵۵۳۷۵	۸۵۴۲۲۷	۴

نوت: نفوس کوچی (۱/۵) میلیون شامل آن نمی باشد. نفوس مسکون شهری و دهاتی به تفکیک ولایات در جدول معلومات اضافی درس تشکیلات اداری مطالعه شود.

فعالیت داخل صنف



هرگروه با استفاده از جدول فوق نفوس فعال و غیر فعال اقتصادی را با تفکیک عمر و فیصدی آن مشخص نمایند و نماینده گروه‌ها معلومات شان را در صنف شرح دهند .

سؤال‌ها



مختصراً توضیح دهید :

۱- رشد نفوس در کشور ما چند فیصد می باشد ، تاثیر آن را بالای فعالیت‌های اقتصادی کشور توضیح نمایید .

۲- چند فیصد نفوس کشور ما مصرف امور زراعت و مالدار می باشد ، چرا ؟

۳- کدام سنین را نفوس فعال اقتصادی گفته می توانیم ؟

فعالیت خارج صنف



تحت عنوان نفوس اضافی و مشکلات ناشی از آن مقاله بنویسید و در درس آینده ساعت جغرافیه به هم‌صنفان خویش ارائه نمایید .



در افغانستان بیش از سی زبان مستقل وجود دارد که در نقاط مختلف مردم با لهجه‌های مختلف به آن تکلم می‌کنند.

اهمیت زبان‌های افغانستان؛ مانند سایر زبان‌های دنیا مربوط به تعداد گوینده گان آن می‌باشد؛ طور مثال زبان‌های پشتو و دری در نقاط وسیعی از کشور عمومیت داشته و مردم با آن تکلم می‌کنند و تقریباً تمام مردم افغانستان آن‌را می‌فهمند، در حالیکه با زبان‌های اورمړی و عربی فقط در چند قریه محدود تکلم صورت می‌گیرد.

زبان هندو آریایی به دو بخش تقسیم می‌شود آریایی (ارانی) و هندو آریایی :

- زبان آریایی به طور عموم در قسمت‌های جنوب غرب، شمال غرب و شمال شرق کشور رواج زیاد دارد و زبان‌های مشهور آن پشتو، دری، بلوچی، اورمړی و زبان پامیری (غرچه) یعنی زبان‌های کوهی می‌باشد.

- در زبان هندو آریایی گوربتی، کلشه یی، تیراهی، سندی و پنجابی شامل می‌باشند. زبان رویدا که یک شاخه میان گروپ هندی و آریایی می‌باشد و زبان‌های کتی، بشکلی، وایگلی،

پرسینی، شکونی، پشه یی، پراچی و نورستانی در آن شامل می شود که بطور عموم مردم نورستان و مردم اطراف آنجا به آن تکلم می کنند.

زبان های دیگر افغانستان ترکی و مغولی می باشد که شامل دو گروپ است: یکی زبان های که به آسیای مرکزی مربوط است؛ مانند: ازبکی، قزاقی و قرغزی و گروپ دوم آن زبان های ترکمنی و آذری را دربر می گیرد.

زبان های پشتو و دری که اکثریت مردم افغانستان به آن آشنایی دارند زبان های رسمی دولت می باشند. در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبان های ازبکی، ترکمنی، پشه یی، نورستانی، بلوچی، گوجری و پامیری تکلم می نمایند، آن زبان علاوه بر پشتو و دری در منطقه به حیث زبان سوم رسمی می باشد.



فعالیت داخل صنف



- شاگردان به گروه ها تقسیم شده هر گروه در مورد یکی از موضوعات زیر باهم بحث نموده یک نفر به نماینده گی از گروه خود موضوع را پیش روی صنف شرح دهد:
- مردم افغانستان به کدام زبان ها صحبت می کنند و کدام زبان ها رسمی می باشند.
 - زبان هندو اروپایی به چند بخش تقسیم شده زبان های مشهور آن را واضح سازید.

سؤال ها



- ۱- زبان پشه یی در کدام مناطق کشور مروج است؟
- ۲- چرا زبان های پشتو و دری زبان های رسمی اند؟
- ۳- کدام زبان ها و به چه دلیل به حیث زبان سوم رسمی اند؟

فعالیت خارج از صنف



مهمترین زبان های افغانستان را به ترتیب در یک جدول بنویسید.

ارتباطات یا Communication شامل مخابرات (برقراری تبادل معلومات، افکار، ارسال و مرسول و اخذ پیام‌ها بین دوساحه) و ترانسپورتیشن یا حمل و نقل (انتقال اموال، مردم و انرژی) از یکجا به جای دیگر می باشد.

راه‌های مواصلاتی منحصیث زیر بنای انکشاف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، کلتوری و اداری جامعه و یک کشور می باشد.

کلیه ضروریات اقتصادی (زراعتی، صنعتی و تجارتی)، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بدون انکشاف و ترقی خطوط مواصلاتی امکان پذیر نیست.

پیشرفت اقتصادی و صنعتی یک جامعه مرفه بستگی تام به پیشرفت و ارتقای خطوط مواصلاتی و وسایط نقلیه همان کشور دارد.

کشورهای روبه انکشاف که مرحله ابتدایی انکشاف اقتصادی و صنعتی را طی می کنند، اولتراز همه باید شرایط مواصلاتی و ترانسپورتی را آماده سازند تا این که وسایل تولیدی، تجارتی، کسب و کار، ترقی و گسترش نماید.

بطور خلاصه در مورد اقتصادی بودن مواصلات میتوان گفت که:

- با استفاده از راه‌های منظم ترانسپورتی قیمت اشیا در بازار تقلیل می یابد.
- در مصرف مواد سوخت صرفه جویی به عمل می آید و اموال تجارتی بدون ضیاع وقت به مارکیت‌ها انتقال می گردد.

- اقوام مختلف با عنعنات همدیگر باخبر می شوند و وحدت ملی کشور تأمین می گردد؛ ضمناً به مناطق مصیبت زده به سرعت رسیده گی صورت گرفته می تواند. قابل یاد آوری است که حمل و نقل در همه ممالک جهان بالای انتخاب جای بودوباش و مسکن مردم، تاسیسات و مراکز صنعتی، دفاتر مرکزی، شرکت‌ها و تعیین موقعیت مارکیت‌ها و مغازه‌ها نیز تاثیر دارد؛ مثلاً: به خاطر جلوگیری از مصارف گزاف ترانسپورتی بعضی از فابریکه‌ها را در نزدیکی مواد خام یا مواد اولیه و بعضی را در نزدیکی بازارهای فروش ایجاد می نمایند.

مخابرات Telecommunication که به معنای تبادل افکار، احساسات و اطلاعات در

بین مردم از طریق نوشته‌ها، صداها، تصاویر و یا هردوی آن‌ها (ویدیویی) انجام می‌شود، اطلاق می‌گردد.

یابه عبارت دیگر مخابرات وسیلهٔ ارائهٔ معلومات، رساندن خبر، احوال، پیام‌های تجارتي، صنعتی، رسمی و شخصی از یک محل به محل دیگر می‌باشد که مناطق مختلف داخلی و خارجی از طریق آن با هم وصل می‌شود. برای ایجاد ارتباطات از انواع مختلف وسایل؛ مانند: اخبار، رادیو، تلگراف، تلیفون، موبایل عادی و مصور، تلویزیون، پُست، فکس، انترنت عادی و مصور استفاده می‌شود، که این همه وسایل سریع ارتباطی از راه دور می‌باشد. در جهان کنونی صوت و تصویر به عنوان جریان الکترونیکی توسط سیم، امواج رادیویی و تلویزیونی تبدیل شده از طریق فضا و امواج نوری توسط فایبرنوری متصل می‌شود. امواج رادیویی و نوری به سرعت ۳۰۰,۰۰۰ کیلومتر فی ثانیه حرکت می‌کند در حالیکه علامت‌های الکترونیکی نیز در همین حدود می‌باشد.

در مورد اهمیت مخابرات قابل ذکر است که این بخش ارتباطات به اصطلاح اعصاب جامعه یاد شده است، از اینکه در جامعه وسیله خوب انتقال و تبادل افکار می‌باشد، در جوامع و کشورهایی که مخابرات آن خوب فعال باشد به این معنا است که اعصاب جامعه خوب کار می‌کند و جامعه نیز پیشرفت خوب نموده است.

نخستین وسیله مخابراتی اختراع تلگراف بود که به اساس اختراع علایم مورس توسط جریان برق به وسیله سیم فرستاده می شدند. امروز تصاویر، مدارک، صداها، تصاویر تلویزیونی، از طریق ارتباطات اقمار مصنوعی، رادیویی و فایبر نوری در کمتر از چند ثانیه به دور دنیا مخابره و انجام می پذیرد.

اقمار مصنوعی فضایی انقلاب بزرگی را در کارهای مخابراتی و ارتباطات پدید آورده که باعث گسترش تکنالوژی؛ مانند: تلیفون همراه (موبایل) تلویزیون و انترنت شده است، در نتیجه جهانی شده (گلوبالیزیشن) مخابراتی تمامی کرهٔ زمین را به حیث یک دهکدهٔ کوچک در آورده است که تماس‌ها زودتر برقرار می‌شود.

فعالیت داخل صنف



شاگردان در گروه‌های مناسب تنظیم شوند، یک گروه اهمیت مواصلات را به حیث زیربنای اقتصادی کشور و گروه دوم رول مخابرات را در انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور مورد بحث قرار داده نتیجه فعالیت‌های شانرا یکی از اعضای گروپ به صنف گزارش دهد؛ معلم صاحب در اخیر نتیجه فعالیت گروپی را با معلومات خویش جمع بندی نماید.

سؤال‌ها



مختصراً جواب دهید:

- ۱- مواصلات شامل کدام بخش‌ها می باشد .
- ۲- رول مواصلات را در انکشاف اقتصادی کشورهای روبه انکشاف توضیح نمایید ؟
- ۳- مخابرات را تعریف نمایید .
- ۴- نخستین وسیله مخابراتی را معرفی نمایید .

فعالیت خارج از صنف



اهمیت مواصلات را در ارتباط انکشاف اقتصادی کشورها در طی چند سطر تحریر و در ساعت آینده مضمون جغرافیه به صنف ارائه نمایید.

حمل و نقل در رفع ضروریات جوامع بشری نقش اساسی داشته و اهمیت زیاد دارد. عواملی که سبب انکشاف حمل و نقل جهانی شده عبارت اند از:

- ازدیاد نفوس: نفوس زیاد، ایجاب ترانسپورت بیشتر را می کند؛ زیرا نفوس جابجا باقی نمانده؛ بلکه برای رفع ضروریات اقتصادی، صحتی، سیاسی، تفریحی و غیره مجبور اند که از وسایل مختلف حمل و نقل استفاده کنند.

- تغییرات و انکشاف در جوامع بشری: در بسیاری ممالک جهان خواسته های مردم بالا رفته و مردم نظر به زمان گذشته، روزانه مصروفیت های زیاد کاری و تفریحی دارند و از ترانسپورت استفاده بیشتر صورت می گیرد.

- رشد اقتصادی: ازدیاد عایدات سبب ازدیاد وسایل ترانسپورتی شده و در ممالک پیشرفته جهان اکثریت مردم موترهای شخصی دارند؛ همچنان حمل و نقل اموال و اجناس نیز بیشتر شده است.

- انکشاف ساحوی: در بعضی از جوامع پیشرفته بشری مردم از ساحه کارشان دورتر زنده گی می کنند که رفت و آمد آنها باعث رشد ترانسپورت گردیده است.

- تجارت جهانی: سبب انکشاف بندرگاه ها، میدان های هوایی، متروها ...

- بهتر شدن خطوط و راه های ترانسپورتی: راه های بهتر، حمل و نقل را آسانتر ساخته است. بسیاری از دولت های جهان کوشش کرده اند که خطوط و راه های ترانسپورتی را توسعه بخشند و آنرا بهتر بسازند، که این کار نیز در ازدیاد حمل و نقل مؤثر تمام شده است.

وسایل حمل و نقل

حمل و نقل زمینی، فضایی و بحری در عصر حاضر که مناسبات و ارتباطات بین ممالک جهان بسیار وسیع شده، توسعه قابل ملاحظه یافته و بسیار انکشاف نموده و در عصر حاضر اموال تجارتی؛ مانند: مواد خام، اشیای صنعتی، حیوانات، مواد غذایی و معدنی همه توسط طیاره، کشتی، موتر، ریل و یک مقدار کمی آن ذریعه حیوانات (قاطر، اسب و مرکب) از یکجا بجای دیگر انتقال داده می شود. قابل یادآوری است که وسایل حمل و نقل در زمان طولانی از یک حالت به حالت دیگر تغییر و انکشاف نموده که به مرحله کنونی رسیده است، ممکن در آینده شکل و نوع تازه اختیار نماید؛ به هر صورت بشر همیشه کوشش نموده وسایلی را

کشف و اختراع نماید که با استعمال و مصرف قوه کم ، مال زیاد را به سرعت از یک جا به جای دیگر انتقال دهد . وسایل حمل و نقل کنونی به سه بخش مهم تقسیم می شود : و سایل زمینی ، و سایل فضایی و وسایل بحری .

۱- وسایل حمل و نقل در خشکه

اولین وسیله حمل و نقل انسان از حیوانات اهلی آغاز می یابد . چینیایی ها که دارای مدنیت باستانی و قدیمی بودند از لحاظ سرک سازی هم پیشقدم از دیگران اند؛ چنانچه در حدود ۲۷۰۰ ق.م. آن ها سرک های را برای اتصال شهرها و قراء احداث کرده بودند .

در زمان امپراتوری رومی ها در غرب سرک های منظم احداث گردید . بعد از اختراع موتر و خط آهن این مسئله خیلی اهمیت پیدا کرد . در ابتدا سرک ها بصورت خامه و هموار ساخته شده و سپس به شکل نسبتاً محذب در آمده و در فرش و ساختمان آن از خشت و سنگ کار گرفته شد تا این که در اخیر قرن نژده ایالات متحده امریکا از قیر در امور سرک سازی کار گرفت فعلاً در بعض موارد در مناطق بسیار گرم از کانکریت نیز استفاده می شود تا خوبتر مقاومت داشته باشد .

اهمیت سرک در عصر موجوده به حدی است که نمیتوان از آن چشم پوشید . تمام ممالک کوچک و بزرگ می کوشند و ضع موصلات خود را بهتر و خوبتر سازند و به طول جاده های موجوده خود بیفزایند.

موتر

برای اولین بار در ۱۸۷۰ م. موتری که ذریعه ماشین بخار حرکت می کرد ، توسط امیدی بولی Amidee Bollee انگلیسی در انگلستان بکار انداخته شد ، بعداً پیوجیوت peugeot فرانسوی در ۱۸۹۱ م. اولین موتر پترولی را اختراع کرد؛ ازینرو تا ۱۹۱۰ م. فرانسه در صنعت موتر سازی مقام اول را حائز بود.

خطوط آهن

راه آهن که به اصطلاح ماشین (لوکوموتیف یا خط ریل) نیز یاد می شود که یک سلسله واگون ها را در عقب خود بالای دو خط موازی فولادی به حرکت می آورد . خط آهن با رویکار آمدن ماشین بخار به میان آمده است و لوکوموتیف های اولی توسط زغال سنگ

به حرکت می افتاد . در حال حاضر یک قسمت اعظم آن توسط قوه برق حرکت کرده و فعالیت می نماید؛ ازینکه یک لوکوموتیف می تواند که یک تعداد زیاد واگون ها را با مال و مسافر حمل و نقل می دهد اهمیت زیاد دارد. بزرگترین خط آهن در روسیه احداث شد و ممالک اروپایی، امریکایی، افریقایی و آسیایی از آن در انتقال اموال و انسان ها استفاده اعظمی می کنند.

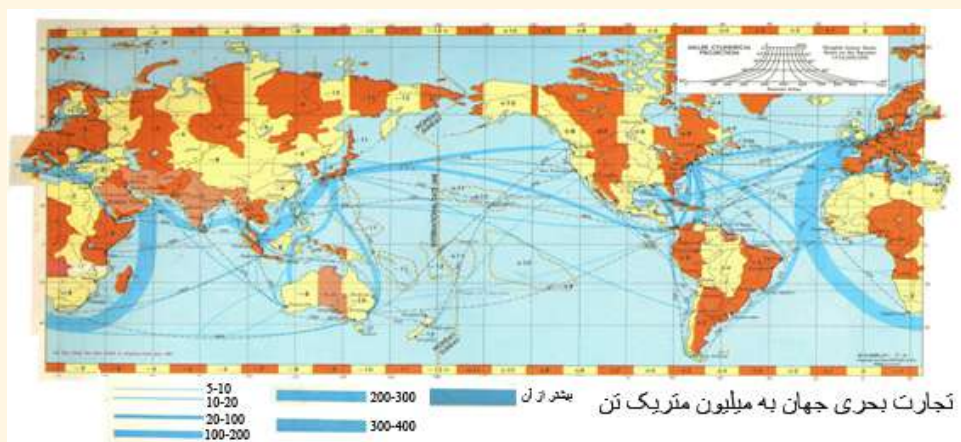
۲- ترانسپورت بحری

تا زمانیکه ماشین بخار و انقلاب صنعتی به میان نیامده بود انسان در امر انتقال، موتر، طیاره، ریل و غیره را نمی شناخت، برای انتقالات از حیوانات و بعداً از کشتی ها استفاده می نمودند و از آن در امر انتقال اموال تجارتی، سفر و سیاحت کار می گرفتند؛ لذا گفته می توانیم آن چه که اولتر از هر وسیله دیگر استفاده انسان در حمل و نقل قرار گرفته کشتی های (رشپیل دار و بعداً بادبان دار) آب می باشد. در ابتدا به سبب بعضی موانع و مشکلات آن ها نمی توانستند از سواحل دورتر در ابحار استفاده نمایند؛ اما زمانیکه مسلمان ها قطب نما را از چینای ها یاد گرفتند و بعداً اروپائیان را به آن آشنا ساختند، آن ها از قطب نما در کشتی رانی ها استفاده نمودند، در حقیقت این دومین گامی بود که انسان در امور بحری و کشتی رانی به پیش گذاشت. با اختراع ماشین بخار توسط جیمز وات Gems Watt انگلیسی در آخر قرن ۱۸ م. و استفاده از آن در عرصه صنعت تحول چشم گیری به وقوع پیوست، همزمان به آن صنعت کشتی سازی نیز تغییر و تحول نمود و در کشتی های بادبان دار نیز ماشین نصب گردید که توسط قوه بخار و زغال سنگ حرکت می نمود. استفاده از ماشین بخار در کشتی رانی ظرفیت، طاقت و سرعت آن ها را افزایش قابل ملاحظه بخشید.

تعداد از دریا های جهان به طور طبیعی آماده کشتی رانی اند؛ مانند: دریای تایمز در انگلستان که از شهر لندن می گذرد. بسیاری از دریاها به واسطه کانال ها با دریا های مشابه خود یکجا ساخته شده و قابل کشتی رانی می باشد؛ ولی تا هنوز دریا های وجود دارد که قابل کشتی رانی نمی باشد. این دریاها بسیار سیلابی و طوفانی هستند، مجرا و مسیر آن ها دارای سنگ و ریگ می باشد و یا به علت قلت و کم بودن آب و یا هم به دلیل دور بودن از مراکز تجمع

نفوس قابل استفاده کشتی رانی نمی باشد. کشتی ها برای اهداف مختلف ساخته می شود؛ مانند:

- پیک بوت Paque boats این نوع کشتی ها برای مسافرت انسان تخصیص داده شده است . کارگو Cargo این نوع کشتی ها برای حمل و نقل اموال تخصص داده شده است و کارگوها هم انواع مختلف دارند؛ مانند: کارگو برای حمل میوه ، کارگو برای حمل زغال ، کارگو برای حمل گوشت و مواد خوراکی با یخچال های بزرگ ، کارگوی نفت کش و غیره
- کشتی های مکس Mext این نوع کشتی در عین زمان به حمل اموال و نقل مسافران هر دو می پردازند .



راه های بحری دنیا الف - راه های اوقیانوس اطلس

چون در غرب و شرق این بحر دو منطقه بزرگ صنعتی و مواد خام که عبارت از : اروپا ، افریقا ، امریکای شمالی و جنوبی است قرار دارد؛ لذا از لحاظ بحر پیمایی مقام اول را در بین ابحار حائز است . راه های متعدد برای ارتباط این سه قاره از آن می گذرد و بزرگترین بنادر بحری جهان در سواحل این بحر بنا یافته اند؛ مانند: نیویارک و چارلستون در ایالات متحده امریکا ، بونس ایرس در ارجنتاین ، سائوپاولو در برازیل ... امستردم در هالیند، بوردوکس و لوهاور در فرانسه ...

ب - راه‌های بحر هند

بحر هند از طریق کانال سوئز و هم از طریق جنوب آفریقا بالای خط سیر رفت و آمد یک عده از کشتی‌های تجارتی قرار دارد و در سواحل این بحر نیز بنادر بزرگ دول آسیایی و آفریقای قرار دارد؛ مانند: دارلسلام در تانزانیا، مومباسا در کینا، کپتاون در آفریقای جنوبی، کراچی در پاکستان، بمبئی در هند و غیره.

ج - راه‌های بحر الکاهل

این راه امریکای شمالی و جنوبی مخصوصاً در اتصال اضلاع متحده امریکا را با جاپان، فلپین، استرالیا، زیلاند جدید، تایوان و ممالک جنوب شرق آسیا اهمیت خاص دارد؛ همچنین جزایر هاوایی به حیث پنجاهمین ایالت اضلاع متحده امریکا و وجود هزارها جزیره در قسمت شرق و جنوب شرق آسیا و اطراف استرالیا، به بحرپیمایی اهمیت خاص می‌دهد و بنادر متعدد در سواحل آن اعمار گردیده؛ مانند: لاس‌انجلس و سانفرانسسکو در ایالات متحده امریکا، سدنی و ملبورن در استرالیا، شانگهای در چین و غیره.

بحیره مدیترانه چون بین اروپا، آفریقا و آسیا قرار دارد، بحر هند و بحر اطلس را با کشتی‌ها وصل می‌کند؛ مخصوصاً بعد از افتتاح کانال سوئز در رفت و آمد کشتی‌ها اهمیت فوق العاده کسب نموده است.

بحیره بالتیک نیز تا اندازه‌ی از لحاظ کشتی رانی قابل اهمیت است.

در بحر منجمد شمالی و جنوبی به غرض تجارت و حمل و نقل اموال بحرپیمایی صورت نمی‌گیرد؛ تنها از لحاظ کشفیات علمی بامشکلات زیاد کشتی‌های مخصوص میتوانند در این مناطق سرد حرکت کنند.

ترانسپورت هوایی

اگر چه در میان وسایل نقلیه طیاره خیلی تازه گی دارد؛ اما با آنهم نظریه توجه خاصی که درین راه مبذول شده حقیقتاً پیشرفت قابل ملاحظه کرده است که نظیر آنرا در دیگر موارد نمیتوان سراغ کرد.

طیاره نه تنها در مسائل اقتصادی و تجارتی نقش مهم دارد، بلکه مسائل حربی و سیاسی را نیز تحت تاثیر قرار داده است. طیاره‌ها به واسطه سرعت عمل، آسایش و انتظام در حرکت خود تفوق و برتری خود را نسبت به دیگر وسایل نقلیه به اثبات رسانیده است. در انتخاب یک وسیله ترانسپورتی عوامل مختلف از قبیل: قیمت بار نمودن، تخلیه نمودن، فاصله، اندازه اموال، وزن و غیره اهمیت دارد. در سابق در انتخاب ترانسپورت قیمت انتقال ترانسپورت زیاد رول داشت حالا انتقال مطمئن، جنسیت اموال و قیمت ترانسپورت رول دارد.

مشکلات حمل و نقل: شبکه‌های حمل و نقل وسیع سبب پرابلم‌های زیاد نیز گردیده که بعضی از این مشکلات و پرابلم‌ها عبارت اند از:

- ۱- آلوده ساختن محیط زیست: وسایل ترانسپورتی توسط دود و گازهای آلوده؛ مانند: CO، CO₂، Nitrogen dioxide گرد و خاک فضا را آلوده ساخته، سبب تعفن و تولید صداهای دلخراش و اذیت در محیط زیست می‌شوند.
- ۲- تأخیر و به وقت نرسیدن مسافران و اموال به اساس تراکم و ازدیاد وسایل ترانسپورتی در راه‌ها و نیز بعضی اوقات سبب مسدود شدن راه هم می‌گردند.
- ۳- اشغال زمین‌های مزروعی توسط خطوط و راه‌های ترانسپورتی.
- ۴- آلوده گی آب بحر در اثر ریزش نفت، پترول ... از کشتی‌های بزرگ.

فعالیت داخل صنف



شاگردان درباره اهمیت حمل و نقل، سهولت‌های آن و مشکلاتی که توسط ترانسپورت به میان می‌آید، بحث نمایند و نماینده گروه آن‌را به هم‌صنفان بیان نمایند.

سؤال ها



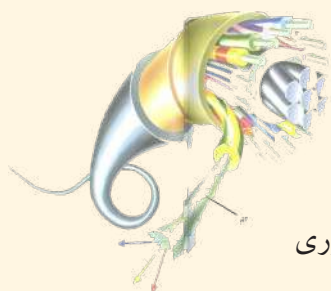
مختصراً جواب دهید :

- ۱- کدام عوامل سبب انکشاف حمل و نقل جهانی شده، توضیح نمایید.
- ۲- حمل و نقل با وجود آن که در زنده گی ما از اهمیت خاص برخوردار است، سبب کدام مشکلات نیز می شود؟
- ۳- خطوط آهن دارای چه اهمیت اقتصادی می باشد ؟
- ۴- از ترانسپورت هوایی بیشتر برای انتقال کدام نوع اموال استفاده می شود .

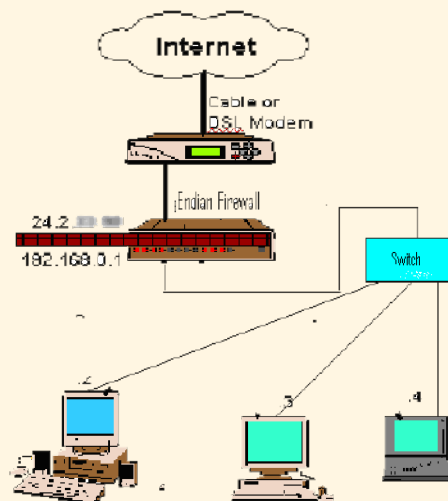
فعالیت خارج از صنف



راجع به اهمیت ترانسپورت زمینی و هوایی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و کلتوری کشور چندسطر تحریر و در ساعت آینده مضمون جغرافیه به هم صنفان خویش قرائت نمایند.



فایبر نوری



آیا به موضوع جهانی شدن آشنا هستید؟

نکشاف در عرصه‌های مختلف علوم؛ مانند: مخابرات به خصوص معلومات از اقمار مصنوعی، رادار و انترنیت و مانند آن جهان، را نظر با سابق بیشتر با هم نزدیک تر ساخته و روابط کشورها را مستحکمتر گردانیده است.

معلومات از راه دور Remote Sensing در بخشهای تجارت، صنعت، فرهنگ و حمل و نقل زمینی، هوایی و بحری انتقال اموال را از یک کشور به کشور دیگر و از یک ساحه به ساحه دیگر سهل تر و آسانتر ساخته است؛ ازینرو جهانی شدن کلیه مسائل را خاصاً در بخش جغرافیه با به میان آمدن مخابرات الکترونیکی و ارتباطات اقمار مصنوعی جنبه حقیقی خود را اختیار کرد و تسهیلات قابل ملاحظه را در عرصه‌های مختلف جغرافیایی فراهم ساخت و به این اساس جهان را در یک مقیاس بزرگ به حیث خانه مشترک انسان‌ها قرار داد.

بنابر انکشاف ساینس و تکنالوژی، سفر انسان به فضا، موجودیت ایستگاه‌های فضایی و اقمار مصنوعی به اطراف زمین، انسان توانست که ارتباطات خویش را در عرصه‌های مختلف با همدیگر نزدیک و نزدیک تر سازد؛ مثلاً: به کمک اقمار مصنوعی از کابل به نیویارک، کانادا و... دورترین نقاط جهان بدون در نظر داشت فاصله مکانی به اسرع وقت تماس برقرار کرده می‌تواند، علاوه بر آن در عرصه تجارت، امور بانکی، داد و ستد اسعار، امور فرهنگی، ترانسپورتی، انرژی و امور نظامی تمام مناطق جهان در تحت معلومات و پوشش می‌آید؛ بناءً در بعد زمان و مکان فاصله‌های تماس کوتاه و نزدیک شده است که مفهوم Globalization یا جهانی شدن را افاده می‌کند.

انکشاف ارتباطات یا (Telecommunication) مانند رادارهای پیشرفته، تلفون‌ها، موبایل، انترنت، فکس و سیستم‌های قمر مصنوعی کشورهای جهان را در مناطق مختلف باهم بیشتر وصل گردانیده فواصلی که قبلاً در جهان بین کشورها وجود داشت از میان برداشته شد.

انکشاف سریع وسایل ارتباطی و اطلاعاتی؛ مانند: فکس Fax، کامپیوتر Computer، انترنت Internet، تلفون Telephone، تلویزیون (T.V) و غیره زمینه خوبی را برای نزدیک شدن کشورها مساعد ساخت.

این پروسه انتقالی توسط تسهیلات فایبرهای نوری Electronic Fiber یا الکترونیکی آسان تر ساخته شده، معاملات را در فاصله هزاران کیلومتر را در چند ثانیه تنظیم می‌کند؛

.....

فعالیت داخل صنف



شاگردان عزیز میتوانند بعد از تقسیم شدن به سه گروه درباره اهمیت سه وسیله مهم ارتباطی

جهانی؛ مانند: رادیو، تلویزیون و تلفون بحث کنند و نتیجه را نمایند؛ گروه به هم صنفان بیان نماید و معلم صاحب با معلومات خود نتیجه فعالیت را جمع بندی نماید.

سؤال ها



از جمله چهار جواب جواب صحیح آن را انتخاب کنید.

۱- تلفون برای اهداف ذیل بکار میرود:

الف. تبادل اجناس

ب. تحویل گیری متاع تجارتي

ج. تأمین ارتباط بین افراد و موسسات

د. هیچکدام

جمله را تکمیل کنید:

۲- انترنت وسیله () در جهان است.

مختصراً جواب دهید:

۳- مفهوم Globalization را توضیح دهید .

۴- وسایل پیشرفته ارتباط جمعی امروزی را نام بگیرید.

فعالیت خارج از صنف



وسایل ارتباطی کدام مفاهیم را افاده می کند و ارزش آن ها در کدام مسایل است؟ لطفاً آن را در کتابچه های تان درج کنید و فردا با خود به صنف بیاورید.

الف - پُست Post

از زمان‌های قدیم سیستم پستی در جهان وجود داشت در کشورهای جهان؛ مانند: چین، مصر، یونان و امپراتوری روم قدیم با استفاده از حیوانات و پرنده گان خط و پیام را انتقال می دادند .

با به میان آمدن مشاغل مختلف در سکتور اقتصادی به وسیله خدمات پُستی نیازمندی‌های شان از طریق ارتباطات مرفوع می گردید. تشکیلات پُستی در آن وقت نیمه دولتی بوده که این حالت تا پایان قرون وسطی ادامه داشت؛ اما این حالت به مرور زمان تغییر نموده به اثر تقاضای روز افزون پُست رونق خوب یافت.

همچنان در عهد امپراتوری امویان و عباسیان سیستم پُستی را یج گردید و آن را بهترین وسیله امنیت شهرها و کشورها می دانستند .

خالد برمکی در عهد هارون الرشید به حیث متصدی پُستی امپراتوری مقرر گردید که به نام (البرید) معروف بود .

اختراع ماشین چاپ، تعمیم و گسترش سواد ، رشد تعلیمات ابتدایی در کشورهای مختلف، کشف قاره‌های جدید، کثرت وسایل و وسایط حمل و نقل زمینه رفت و آمد مردم را هر چه بیشتر مساعد ساخته و مراودات میان آن‌ها را توسعه داده که در نتیجه باعث رشد ارتباطات گردید.

در قرن شانزدهم میلادی پُست از قلمرو محدود کشورها پافراتر گذاشت و به همت (فرانسواتاکسی) برای اولین بار سرویس پُستی به وجود آمد و چندین کشور در اروپا بین خویش به تبادل اقلام پُستی که صرف مکاتیب را احتوا می نمود پرداختند.

در قرن هجدهم پُست ابعاد و سیعتری کسب کرد و توانست منحیث وسیله ارتباطی قابل اعتبار به دسترس مردم قرار گیرد. کشورها با عقد موافقتنامه‌های دو جانبه با یکدیگر به تبادل پُستی سراسری اقدام نمودند اتحادیه پُست جهانی برای اولین بار در بین کلیه کشورهای متمدن در سال ۱۸۶۸م. توسط هانری طرح گردید و بعداً در ۱۵ سپتمبر سال ۱۸۷۴ در شهر برن به

اشتراک نماینده گان ۲۱ کشور عضو طی کنفرانس منعقد به امضای یک معاهده به نام معاهده برن یاد می شود پایان یافت. بعداً با شمولیت کشورهای متعدد به معاهده برن اتحادیه عمومی پست به نام اتحادیه پستی جهانی مسمی گردید و در سال ۱۹۹۶ تعداد کشورهای عضو به ۱۸۹ کشور رسید.

ب - تلفون و موبایل Telephone & Mobile

تلفون Telephone و موبایل Mobile از وسایل مهم ارتباط جمعی در تکنالوژی عصری به شمار می روند. برای اولین بار گرام هابل Graham Bell تلفون ابتدایی را اختراع نمود، که در حیات بشر گام بزرگ بوده و سپس تلفون بی سیم اختراع شد، که در سال ۱۸۹۷ م. اولین پیام به واسطه گگلیمو مارکونی Gugilemo Marcone از اروپا به آن سوی بحر اطلس مخابره گردید. این آزمایش نشان داد که ارتباطات با استفاده از امواج رادیویی غیر ممکن نیست، این عمل آغاز ارسال پیام شفاهی است از یک شخص به شخص دیگری ذریعۀ یک ماشین کوچک. اختراع ترانزستور Transistor در سال ۱۹۴۷ م. سهولت های زیاد مخابره یی را در جهان به وجود آورد. از تاریخچه مختصر Mobile Radio Communication چنین می یابیم که پروگرام خدمات انفرادی مخابره یی در حیات اجتماعی بیشتر سبب پیشرفت ارتباطات شده است.

تلفون بی سیم که نام لاتین آن سیلولر Cellular است عبارت از نوع تلفون پیشرفته تر بوده رابطه دو نفر را برقرار می سازد و در هر جای قابل انتقال می باشد، کلمه Cellular از کلمه Cell یا حجره گرفته شده است که نظر به اهداف مشخص ساحۀ بزرگ یا کوچک را تحت پوشش موبایل قرار می دهد، که این موضوع به ظرفیت کمپنی تعلق دارد و ساحۀ معین را در بر می گیرد.

ج - فکس (Fax): عبارت از تکنالوژی جدید است که در سال ۱۹۲۴ م. ذریعۀ ریچارد اچ رنجر Rechar H. Ringer اختراع گردید و اولین پیام را ذریعۀ آن از نیویارک به لندن ارسال نمود. فکس (Fax) از رسانه های ارتباط جمعی است که پیام های شخصی و رسمی، معاملات تجارتي، حقوقی، صنعتی و غیره را طور تحریری بصورت فوری به فاصله های دور

و نزدیک در وقت کم می‌رساند.

در سال ۱۹۷۰ م. تغییرات بهتر در ساختمان ماشین و اجزای آن رونما گردید، فکس (Fax) وسیله انتقال پیام‌های تحریری است، که پیام‌ها و گزارشات به روی کاغذ داخل ماشین گردیده به جای مطلوب در مدت چند ثانیه می‌رسد. فکس (Fax) وسیلهٔ تخنیکی است که ذریعه آن اطلاعات و اسناد (Documents) بطور تحریری به حیث یک سند انتقال می‌دهد.

د - اینترنت و ایمیل Internet & E.mail (Computer)

کامپیوتر در نیمهٔ قرن نهم مورد استفاده قرار گرفت. سرانجام با کشف ماشین دیجیتال (Digital) ذریعه ویلیم شاکلی باعث انکشاف بیشتر کامپیوتر شد. اینترنت (Internet) پروگرام خاص کامپیوتر است که توسط یک شبکه علیحده به کامپیوتر وصل می‌گردد و دارای پروگرام‌های مختلفی بوده که نه تنها پیام‌ها را انتقال می‌دهد؛ بلکه تصاویر، متون علمی و سایر معلومات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره را از طریق کامپیوتر به اشخاص مورد نظر به کمک اینترنت انتقال می‌دهد. هر شخص و هر موسسه می‌تواند سایت‌های مشخص خود را به آدرس‌های جداگانه باز نماید و آن را مورد استفاده قرار دهد.

اینترنت Internet یک سیستم تنظیم شده است که در تکنالوژی کنونی بشر به حیث منبع خوب و سریع در انتقال اطلاعات، معلومات و پیام‌ها به کار می‌رود.

مجموعهٔ اسناد (Documents) که از طریق اینترنت شامل کامپیوتر ساخته شده است، بعد از پرنٹ (Print) یا چاپ شدن به دست می‌آید. اینترنت بهترین وسیله ارتباطی است که همه کشورها جهان شامل این پروگرام می‌باشد. قبل از ۱۹۶۰ م. ذریعه اینترنت هیچ نوع تسهیلات وجود نداشت. اولین دیپارتمنتی که ذریعه ماشین کامپیوتر وسیله ارتباطی مخابراتی را مهیا ساخت مرکز تحقیقات نظامی (DOD) در ایالات متحده امریکا بود. در سال ۱۹۶۷ م. موسسه ماشینری کامپیوتر (ACM) یا دفتر (ARPA) ایالات متحده امریکا ماشین کوچک را ساختند که معلومات را از یک کامپیوتر به کامپیوتر دیگر انتقال می‌داد. انتقال پیام از یک کامپیوتر به کامپیوتر دیگر به وسیلهٔ داخل کردن پیام‌ها (Interface Message Processor) صورت می‌گیرد.

پوهنتون کالیفرنیا (California) و لاس انجلس توانستند که در سال ۱۹۶۹ م. توسط (Internet) رابطه را با پوهنتون یوتا (Utah) برقرار نمایند. پروگرام اینترنت در سال ۱۹۷۲ م.

به سطح جهانی آغاز بکار نمود.

انترنت Internet رابطه ماهواره‌ای و فایبر نوری دارد و اکثر پیام‌ها و معلومات زراعتی، اقتصادی و غیره را بصورت دقیق از زمین اخذ و دوباره به مرکز مربوطه مخابره می‌کند. ای-میل یا (Electronic Mail) نیز از جمله تکنالوژی جدید است، که در ارسال پیام‌های تجارتي، صنعتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و انفرادی وظایف عمده را انجام می‌دهد و ارتباط فوری ذریعه همین ماشین در فواصل دور و نزدیک به زودی تامین شده می‌تواند. مخفف آن E-mail است که به نام پوسته الکترونیکی نیز یاد می‌شود.

ه - شبکه‌های اقمار مصنوعی Satellite Network

آیا درباره قمر مصنوعی معلومات دارید؟

خدمات مخابراتی اقمار مصنوعی از طریق کمپیوتر و تيلفون عملی می‌گردد که به نام سیلور تيلفون یا Cellular Phone یا (cell) معروف است. سیستم مخابراتی اقمار مصنوعی عبارت از سیستم مغلق و پیچیده تکنالوژی جدید است که از فضا به زمین اطلاعات را ارسال می‌کند. پیام‌های که از فضا به زمین می‌رسد به نام (Down Link) و پیامی که از زمین به فضا ارسال می‌گردد (Up Link) یاد می‌شوند.

اَقمار مصنوعی در فضاء طور عمود، مایل یا موازی به خط استوا در مدارهای معین و بیضوی به دور زمین قرار داده می‌شود؛ بعضی از اَقمار مصنوعی از زمین در یک نقطه معین نگاهداشته می‌شود که این حالت به نام جیوستشنری Geo stationary یاد می‌شود.

همه مسایل مخابراتی از طریق اَقمار مصنوعی تنظیم می‌گردد؛ مانند: رادیو، تلویزیون و غیره که اَقمارهای زیاد در فضا برای ارسال پیام‌ها و امواج رادیویی فعالیت می‌کنند و در سراسر جهان امواج مشخص رادیویی را انتقال می‌دهد، در برخی امور دیگر مخابراتی؛ مانند: بخش نظامی، استخباراتی و غیره نیز فعالیت دارند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروه‌های مناسب تقسیم شده هر گروه درباره تسهیلات پُست ، فکس ، اینترنت و ایمیل راجع به خدمات شبکهٔ اقمار مصنوعی بحث نموده و نتایج بحث را نمایندهٔ گروه در صنف بیان کنند.

سؤال ها



جا‌های خالی جمله‌ها را به کلمات مناسب تکمیل کنید :

۱- به همت اولین بار سرویس پستی بین کشورها بوجود آمد.

۲- فکس توسط اختراع شد .

۳- همه مسایل مخابراتی توسط و تنظیم می‌شود .
مختصراً جواب دهید:

۴- موارد استعمال فکس را بیان کنید.

۵- اینترنت چه گونه وسیله است .

جواب صحیح را انتخاب نمایید:

۱- مخترع تلیفون کدام یک از اشخاص ذیل اند:

الف. گراهامبل ب. انتونی ج. ماریا د. گگلیمو مارکونی

۲- سیلولر Cellular عبارت است از:

الف. ساحه بزرگ یا کوچک مخابراتی است که تحت پوشش آورده است.

ب. ساحه انترنتی است ج. ساحه تلیفون انالوگ است د. هیچکدام

فعالیت خارج صنف



شاگردان راجع به یکی از وسایل مخابراتی که در حیات روز مره انسان‌ها اهمیت بیشتر دارد مقاله بنویسید.

فصل سوم

جغرافیای بشری جهان

نفوس جهان

درس سیزدهم



آیا میدانید که بیشترین نفوس در کدام قسمت‌های جهان متمرکز گردیده است.

نفوس جهان به سرعت در حال افزایش است؛ زیرا تعداد افرادی که به دنیا می‌آید (تولدهات Birth Rate) نسبت به آن افرادی که از دنیا می‌روند (وفیات Death Rate) بیشتر است.

در اوایل قرن بیست این افزایش نفوس ۱۰ میلیون در سال، در اوسط این قرن ۳۵ - ۴۰ میلیون نفر در سال و حالا به ۶۰ تا ۶۵ میلیون نفر در سال افزایش می‌یابد.

تعداد نفوس جهان به اساس احصائیه ملل متحد

(معلومات اضافی)

سال	تعداد مجموع نفوس کره زمین
۱۹۰۰ م	۱,۶۱۷ میلیارد نفر
۱۹۴۰ م	۲,۲۵۲ // //
۱۹۶۰ م	۲,۹۸۲ // //
۱۹۷۰ م	۳,۶۱۰ // //
۱۹۷۹ م	۴,۳۳۶ // //
۲۰۱۰ م	۶,۸۰۰ // //
۲۰۱۶ م	۷ // //

از مطالعه جدول فوق نتیجه گرفته می شود که تعداد نفوس در ۵۰ سال اخیر به سرعت افزایش یافته است.

این افزایش نفوس مربوط به دو علت می شود:

- افزایش طبیعی نفوس

- افزایش میخانیکی نفوس

الف - افزایش طبیعی نفوس Natural Increase: افزایش طبیعی نفوس نتیجه

افزایش تولدات و تقلیل وفیات است؛ بطور مثال: اگر در یک کشور تولدات ۴۰ در هزار نفر و وفیات ۲۰ در هزار نفر باشد افزایش نفوس با ضریب فوق العاده زیاد صورت می گیرد.

افزایش نفوس به عوامل زیادی ارتباط دارد، که مهمترین آن در یک کشور عوامل اجتماعی، اقتصادی، کلتوری و صحتی می باشد؛ به خصوص رشد و انکشاف طب و قایوی و معالجوی بر افزایش نفوس تاثیر قابل ملاحظه دارد که از یک طرف باعث تقلیل وفیات و از جانب دیگر باعث طول اوسط عمر می گردد؛ اما این افزایش نفوس در تمام کشورهای جهان یکسان نیست. ما میتوانیم این همه را به دو بخش تقسیم نماییم: افزایش نوع اول خاصه کشورهای پیشرفته سرمایه داری، امریکای شمالی، اروپایی و کشورهای چین و روسیه می باشد. خصوصیت آن حد اقل تولدات بوده و دیگر هم در حالت کم شدن می باشد عوامل آن قرار ذیل است:

۱- در کشورهای پیشرفته نفوس شهری اکثریت دارد، واضح است که تولدات در خانواده های شهری نسبت به دهاتی کمتر می باشد.

۲- در این کشورها زنان به کارهای اجتماعی جلب و جذب گردیده معمولاً زنانی که کارهای بیرون از خانه دارند نسبت به زنانی که کار نمی کنند کمتر اطفال دارند.

در کشورهای پیشرفته تعداد تولدات و وفیات کمتر می باشد. افزایش طبیعی نفوس در هر صد نفر (۵،۰ - ۱) یا در هر هزار نفر (۵ - ۱۰) می باشد، گاهی هم از این رقم نیز کمتر می شود. این افزایش کمتر مشخصه کشورهای پیشرفته می باشد.

افزایش نفوس نوع دوم خاصه کشورهای روبه انکشاف؛ مثل: کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین می باشد و آن عبارت از افزایش سریع تولدات است. که به عوامل آتی الذکر ارتباط دارد:

سطح پایین رشد اقتصادی، موجودیت زراعت ابتدایی، بیسوادی، نبود حفظ الصحه برای اکثریت مردم، تابعیت زنان در جامعه از فرهنگ عنعنه یی و نکاح قبل از وقت آن‌ها و غیره.

در کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین به سبب بهبود خدمات صحی و تقلیل در وفیات افزایش بیشتر نفوس را بوجود آورده است. توام بر آن با نگهداشت افزایش بیشتر تعداد تولدات افزایش طبیعی نفوس نیز سریعتر می گردد که این افزایش نفوس بین ۲٪ تا ۳٪ در حال تغییر بوده که در هر هزار نفر ۲۰ تا ۳۰ نفر افزایش می یابد. این افزایش بیشتر خاصه کشورهای عقب مانده می باشد.

کودکان و نوجوانان تا سنین (۱۵ ساله و کهن سالان بیشتر از ۶۵ ساله) معمولاً نفوس غیر فعال اقتصادی می باشند.

$$\text{وفیات - تولدات} \\ \text{کل نفوس} \times 100 = \text{رشد طبیعی نفوس}$$

ب - افزایش میخانیکی نفوس Mechanical Increase

توام با افزایش طبیعی نفوس حرکت میخانیکی نفوس (مهاجرت‌ها) نیز در افزایش تعداد نفوس تاثیر قابل ملاحظه دارد.

مهاجرت‌های داخلی تنها باعث تمرکز دوباره نفوس یک محل می گردد و در تعداد نفوس کشور کدام تغییر به عمل نمی آید؛ اما مهاجرت‌های خارجی در تعداد نفوس تاثیر مهم دارد؛ اگر تعداد مهاجرت‌ها از خارج به داخل کشور به نسبت مهاجرت خارج کشور بیشتر باشد افزایش میخانیکی نفوس صورت می گیرد و بر عکس آن سبب تقلیل نفوس می گردد. در رشد مطلق نفوس یک کشور باید بر علاوه تولدات و وفیات مهاجرت‌ها نیز محاسبه شود.

رشد مطلق نفوس = تولدات - وفیات + مهاجرت‌ها به داخل کشور

رشد مطلق نفوس = تولدات - وفیات - مهاجرت‌ها به خارج کشور

این افزایش بی حد (طبیعی و یا میخانیکی) نفوس باعث به میان آمدن نفوس اضافی (Population Over) می گردد. این اصطلاح زمانی استعمال می گردد که در یک منطقه از امکانات منابع موجود آن بیشتر نفوس سکونت اختیار نماید یا از اهداف تعیین شده اجتماعی بیشتر گردد؛ گاهی ممکن تعداد نفوس مناسب باشد اما توزیع نامناسب صورت گیرد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروه‌های مناسب تقسیم شوند و جدول ذیل را کاپی نموده، برای سؤالات زیر جدول جواب تهیه نماید و نماینده گروه آن را به هم‌صنفان خویش ارائه کند.

کشورها	نفوس درفی کیلومتر مربع	تولدات در هزار نفر	وفیات در هزار نفر	رشد طبیعی نفوس در هزار نفر	رشد نفوس به فیصدی
برازیل	۱۸	۲۶	۸	۱۸	۱,۸
ایتوپی (حبشه)	۴۷	۴۹	۱۹		
جاپان	۲۳۰	۱۲	۸	۴	۰,۴
عربستان سعودی	۸	۳۶	۵		
آلمان	۲۲۹	۱۱	۱۲		
کنیا	۴۷	۴۳	۱۰		
ایالات متحده امریکا	۲۳۹	۱۴	۹	۳۳	۳,۳
فرانسه	۱۰۶	۱۳	۱۰		
بنگله دیش	۷۹۱	۴۱	۱۴		

الف: میزان رشد طبیعی نفوس را در کشورهای ی که روبروی آن دایره ترسیم شده محاسبه کنید و در دایره بنویسید.

ب: میزان رشد طبیعی همه کشورها را به فیصد نیز محاسبه کنید و مطابق این مثال خانه خالی‌ها

را تکمیل کنید.

مثلاً: در کشور برازیل رشد طبیعی نفوس در هزار نفر از فارمول ذیل استفاده می کنیم .

وفیات - تولیدات = رشد طبیعی نفوس

$$۲۶-۸=۱۸$$

و برای تعیین فیصدی آن از تناسب ذیل استفاده می کنیم.

$$۱۰۰۰=۱۸$$

$$۱۰۰ = X$$

$$X = \frac{۱۸ \times ۱۰۰}{۱۰۰۰} = ۱.۸$$

در هر صد نفر ۱٫۸ نفر می شود .

ج: آیا میتوانید کشورهای مذکور را به رشد نفوس کمتر و زیاد تقسیم کنید ؟

سؤال ها



مختصراً جواب دهید.

۱- کدام عوامل باعث رشد سریع طبیعی نفوس در کشورهای روبه انکشاف می شود؟

۲- کدام عوامل باعث رشد بطنی نفوس در کشورهای پیشرفته جهان می گردد؟

۳- کدام عوامل سبب رشد اضافی نفوس یک کشور می گردد؟

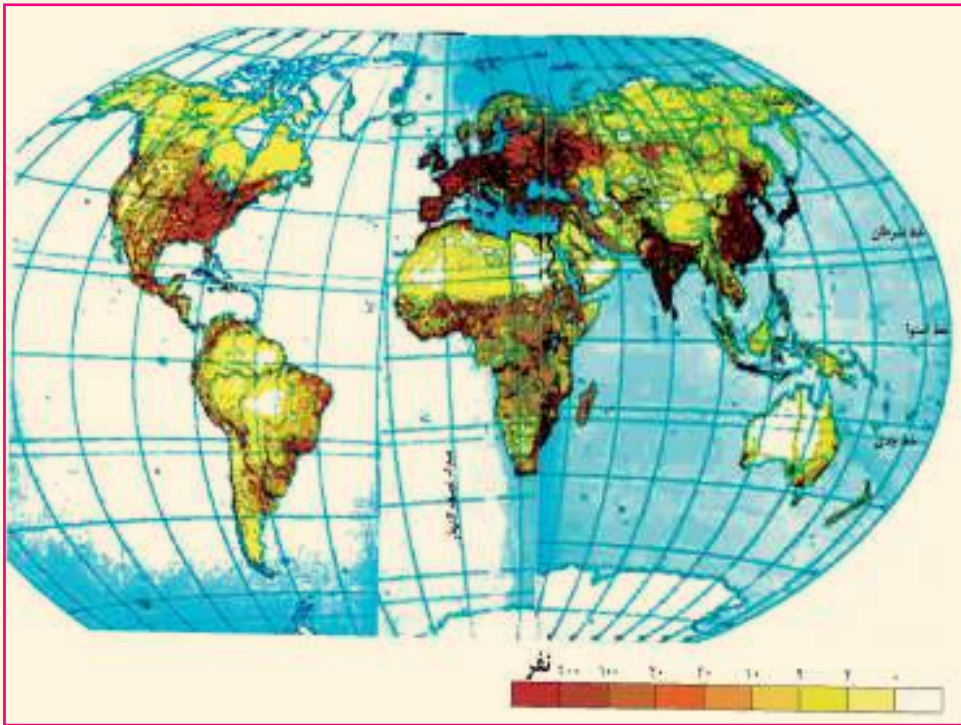
۴- هدف از اصطلاح نفوس اضافی چیست؟ واضح سازید.

فعالیت خارج از صنف



برای سؤالات ذیل جواب تهیه نموده و در ساعت آینده جغرافیه به هم صنفان خویش ارائه نمایید.

آیا نفوس کشور ما سریعاً افزایش می نماید؟ اگر این افزایش همین گونه ادامه داشته باشد، چه مشکلات را به وجود خواهد آورد؟



ایامیدانید نفوس در کره زمین چه گونه تقسیم شده است ؟

نقشه پراکندگی نفوس فوق را با دقت مطالعه نمایید و بگویید که بیشترین و کمترین نفوس در کدام قسمت‌های جهان مسکون شده است؟ چرا؟

تراکم نفوس عبارت از تعداد افراد ساکن در یک واحد سطح زمین است و برای محاسبه تراکم نفوس باید تعداد نفوس آن ساحه را بر مساحت آن تقسیم کرد.

تعداد نفوس جهان در سال ۲۰۱۱ م. به ۷ میلیارد نفر می رسید که به روی زمین زنده گی می کردند. این تعداد نفوس در تمام جهان مساویانه پراکنده نگردیده؛ زیرا شرایط اقلیمی، ساختمان اراضی و دیگر عوامل اقتصادی، بشری و سیاسی بالای تمرکز نفوس تاثیر بارز دارد. مانند: مناطق صحرایی و دشتی (سرزمین‌های گرم و سوزان که آب کافی نداشته باشد)، سرزمین‌های مرتفع ناهموار و سرد، سلسله کوه‌ها، جبه زارها، جنگلات انبوه مرطوب، هوای گرم و مرطوب استوایی، هوای سرد قطبی، دوری از سواحل و راه‌های حمل و نقل و غیره کمتر

توجه نفوس را بخود جلب نموده است. حتی در بعض مناطق به فاصله صدها کیلومتر دورتر نیز نشانی از انسان‌ها به نظر نمی‌رسد؛ مثلاً: در قطبین و نواحی صحرایی در حالیکه در مناطق دیگر کره زمین؛ بنابر شرایط خوب اقلیمی (آب و هوای معتدل و بارنده گی کافی)، موقعیت مناسب جغرافیایی، زمین‌های هموار و حاصل خیز، آب کافی، سواحل دریاها و بخرها، بنادر، صنایع، معادن و اطراف راه‌های ارتباطی بیشترین نفوس را بخود جلب نموده اند، در بعض جاها بیشتر از هزار نفر در یک کیلومتر مربع زنده گی می‌کنند به این ترتیب تمرکز نفوس در یک منطقه نتیجه عوامل فیزیکی، اقتصادی، سیاسی و بشری است که تاثیر این عوامل را میتوان مختصراً ذکر نمود:

- عوامل فیزیکی؛ مانند: موقعیت جغرافیایی، سرزمین‌های مرتفع، شرایط اقلیمی، آب و غیره را روی تمام کره زمین برای همیشه مشاهده کرده می‌توانیم که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر طرزاستفاده از منابع کره زمین تاثیراندازد. این عوامل باعث تراکم بیشتر نفوس یا برعکس کم نفوسی منطقه می‌گردد.

- عوامل اقتصادی: بر منابع طبیعی و فعالیت‌های بشری متکی است و آن عبارت از: معادن، آب، انواع خاک، نباتات، حیوانات، موجودیت سرمایه و تکنالوژی جدید، بوجود آمدن شرایط کار، صنایع و غیره بالای تراکم نفوس تاثیر بیشتر دارد؛ یعنی بین توسعه صنعتی و تمرکز نفوس ارتباط مستقیم موجود است. در هر جای که بخش صنعت و بعداً خدمات وابسته به آن پدید می‌آید نفوس بیشتر به آن مکان جذب می‌شود. قابل یادآوری است که تا قرن ۱۸ میلادی زراعت و عوامل مربوطه به آن (آب، خاک و اقلیم) نقش تعیین کننده داشت؛ مانند: وادی دریای نیل در کشور مصر و غیره.

اقتصاد کشور ما تا هنوز به زراعت متکی است و قسمت اعظم نفوس از این راه امرار حیات می‌کنند.

- در بخش عوامل سیاسی میتوان به فیصله‌های حکومتی و تشکیل مراکز اداری اشاره نمود. اگر دولت به بعضی قسمت‌های کشور در تطبیق پلان‌های انکشافی خود به سرمایه گذاری،

ایجاد کارها یا امکانات خدماتی و فعالیت‌های صحی توجه نه نماید، تراکم نفوس در آن مناطق کمتر می‌باشد.

- عوامل بشری : موقعیت سرزمین‌های دور افتاده ، که راه‌های حمل و نقل و وسایل ارتباطی در دست ندارند، مردم در آن سرزمین به شکل پراکنده زنده گی می‌کند. قسمت‌های داخلی قاره‌ها که از دریاها و ابحار دورتر واقع شده نیز نسبت به مناطق ساحلی نظر به امکانات تجارتي محدود دارای نفوس کمتر می‌باشد.

با در نظر داشت عوامل ذکر شده ، مناطق پرنفوس جهان Densely populated region را میتوان در سه منطقه مشخص نمود:

منطقه اول پرنفوس

در جنوب قاره آسیا (پاکستان، هند و بنگله دیش) قسمت‌های جنوب شرقی (اندونیزیا) و شرقی آسیا (شرق کشور چین، جزیره نمای کوریا و جاپان) می‌باشد که در کشورهای این منطقه تراکم اوسط نفوس در یک کیلومتر مربع بیشتر از صد نفر می‌باشد و در بعض مناطق استثنایی آن‌ها به بیش از ۱۵۰۰ نفر در یک کیلومتر مربع میرسد. که علت آن عبارت از آب و هوای موسمی، شرایط خوب زراعتی از جمله (برنج) و افزایش طبیعی نفوس می‌باشد.

منطقه دوم

در قاره اروپا در دوره سرمایه داری بوجود آمده در بعض کشورهای این منطقه تراکم اوسط نفوس در یک کیلومتر مربع از ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر می‌رسد؛ همچنان در مناطق صنعتی تراکم نفوس در یک کیلومتر مربع از ۵۰۰ تا به ۱۰۰۰ نفر نیز بالا می‌رود که بیشتر آن‌ها در سواحل دریاها، بنادر و اطراف مراکز صنعتی و نواحی مساعد زراعتی زنده گی دارند.

منطقه سوم

پرنفوس قسمت‌های شمال شرقی ایالات متحده امریکا (نیو انگلیند، نیویارک، پنسلوانیا و اطراف جھیل‌های پنجگانه) و جنوب شرق کانادا می‌باشد که علت آن فعالیت‌های تجارتي و صنعتی است .

فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروپ‌های مناسب تقسیم شود، بامشوره هم جدول‌های آتی را کاپی و تکمیل نمایند و نماینده گروپ آن‌را به هم‌صنفان خود ارائه نماید.

علل	موقعیت	مناطق نفوس جهان
	جمهوری مردم چین و کشور هندستان	
	اروپای شمال غربی	
	شمال شرق ایالات متحده امریکا و جنوب شرق امریکا	مناطق کم نفوس
	در کوه‌های همالیا	
	در جنگلات امازون	
	جزیره گرینلند	

در جدول ذیل تراکم اوسط نفوس را در کشورهای مالتا ، بنگله دیش و استرالیا محاسبه کنید

شماره	نام کشور	مساحت کشور به کیلومتر مربع	نفوس کشور	تراکم نفوس در فی کیلومتر مربع
۱	سنگاپور	۶۴۷	۴,۳۵۳,۸۹۳	۶۷۲۹,۳
۲	مالت	۳۱۶	۳۹۶,۸۵۱	
۳	بحرین	۶۶۸	۶۷۷,۸۸۶	۱۰۱۴
۴	بنگله دیش	۱۴۷۵۷۰	۱۴۱,۳۴۰,۴۷۶	
۵	مغولستان	۱۵۶۵۰۰۰	۲۷۵۱۳۱۴	۱,۷
۶	استرالیا	۷۶۸۶۸۵۰	۱۹۹۱۳۱۴۴	
۷	کانادا	۹۹۷۰۶۱۰	۳۲۵۰۷۸۷۴	۲,۳



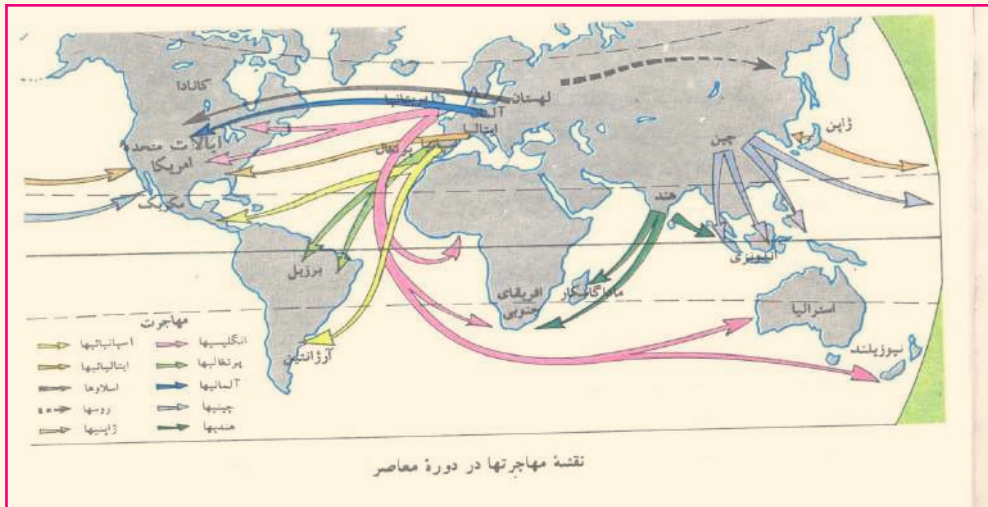
مختصراً جواب دهید:

- ۱- علت پرنفوس بودن کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا را بیان نمایید.
- ۲- چرا در شمال غرب اروپا نسبت به دیگر قسمت‌های اروپایی مناطق پرنفوس تشکیل شده است؟
- ۳- کدام مناطق امریکای شمالی پرنفوس می باشد؟ علت آن را بیان کنید؟.
- ۴- پرنفوس ترین کشورهای آسیا را نام ببرید .
- ۵- چرا در تمام قسمت کره زمین نفوس مساویانه تقسیم نگردیده است؟ علت آن را توضیح نمایید.
- ۶- کدام عوامل سیاسی بیشتر بر تراکم نفوس تاثیر دارد؟



سؤال ذیل را حل نموده و در ساعت آینده جغرافیه به هم‌صنفان ارائه نمایید.

اگر صنف شما ۶ متر طول و ۴ متر عرض داشته باشد و تعداد شاگردان ۶۰ نفر باشد. لطفاً تراکم نفوس را در یک مترمربع صنف تان محاسبه نمایید، از نظر شما تعداد مناسب شاگردان صنف باید چند نفر باشد؟ چرا؟



چرا مردم علاقمند مهاجرت به خارج از کشور شان می شوند ؟

مهاجرت‌ها علل مختلف دارد که میتوان بخشی از آن را یاد آور شویم.

۱- عوامل طبیعی: که موجب مهاجرت می گردد؛ مانند: کم شدن آب در منطقه، نامطلوب شدن شرایط آب و هوا، ضعیف شدن خاک یا آفات طبیعی؛ مانند: زلزله، سیل، طوفان‌های بحری خشکسالی و غیره.

۲- عوامل اقتصادی: اساسی ترین عامل مهاجرت می باشد؛ مانند: مهاجرت مردمان دهات به شهر که در طول تاریخ عملی شده، حالا این مهاجرت خاصه کشورهای روبه انکشاف می باشد و علت مهم این مهاجرت در کشورهای روبه انکشاف عامل اقتصادی است، عایدات کم مردم دهات که تنها نیازمندی‌های اولیه آن‌ها را رفع نمی تواند و توان فعالیت‌های اقتصادی را در دهات نیز ندارند، از طرف دیگر به علت رشد طبیعی نفوس، در دهات زمین و آب برای فعالیت‌های اقتصادی همه ساکنان دهات کافی نمی باشد. ماشینی شدن زراعت نیز باعث بیکاری عده زیادی دهاقین گردیده که مجبور به مهاجرت می شوند.

این مهاجرین که اکثریت آن‌ها را جوانان تشکیل می دهد در شهر شغل خود را از دهقانی به غیر دهقانی تبدیل می کنند. در شهرها نیز این مهاجرین شغلی را که به دست می آورند

ضروریات شانرا کفایت نمی کند.

مهاجرت اقتصادی نوع دیگر به اثر توسعه زمین‌های زراعتی، پروژه‌های آبیاری شده جدید، مناطق صنعتی، استخراج معادن و فعالیت‌های تجارتي یا برعکس به اثر در آمد کم خانواده‌ها، بیکاری تعطیل شدن معادن و یا کارخانه‌ها صورت می گیرد.

۳- مهاجرت سیاسی: این اصطلاح بیشتر برای پناهنده گان سیاسی استعمال می شود. اصطلاح پناهنده به کسی اطلاق می شود که بنابر عوامل مختلف از قبیله، جنگ، دهشت، تعقیب و پیگرد سیاسی، عقیدتی و مذهبی، تعلقات به گروپ‌های اجتماعی و اقلیت‌های قومی، کشور اصلی خویش را ترک گفته و از کشور دیگری تقاضای پناهنده گی می نمایند.

۴- مهاجرت‌های مذهبی: این مهاجرت‌ها به اثر قیودات یا وضع محدودیت‌ها بر اجرای مراسم مذهبی و دیگر مسائل اجتماعی و فرهنگی صورت می گیرد که مثال خوب آن بعد از تقسیم نیم قاره هند به دو کشور هند و پاکستان در ۱۹۴۷ میلادی است که در نتیجه آن میلیون‌ها خانواده پیرو دین هندو از سرزمین پاکستان به هندوستان و بالمقابل میلیون‌ها خانواده مسلمان از هندوستان به پاکستان به رضا و رغبت خود مهاجرت کردند.

مهاجرت‌های آریایی از محل بودباش شان به سمت‌های شرق، جنوب، غرب و یا مهاجرت‌های مردمان آسیای شرقی به قاره امریکا و همچنین مهاجرت‌های بین المللی، در نتیجه اکتشافات بزرگ جغرافیایی از قرن ۱۵م. وسعت پذیرفته و منجر به مهاجرت‌های اروپاییان به سایر نقاط جهان گردید. آن زمان در طول یک ونیم قرن ۷۰ میلیون نفر اروپایی مهاجر شدند تا از سرمایه خویش در دنیای جدید استفاده کنند و به تجارت پردازند، در نتیجه قاره امریکا و اقیانوسیه پر نفوس شد. مثال خوب آن کشورهای امریکای شمالی اند که ۹۵٪ نفوس آن‌را مهاجرین اروپایی و ۲٪ آن‌را سیاه پوستان افریقایی تشکیل می دهد.

از دیاد نفوس و بحران اقتصادی در اروپا در طول قرن ۱۹م. موجب مهاجرت‌ها شده که به اثر آن بار سنگین نفوس متراکم اضافی اروپا را کمتر ساخت، تنها در کشور انگلستان از ۱۸۱۵م. تا ۱۹۲۰م. ۱۷ میلیون نفر اقدام به مهاجرت نموده اند. این مهاجرت‌ها دو جنبه

داشت، مهاجرت دایمی و مهاجرت کارکنان اداری، مبلغین مذهبی که جنبه مؤقتی داشت از ترکیب این دو نوع مهاجرین، امپراتوری بریتانیا به وجود آمده که بعداً این مهاجرت‌های بی حد تبدیل به معضله جهانی گردید و کشورها را مجبور ساخت تا مقرراتی را برای پذیرفتن مهاجرین وضع کنند. کانگرس ایالات متحده آمریکا غرض جلوگیری مهاجرین در سال ۱۹۲۴ م. قانونی را به نام مهاجرت تصویب کرد. این قانون برای ورود مهاجرین به آمریکا و تعدادی که از کشورهای مختلف میتوانند وارد آمریکا شوند مقررات خاص وضع کرد. قانون متذکره بیشتر از مهاجرین نژاد زرد جاپانی و چینیایی جلوگیری می‌کرد و بعداً در مورد سایر کشورها نیز عملی شد. طبق این مقررره مهاجرین باید سرمایه خویش را نیز با خود داشته باشند و آنها می‌توانستند بعد از پنج سال اقامت تابعیت آمریکا را حاصل کنند و یا خارج شوند.

حالا برعکس بیشترین مهاجرت‌های بین المللی از کشورهای جهان سوم به کشورهای پیشرفته صنعتی صورت می‌گیرد که علت اساسی آن عامل اقتصادی و سیاسی می‌باشد. از جانب دیگر به اثر رشد روز افزون نفوس طبیعی، بیکاری و غیره مشکلات مجبوراند به شهرها و کشورهای خارجی مهاجرت کنند. چون آنها اسناد قانونی مهاجرت کردن را در دست ندارند؛ بنا بر آن از راه‌های غیر قانونی و قاچاقی استفاده کرده با قبول مشکلات و حتی با قبول خطر مرگ خود را به کشور مورد نظر می‌رسانند. این مهاجرین نفوس فعال اقتصادی (۶۵-۱۵ سالگی) کشورها را تشکیل می‌دهد چون یک تعداد آنها کارت مهاجرت و جواز رسمی کار کردن و مهارت به خصوص کارگری را ندارند؛ بناءً با معاش ناچیز و در محیط نا سالم و دور از نظارت دولتی به کارهای شاقه و غیر صحی می‌پردازند.

قابل یادآوری است که یک تعداد از کشورهای پیشرفته سرمایه داری به سبب کنترل رشد طبیعی نفوس به کمبود قوای بشری نیز مواجه هستند که غرض رفع این مشکل تعدادی از کارگران مهاجر را از راه قانونی می‌پذیرند.

در اروپای غربی در حدود ۱۱ میلیون کارگر مهاجر کار می‌کنند، از نظر پذیرش کارگران مهاجر آلمان در مقام اول و سپس انگلستان، فرانسه، سوئیس و کشورهای اسکاندیناوی قرار

دارد.

کشورهای اروپای غربی در سال‌های اخیر به احساس کم شدن مهاجرت‌های کارگران موسمی کشورهای همسایه (ایتالیا، پرتغال و هسپانیه) متوجه کارگران کشورهای اروپای جنوب شرقی، ترکیه، جزایر انتیل و آفریقا شدند. آلمانی‌ها معمولاً از کارگران مهاجر ترکی و یونان، فرانسوی‌ها از کارگران مهاجر شمال آفریقا و انگلستان از کارگران کشورهای مشترک المنافع استفاده می‌کنند. در کشور ایالات متحده آمریکا از کارگران موسمی مکزیکو نیز استفاده می‌شود.

همچنین مهاجرت‌ها از کشورهای پیشرفته سرمایه داری اروپا به کشورهای روبه انکشاف نیز صورت می‌گیرد، سرمایه آن‌ها مهارت کاری آن‌ها بوده که در کشورهای شان حاصل کرده اند.

تعداد این مهاجرین سالانه تقریباً به ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار افراد اروپایی می‌رسد که برای جستجوی کار و زنده گی بهتر کشورهای شانرا ترک می‌گویند و دست به مهاجرت‌های بین القاره یی می‌زنند. سرزمین‌های جدید این مهاجرین را با درهای باز با امکانات فراوان و زنده گی بهتر می‌پذیرند.

مهاجرین خارجی به کشورهای که مهاجرت می‌کنند سبب افزایش و از کشورهای که مهاجرت می‌کنند سبب کمبود نفوس می‌گردد. همه مهاجرین کشورهای روبه انکشاف را نفوس جوان و فعال اقتصادی تشکیل می‌دهند به اثر این مهاجرت‌ها نفوس فعال اقتصادی کشورهای روبه انکشاف کاهش می‌یابد که در نتیجه سبب رکود اقتصادی می‌گردد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروه‌های مناسب تقسیم شوند، در مورد موضوعات ذیل باهم مباحثه کرده و نتیجه مباحثه خویش را توسط نماینده گروه به هم‌صنفان ارائه نمایند:

۱- کدام عوامل نامساعد یک کشور، باشندگان آن‌را مجبور به ترک وطن می‌سازد؟ این معضله را در کشور خود مورد ارزیابی قرار دهید.

- ۲- کدام عوامل مساعد باعث جذب مهاجرین می گردد؟ بیشترین مهاجرت‌ها از کشور ما به کدام کشورها صورت گرفته است، چرا؟
- ۳- شما برای کاهش و جلوگیری مهاجرت‌ها از دهات به شهرها و یا به خارج از کشور چه پیشنهاد می کنید.
- ۴- تاثیر مهاجرت‌های خارجی را بر اقتصاد و نفوس کشور مورد بررسی قرار دهید.
- ۵- شرایط مهاجرین کشورهای روبه انکشاف را به مهاجرین کشورهای پیشرفته سرمایه داری مقایسه نمایید.

سؤال‌ها



- ۱- کدام عوامل سبب جذب مهاجرین می گردد؟
- ۲- کدام عوامل باعث دفع مهاجرین می گردد؟
- ۳- بعد از اکتشافات بزرگ جغرافیایی کدام قاره‌ها بیشترین مهاجرین را جذب نموده است؟
- ۴- چرا کانگرس ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۲۴م. قانونی را برای ورود مهاجرین وضع کرد؟
- ۵- کدام عوامل باعث مهاجرت‌های بین المللی از کشورهای جهان سوم به کشورهای پیشرفته صنعتی گردیده است؟
- ۶- کدام نوع مهاجرت‌ها را قانونی و کدام مهاجرت‌ها را غیر قانونی گفته می‌توانیم؟

فعالیت خارج از صنف



کدام عوامل باعث ازدیاد مهاجرت‌های داخلی و خارجی در کشور ما گردیده است، تحت این مطلب مقاله تحلیلی تحریر و در ساعت آینده مضمون جغرافیه به هم صنفان خویش ارائه نمایید.

چند نوع نژاد را می شناسید؟

نژاد عبارت از گروهی از افرادی هستند که از نظر چهره ظاهری، رنگ جلد، موی، علایم فارقه و خصوصیات ارثی مشترک باشند.

تمام افراد جهان به سه نژاد تقسیم گردیده اند که عبارت اند: از نژاد سفید یا اروپایی، نژاد زرد یا مغولی، نژاد سیاه یا استوایی. هر یک از نژادهای ذکر شده دارای مشخصات ارثی خاصی هستند؛ مانند: شکل و رنگ موها، رنگ پوست، ساختمان چشم، بینی، جمجمه و خصوصیات دیگر.

- نژاد سفید دارای قد بلند، پوست سفید، بینی بلند، موی خرمایی و شکل مخصوص چشمان باز دارند.

- نژاد زرد پوست زرد گونه، موی سیاه و صاف، ریش کم، سر مدور، چشم بادامی، بینی کوتاه، قد کوتاه و نسبتاً چاق می باشد.

- نژاد سیاه یا مایل به نسواری دارای، بینی پهن، مویهای مجعد و لبهای ضخیم می باشد.

نژاد مختلط یا دو رگه در نتیجه مهاجرت ها و ازدواج های بین نژادهای فوق الذکر به وجود آمده؛ مانند: نژاد مولات و سامبو.

- سرخ پوستان اصلاً از نژاد زرد پوستان می باشند؛ اما به اساس عقاید مذهبی شان روی و موی خود را خینه می کنند به همین سبب به نام سرخ پوستان شهرت یافته اند.

نژاد به اثر تطابق با شرایط گوناگون محیط طبیعی، اقلیمی و مواد غذایی که بالای زنده گی بشری تاثیر وارد نموده تشکیل شده است. شرایط طبیعی ذکر شده بالای نژادهای جداگانه تاثیر می نماید؛ بطور مثال در جاهای که سیاه پوستان زنده گی دارند شعاع آفتاب عمود به زمین بوده و گرمی هوا بسیار زیاد است. آفتاب بالای پوست باشندگان آن مناطق تاثیر مستقیم نموده و این حرارت بیش از حد به انسان ها زیان می رساند؛ به همین سبب جسم (اورگانیزم) باشندگان کشورهای گرم با گذشت هزاران سال به گرمی بیش از ضرورت توافق نموده و

در نتیجه آن ماده نسجی سیاه رنگ در پوست شان تجمع می نماید، این ماده نسجی (میلانین Melanin) لایه رنگی اپیدرمس Epidermis پوست حاوی حجراتی است که رنگ جلد را می سازد و دارای رنگ‌های زرد، نسواری، سرخ و حتی سیاه می‌باشد، مردمی که پوست شان میلانین بیشتر دارد رنگ پوست شان تاریک تر می باشد. این ماده مانع نفوذ شعاع آفتاب می گردد و پوست را از شعاع آفتاب زده گی (سوختاندن) نگاه می کند، با گذشت زمان درین گروپ سیاهی پوست میراثی گردیده است. موهای درشت و مجعد جمجمه شان را از گرمی زیاد نگاه می دارد.

مردم نژاد سفید پوست بیشتر در مناطق معتدله شمال زنده گی می کنند در مناطق معتدله جاهای که بارنده گی رطوبت و ابر الودی زیاد باشد و مردم آن از نور بیشتر آفتاب مستفید نه گردد. در وجود آن‌ها ماده نسجی میلانین تنها در فصل تابستان افزایش می یابد؛ یعنی زمانی که بدن انسان به اثر نور آفتاب مقدار مورد ضرورت ویتامین دی (D) را جذب می نمایند در آن صورت انسان سفید پوست به گندمی رنگ مبدل می شود.

در جاهاییکه زرد پوستان زنده گی می کنند در آنجا معمولاً باد و طوفان‌ها می وزد که با خود خاک و ریگ میده را انتقال می دهند و با گذشت سالهای متمادی به این بادهای و طوفان‌ها توافق نموده و چشم‌های مردم زرد پوست تنگ تر گردیده به علت اینکه در مقابل خاک و ریگ نگهداری شود. این نشانی در بین مردم زرد پوست ارثی گردیده است و غذای روزمره اکثریت آن‌ها را برنج تشکیل می دهد که مواد غذایی کمتر دارد. تمام نژادها از نظر استعداد و ذکاوت کدام فرقی ندارد چهره ظاهری آن‌ها طوریکه ذکر شد محصول شرایط طبیعی و محیطی است.

در سال ۱۹۶۵م. مجمع عمومی سازمان ملل متحد معاهده بین المللی را درباره ازمین بردن تمام انواع تبعیض نژادی به تصویب رسانید که به اساس آن نشر هر نوع نظریات که بر مبنای امتیازات نژادی استوار باشد منع شده هر نوع کوشش را برای توهین و تبعیض نژادی جنایت می دانند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروپ‌های مناسب تقسیم شوند و هر گروپ روی موضوعات ذیل باهم بحث نمایند و نتیجه بحث خود را توسط نماینده گروپ به هم‌صنفان خویش ارائه کنند.

- ۱- چرا نژاد سیاه دارای جلد سیاه و چهره ظاهری به خصوص است؟
- ۲- سرخ پوستان در کدام قاره جهان سکونت داشته و علت سرخی چهره شانرا توضیح دارید؟

۳- نژاد مختلط چه گونه به وجود آمده است؟

سؤال‌ها



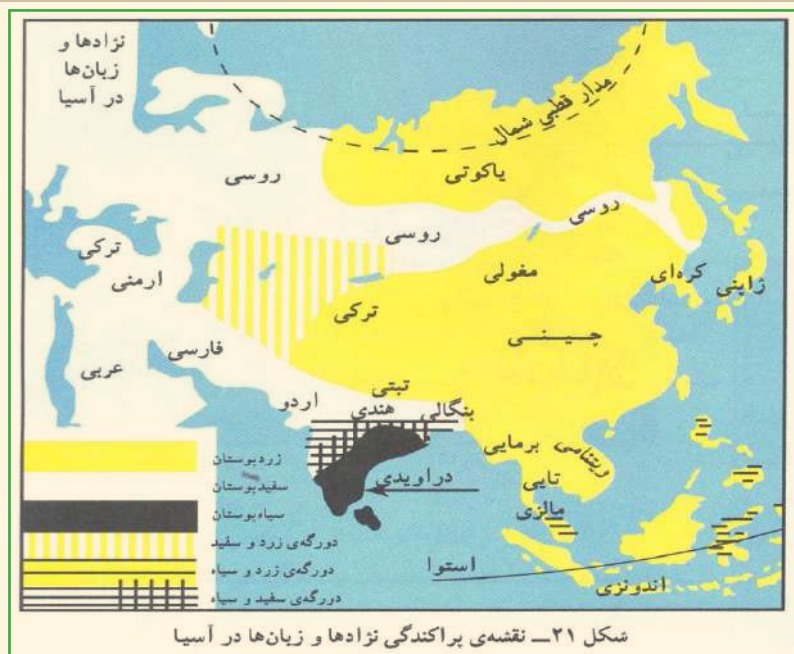
مختصراً جواب دهید.

- ۱- مشخصات ظاهری سیاه پوستان را بیان کنید؟
- ۲- سرخ پوستان به کدام نژاد متعلق می باشند؟
جواب صحیح را به (ص) و جواب غلط را با حرف (غ) نشان دهید ..
- ۱- نژاد سفید دارای قد بلند، پوست سفید ، بینی بلند، موی‌های سیاه موجدار می باشند.
- ۲- نژادها محصول شرایط گوناگون محیط طبیعی، اقلیمی و مواد غذایی می باشد.

فعالیت خارج صنف



موضوع ذیل را تحلیل نموده در ساعت آینده جغرافیه به صنف ارائه نمایید.
مردم کشور ما از کدام نژادها متشکل گردیده است .



شکل ۲۱- نقشه‌ی پراکندگی نژادها و زبان‌ها در آسیا

* گروه‌های نژادی قاره آسیا

الف - نژاد زرد: تعداد مردم این نژاد نسبت به دیگران اکثریت نفوس براعظم آسیا را تشکیل می‌دهند، مغل‌ها، تبتی‌ها، سامویدها، ترکمن‌ها، قرغزها، مردم چین شمالی، کوریا با کمی تفاوت دارای همین خصوصیات نژادی هستند، مردم جنوب شرق آسیا (چین جنوبی، کامبوج، لاوس، تایلند، میانمار و ویتنام) حتی جاپانی‌ها که رنگ پوست روشن دارند جزء این نژاد محسوب می‌شوند. بعضی دسته‌های فرعی آن در مناطق تندرا و جنگلات تایگا (سوزن برگ) سایبریای شمالی به شکل گروه‌های چند هزار نفری زنده گی می‌کنند.

ب - نژاد سفید: محل واقعی بود و باش سفیدپوستان در غرب سلسله کوه‌های همالیه و همچنان در نیم قاره هند است. افغان‌ها، ایرانی‌ها، بلوچ‌ها، قفقازی‌ها و روس‌ها بهترین معرف نژاد سفید می‌باشند همچنان مردم سامی در عربستان، سوریه، اردن، اسرائیل بخشی از ترکیه و کردستان سکونت دارند نیز از نژاد سفید گندمی رنگ می‌باشند.

ج - نژاد سیاه پوست: در مناطق استوایی سکونت دارد که نژاد شناسان آن را نگریتو (Negritos)

می گویند، این سیاه بوستان تیره رنگ بوده و موهای مجعد دارند، نمونه خالص آن در سیلون، در جنوب کوه همالیا در هندوستان، شبه جزیره مالاکا، جزایر اندیمان و نیکوبار پراکنده شده اند این مردم به حالت نیمه ابتدایی زنده گی می کنند و بیشتر آن ها در جنگلات بسر می برند.

* گروه های نژادی قاره اروپا



ساکنان اروپا تقریباً همه سفید پوست هستند و به گروه های شمالی، شرقی، آلمانی، دیناریکی و مدیترانه ای تقسیم می شوند، محل سکونت نژاد سفید شمالی و شرقی در کشورهای اسکندیناویا، انگلستان، شمال فرانسه، آلمان، لهستان (پولیند) و بخش اروپایی روسیه، بخش آلمانی آن در نواحی مرکزی و غربی اروپا سکونت دارد. در حالیکه بخش مدیترانه ای چهره گندمی رنگ دارد و در کشورهای اطراف

بحیره مدیترانه متمرکز شده اند. بخش دیناریکی در البانی و در برخی از کشورهای اروپای شرقی بسر می برند. لاپن ها در شمال ترین نقطه اروپا سکونت دارند.

* گروه های نژادی قاره آفریقا



گروه های نژادی آفریقا را سیاه بوستان، اعراب، بربرها، آسیایی ها و اروپایی ها تشکیل می دهند.

سیاه بوستان ۷۰٪ نفوس آفریقا را تشکیل می دهد که همه آن ها در جنوب صحرای اعظم سکونت دارند، سیاه بوستان خود به پنج گروه تقسیم می شوند که عبارت اند از : بانتوها ،

نیلوت ها (Nelotes)، پیگمی ها (Pygmies) بوشمن و هوتن ت ها Bushmen and Hottentots. تفاوت های زیادی در چهره ظاهری هر کدام از گروپ های سیاه پوست وجود دارد. بانتوها بزرگترین گروه سیاه پوستان افریقا را تشکیل داده که در غرب افریقا مخصوصاً در امتداد سواحل این منطقه، در افریقای مرکزی، در قسمت های شرقی و جنوب شرقی و در جزیره مدغاسکار زنده گی می کنند، رنگ پوست آن ها قهوه یی دارای بینی پهن، لب های ضخیم و موهای مجعد می باشند.

نیلوت ها مردمان قد بلند (۱۸۳ سانتی متر) که در سودان، اوگندا و کینیا زنده گی می کنند. پیگمی ها در جنگلات استوایی زنده گی داشته و دارای قد کوتاه (تا ۱۴۷ سانتی متر) می باشند.

بوشمن ها و هوتن ت ها نیز کوتاه قد اند و در اطراف صحرای کالا هاری حیات به سر می برند.

اعراب و بربرها در شمال صحرای اعظم سکونت دارند، مردم عرب گندمی رنگ و دارای موهای سیاه می باشند. در شمال غرب افریقا مردم از جمله، قبایل بربرهای سفید پوست که در نسل با مردم اسپانیا و ایتالیا شباهت دارند، زنده گی می کنند؛ به همین لحاظ مردم کشورهای الجزایر، تونس و مراکش را کشورهای بربر نیز یاد میکنند.

مردم مهاجر سفید پوست اروپایی بعد از استعمار در افریقا پراکنده شده مناطق اصلی تمرکز آنان در شمال غرب (المغرب) و در جنوب (افریقای جنوبی و زمبابوی) می باشند؛ همچنان در کشورهای کینیا و زایر نیز زنده گی می کنند. مردم مهاجر آسیا نسبت به اروپایی ها بیشتر هستند، هندی ها در افریقای جنوبی، کینیا و یوگندا زنده گی می کنند. بیشترین نفوس جزایر موری شیس را هندی ها تشکیل می دهند، بیشترین نفوس مادگاسکر را مردم مالایایی و پولینزیایی تشکیل داده اند.

*** گروه های نژادی قاره آمریکا**

بیشترین مردم آمریکا در حال حاضر از نژاد سفید پوست یا دو رگه هستند. باشندگان اصلی

قاره آمریکا را سرخ پوستان تشکیل میداد که اصلاً بخش از نژاد زرد پوست می باشند، به اساس عقاید مذهبی شان چهره و موی خود را توسط خینه سرخ می کنند تعداد آنها در آمریکای شمالی بسیار محدود می باشد؛ اما در کشورهای مکسیکو و السوادور بیشترین نفوس آن کشورها را تشکیل می دهند. در سرزمین های مرتفع بولیویا، گواتیمالا، اکوادور، پیرو و پاراگوای نصف نفوس آن را سرخ پوستان تشکیل می دهد. علت افزایش سفید پوستان قاره آمریکا به دلیل مهاجرت مداوم سفید پوستان از ممالک مختلف جهان به این سرزمین می باشد؛ اما نژاد غیر سفید پوست (زردپوستان) از چین و جاپان به این قاره مهاجرت نموده اند. نژاد سیاه پوستان به اثر رواج دادن برده داری و برده فروشی از قاره آفریقا منتقل شده اند و بیشترین از آنها در جنوب شرق ایالات متحده آمریکا مسکن گزین گردیده اند؛ همچنین در مناطق گرم سیر و مرطوب جزایر کارابین و اراضی مجاور آن ساکن اند غیر از پورتوریکو، کیوبا و دو مینک دیگر همه جزایر سیاه پوست نشین هستند و در بخش های کوچک ونزوئلا، سورینام، گیانا فرانسوی و پاناما سیاه پوستان زنده گی می کنند.

نژاد مختلط (دو رگه) به اثر ازدواج سفید پوستان و سیاه پوستان (مولات Mollates) و سیاه پوستان و سرخ پوستان (زانوس Zanbus) در طول چهارنیم قرن به وجود آمده که این نژاد بیشتر در ممالک آمریکای مرکزی و جنوبی سکونت دارند.

در اقیانوسیه بیشترین نفوس را مهاجرین سفید پوست اروپایی و تعداد کمی آن را سیاه پوستان، زرد پوستان و نژاد دو رگه تشکیل می دهد.

• **گروه های نژادی استرالیا:** قبل از مهاجرت اروپاییان به استرالیا ۵۰۰ قبیله نژاد سیاه پوست در آنجا زنده گی می کردند و اکنون تعداد آنها تقریباً به شصت هزار نفر می رسد. اروپایی شدن استرالیا بعد از سال ۱۸۳۰م. با مهاجرت اروپاییان آغاز شد و اولین مهاجرین آن محکومین به جزای ترک وطن بودند. اکنون نفوس مختلط این قاره اکثریت دارند و علت آن اینکه هیچ زن سفید پوست حاضر به مهاجرت به این جزایر نبودند؛ بناءً با زن های بومی ازدواج کردند و نفوس مختلط را به وجود آوردند.

فعالیت داخل صنف:



شاگردان به گروه‌های مناسب تقسیم شوند و به یکی از سؤال‌ها به مشوره هم دیگر جواب تهیه نموده و نماینده آن به هم صنفان خویش ارائه نمایند.

- ۱- از روی نقشه‌های داده شده محل سکونت نژاد سفید پوستان را در جهان تثبیت نمایید.
- ۲- از روی نقشه‌های داده شده محل سکونت نژاد زرد پوستان را در جهان تثبیت کنید.
- ۳- از روی نقشه‌های داده شده محل سکونت نژاد سیاه پوستان را در جهان تثبیت نمایید.

سؤال‌ها



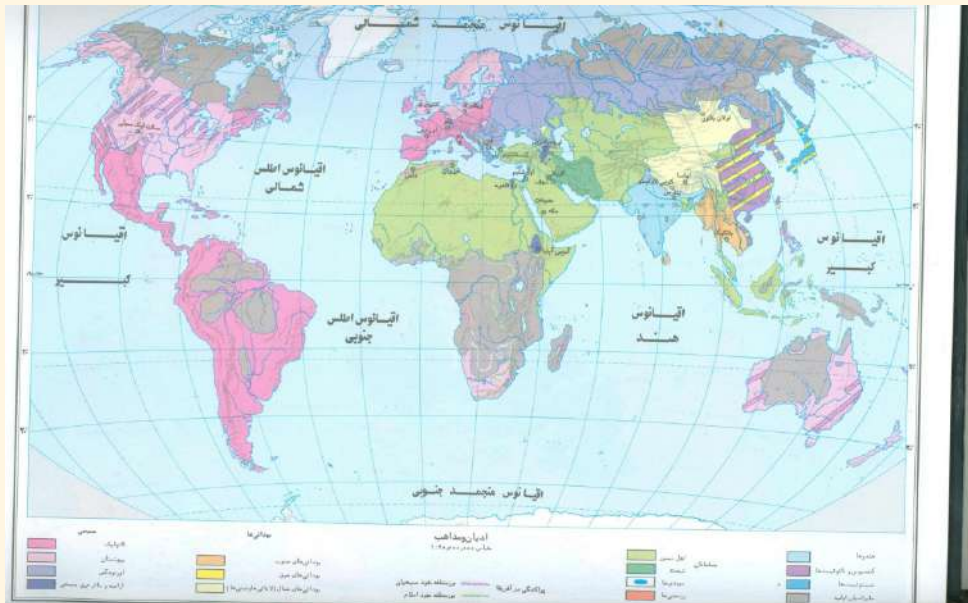
مختصراً جواب دهید:

- ۱- زرد پوستان بیشتر در کدام قسمت براعظم آسیا زنده گی می کنند .
- ۲- بخش گندمی رنگ نژاد سفید پوستان اروپا در کدام کشورها سکونت دارند؟
- ۳- گروه‌های نژادی براعظم افریقا را نام ببرید؟
- ۴- خصوصیات نژادی سرخ پوستان را بگویید؟
- ۵- نژاد مختلط چیست و این نژاد بیشتر در کدام قاره‌های جهان وجود دارد؟

فعالیت خارج صنف



مهاجرین در کدام قاره‌ها باعث ازدیاد نفوس گردیده اند . تحت این مطلب مقاله را تحریر دارید و در ساعت آینده مضمون جغرافیه به صنف ارائه نمایید.



نقشه فوق را دقیقاً مطالعه نموده و بگویید که کدام ادیان در جهان پیروان بیشتر دارند؟

دین یکی از مهمترین عناصر فرهنگی جوامع بشری است، هریک از ادیان و آیین‌ها از یک مکان معین منشاء گرفته و سپس در سایر نواحی انتشار یافته است. ادیان معمولاً از سرحدات سیاسی، نژادی، زبانی و اقتصادی فرا رفته اند. ساحه نفوذ آن تابع هیچ یکی از عوامل فوق نیست.

ادیان و آیین‌ها به اساس عقاید پیروان آن به بخش‌های ذیل تقسیم شده است:

۱- انیمیزم Animism یا پیروان عقاید پدیده‌های طبیعی: بعد از اینکه بعضی از انسان‌ها از راه خدا پرستی منحرف شدند، انیمیزم از جمله اولین آیین انسان‌های ابتدایی بشمار می‌رود که اشیا و جمادات را دارای روح می‌پنداشتند. پیروان آن در ادوار گذشته مخصوصاً در دوره قبل التاریخ به اشیا طبیعی به خصوص اشیا حیران‌کننده (خارق العاده) خاصیت خدایی قایل بودند؛ مثلاً: رعد و برق، روشنی، طوفان، باران و غیره را به صفت قدرت‌های ماورای الطبیعه می‌شناختند. این آیین اکنون بیشتر در مناطق قطبی، بیابانی و جنگل‌های دور افتاده در

بین مردم سیاه پوست و زرد پوست مشاهده می شود .

۲- پیروان عقیده ارباب الانواع: پیروان این آیین معتقد بودند که هر حادثه و پدیده ، در طبیعت خدای جداگانه دارد. این آیین از مدنیت یونان آغاز شده و در زمان مدنیت روم به حد اعظمی خود رسیده است؛ مانند: خدای آتشفشان، خدای رعد و برق، خدای ابحار، خدای ستاره ها، خدای باران و غیره.

۳- پیروان ادیان آسمانی: این ادیان بیشتر جنبه عقیدتی و اخلاقی داشته، عبادت و پرستش خداوند (ج) و رعایت اخلاق فردی و اجتماعی از هدايات و اساسات ادیان آسمانی می باشد که توسط انبیا و رسل مختلف در ادوار مختلف و به اسمای بخصوص منجمله دین یهودیت ، نصرانیت و دین مبین اسلام که مکمل ترین همه ادیان شمرده می شود رهنمای می گردید.

پیروی مردم از ادیان متفاوت بعضاً باعث تفاوت های زیادی در محیط اجتماعی آن می گردد؛ مثلاً: هندووان که استفاده از گوشت گاو نزد آن ها ممنوع می باشد در قلمرو زنده گی آن ها فعلاً مرکز فروش گوشت گاو دیده نمی شود؛ همچنان مسلمانان و عیسویان مرده های خود را دفن می کنند در محیط که آن ها زنده گی می کنند قبرستان ها دیده می شود، روزهای تعطیل نیز در ادیان مختلف متفاوت است که در این مقطع زمانی بر فعالیت های اقتصادی و سایر امور تاثیر دارد .

در مناطق اسلامی سبک معماری خاص وجود دارد و خانه ها دارای حریم مشخص می باشد، مسجدها، دارای گلدسته ها، رواق ها، مینارها، گنبد ها بوده و در کشورهای اسلامی سبک خاص دارد، که در مراکز عیسویت چنین سبک دیده نمی شود؛ بلکه سبک خاص گریکورو من در کلیساها و نقاشی ها و هیکل تراشی به ملاحظه می رسد .

فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروه‌های مناسب تقسیم شوند و هرگروه روی نقشه ادیان جهان، ساحه نفوذ عقاید انیمیزم، ارباب الانواع و ادیان اسمانی را بالای آن مشخص نمایند و معلومات تهیه شده را به هم‌صنفان خویش ارائه نمایند.

سؤال‌ها

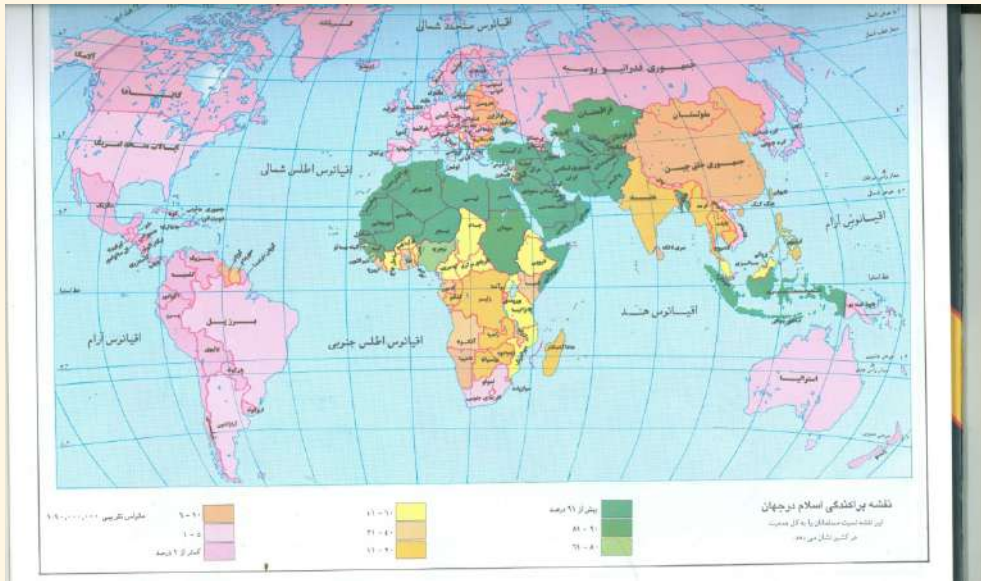


- ۱- ادیان جهان به صورت عموم به کدام بخش‌ها تقسیم شده‌اند؟
- ۲- مذهب ارباب الانواع از مذهب انیمیزم چه تفاوت دارد؟
- ۳- کاملترین همه ادیان کدام است؟

فعالیت خارج از صنف



ادیان و آیین‌های مهم جهان را نام گرفته و تفاوت بین دین و آیین را توضیح نمایید.



راجع به کشورهای اسلامی جهان چه میدانید؟

نقشه فوق را مطالعه نموده و بگویید که بیشترین کشورهای اسلامی در کدام براعظم‌های جهان موقعیت دارد؟

دین مقدس اسلام بر مبنای و حدانیت الهی، نبوت و معاد استوار است که با بعثت حضرت محمد (ص) و نزول اولین آیات مبارک در مکه مکرمه به بشریت ابلاغ گردید.

دین مقدس اسلام بعد از هجرت آنحضرت (ص) از مکه معظمه به مدینه منوره در میان مردم به سرعت انتشار یافت و در افکار شرق و غرب تأثیرات زیاد نمود، اکثریت مردم بنا بر مزیت اسلام به این دین آسمانی مشرف شدند و دیگران را به آن دعوت می‌کردند؛ بنا بر آن در مدت کمی به قسمت‌های وسیع جهان پخش گردید که فعلاً در تمام کشورهای جهان دعوت اسلامی به نحوی از آن‌ها وجود دارد.

- در جهان امروز مسلمانان در بخش‌های وسیع کره زمین متوطن شده تقریباً $\frac{1}{5}$ حصه نفوس جهان را تشکیل می‌دهند، قاره آسیا اولین محل تمرکز نفوس مسلمانان جهان است. کشورهای اسلامی این قاره در شرق میانه، آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و جنوب شرقی آسیا قرار دارد.

وسعت خاک آن‌ها بیش از ۱۵ میلیون کیلومتر مربع و نفوس آن‌ها $\frac{1}{3}$ حصه نفوس قاره آسیا را تشکیل می‌دهد. تعداد کشورهای اسلامی آسیا ۲۷ کشور و از آنجمله در ۱۸ کشور دین رسمی آن‌ها دین مقدس اسلام می‌باشد.

قابل یادآوری است که دین مقدس اسلام در جنوب شرق آسیا (اندونیزیا) تجاران گجراتی هند و ایرانی در قرن ۱۳ م. همزمان با تجارت خویش مذهب اسلام را نیز ترویج دادند تا اینکه حکام وقت آن‌را قبول و برای نشر آن تلاش کردند. امروز بیشترین مسلمانان جنوب شرق آسیا در کشورهای اندونیزیا، مالیزیا، بورنی و فلپین سکونت دارند.

قاره آفریقا دومین مرکز مهم سرزمین اسلامی محسوب می‌شود، منطقه مسلمان نشین آن در شمال قاره آفریقا قرار دارد. این ناحیه از شمال به بحیره مدیترانه از جنوب تا ناحیه تحت استوایی ساوانا، از شرق تا بحیره احمر و در غرب تا اقیانوس اطلس وسعت دارد. در دیگر کشورهای آفریقایی نیز به فیصدی‌های مختلف سکونت دارند.

تعداد قابل توجه مسلمانان در قاره اروپا و آمریکا نیز زنده گی می‌کنند در قاره اروپا آذربایجان، البانیا، بوسنی، هرزگوین و در آمریکا سورینام، سرزمین‌های اسلامی این دو قاره اند.

به اساس احصائیه سال ۲۰۰۰ م. در ۶۳ کشور دیگر جهان نیز مسلمانان از یک تا ۳۸ فیصد زنده گی می‌کنند. حالا کشوری در جهان وجود ندارد که در آن مسلمانان نباشد.

برای معلومات بیشتر به جدول ضمیمه تحت عنوان معلومات اضافی مراجعه نمایید.

اعضای سازمان کنفرانس اسلامی جهان ۵۷ کشور می‌باشد که از آن جمله ۲۵ کشور آسیایی ۲۷ کشور آفریقایی، ۳ کشور اروپایی و ۲ کشور آمریکایی در آن شمولیت دارند.

کشورهای جهان اسلام از نظر اقتصادی و نفوس یکسان نیستند؛ ولی در برخی امور مشارکت فرهنگی فراوان دارند. بسیاری از کشورهای اسلامی از نظر منابع طبیعی؛ مانند: نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، مس، رابر و... بسیار غنی هستند. در حدود ۶۵٫۵٪ ذخایر نفت جهان در خلیج فارس (خلیج عرب) قرار دارد. به اساس موجودیت همین منابع، این منطقه مورد توجه استعمار گران جهان قرار گرفته است. همچنین بیشترین کشورهای اسلامی به

علت مداخله کشورهای استعماری و کمبود نیروی انسانی و متخصص قدرت استفاده از منابع خود را ندارند. به همین دلیل در جمله صادر کننده گان منابع محصولات خام اولیه به قیمت ارزان و وارد کننده گان کالا به قیمت گران از کشورهای توسعه یافته درآمده اند؛ اما از نظر اقتصادی به کشورهای ثروتمند وابسته گی دارند.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروه های مناسب تنظیم شوند و هر گروه راجع به علت انتشار دین مقدس اسلام در تمام قاره های جهان بین هم مباحثه کنند .

سؤال ها



مختصراً جواب دهید :

- ۱- اساس دین اسلام به چه استوار است؟
- ۲- نخستین وحی برای حضرت محمد (ص) چه وقت و در کجا نازل گردید؟
- ۳- چرا کشورهای اسلامی بیشتر مورد توجه استعمار گران جهان قرار گرفته است؟
جواب صحیح را انتخاب کنید:
- ۴- در کدام کشور جنوب شرق آسیا بیشترین نفوس مسلمان زنده گی می کنند.

الف- مالیزیا

ب - اندونیزیا

ج - بنگله دیش

د- افغانستان

فعالیت خارج از صنف



با استفاده از نقشه داده شده نامهای کشورهای اسلامی قاره آسیا و آفریقا را بنویسید .



معلومات اضافی

کشورهای اسلامی جهان

ردیف	کشورهای آسیایی	فیصدی مسلمانان	ردیف	کشورهای آفریقایی	فیصدی مسلمانان	ردیف	کشورهای اروپایی	فیصدی مسلمانان
۱	افغانستان	۹۹.۹	۱	الجزایر	۹۹.۷	۱	اذربایجان	۸۴
۲	اردن	۹۳.۵	۲	تانزانیا	۳۵	۲	البانی	۳۸۸
۳	ازبکستان	۷۶.۲	۳	تونس	۹۸.۹	۳	بوسنی و رزگوینا	۴۳
۴	اندونزی	۷۶.۵	۴	جیبوتی	۹۴.۱			
۵	امارات متحده عرب	۸۲.۷						
۶	ایران	۹۹.۲	۵	چاد	۵۹			
۷	بحرین	۸۲.۴	۶	سنگال	۸۷.۶			

۸	برینو	۶۴.۴	۷	سودان	۷۰.۳	شماره	کشور امریکایی	فیصدی مسلمانان
۱۰	تاجکستان	۷۸.۶	۹	سیرالیون	۴۵.۹	۱	سورینا	۱۹.۶
۱۱	ترکمنستان	۸۷.۲	۱۰	ساحل عاج	۳۸.۶			
۱۲	ترکیه	۹۷.۴	۱۱	صحرا	۱۰۰			
۱۳	پاکستان	۹۶	۱۲	کومورو	۹۸			
۱۴	سوریه	۸۶.۲	۱۳	گامبیا	۸۶.۹			
۱۵	فلسطین	۸۷.۷	۱۴	گینه	۶۷.۳			
۱۶	قزاقستان	۴۲.۲	۱۵	گینه بیساو	۹۳.۹			
۱۷	قرغزستان	۶۰.۸	۱۶	لیبیا	۹۶.۱			
۱۸	قطر	۸۲.۷	۱۷	مالی	۸۲			
۱۹	عربستان سعودی	۹۴	۱۸	مصر	۸۴.۴			
۲۰	عراق	۹۶	۱۹	المغرب	۹۸.۳			
۲۱	عمان	۸۷.۴	۲۰	موریتانی	۹۹.۱			
۲۲	کویت	۸۳	۲۱	نیجیر	۹۰.۷			
۲۳	لبنان	۵۵.۳	۲۲	نیجریا	۴۵.۶			
۲۴	مالدیو	۱۰۰	۲۳	ولتا علیا بورکینافاسو	۴۸.۶			
۲۵	مالیزیا	۶۰.۴۵	۲۴	اریتریا	۵۰			
۲۶	یمن	۹۸.۹						

در برما، سریلانکا، فلپین تعداد قابل ملاحظه مسلمانان زنده گی می کنند. در هند ۱۲ فیصد نفوس ان مسلمان است (که تعداد آن به بیش از ۱۲۰ میلیون تن می رسد).



نقشه فوق را مطالعه کنید، رنگ های مختلف این نقشه ناماینگر زبان های مختلف مردم جهان می باشد.

زبان سیستم افهام و تفهیم و علایم است که به عنوان وسیله کسب معرفت، معاشرت و تفاهم افراد بکار می رود و در پروسه کار و فعالیت انسان ها به وجود آمده و تدریجاً تکامل نموده است. سخن گفتن به انسان امکان آن را داد تا تجارب خود را حفظ کند و آن را به نسل های آینده انتقال دهند.

آن عده از زبان های دنیا که دارای ریشه واحد اند، به نام خانواده زبان ها یاد می شود. خانواده

زبان های جهان عبارت اند از :

الف- زبان های هند و اروپایی: این گروه بزرگترین و وسیع ترین گروپ زبانی دنیا

است که به شاخه های مختلف هندو اروپایی (لاتین، هلنیک، بالتیک، سلاویک، جرمانیک و ارمنی) و هندو آریایی (ویدا، سانسکریت، پرکریت یازده زبان معاصر هندی اردو، نیپالی، بنگالی ...) و زبان های آریایی دری، پشتو، بلوچی، پشه یی، کردی و غیره تقسیم شده اند.

ب- زبان نیگرویی که شامل دو زبان ذیل می باشد:

۱- زبان مردم جنوب سودان، جمهوری چاد، نایجریا و کشورهای استوایی افریقا به آن سخن می گویند.

۲- زبان بانتو: مردمان حوزه کانگو، زمبیا و انگولا به این زبان صحبت می کنند.

ج- زبان حامی و سامی: در کشورهای عربی و شمال افریقا کار برد دارد.

- زبان سامی: در شبه جزیره عربستان، جمهوری عربی مصر، لیبیا، الجزایر، مالی و در مراکش مروج است .

- زبان حامی: در حبشه، الجزایر، نیجیر و بخشی از مردم سینگال به آن صحبت می کنند .

د- زبان های التایی و اورالی که در آن پنج زبان ذیل شامل است:

۱- فن (که مردم الپ، فنلند، اویستاک و شمال روسیه اروپایی به آن سخن می گویند)، ترکی، منگولیایی، زبان توگوس (شمال سایبریا به خصوص در مناطق تایگا و تندرا مروج است)، زبان جاپانی و کوریایی می باشد .

زبان های دیگر

۱- زبان مالیزیایی و پولینزیایی در جزایر جاوا، سوماترا، در قسمت از کمبودیا و جزایر بورنیو رواج دارد.

۲- زبان دراویدی در جنوب هند و در قسمتی از سریلانکا رواج دارد .

۳- زبان چینی یا ماندرین یکی از معروفترین زبان های آسیای شرقی محسوب می شود که $\frac{1}{5}$ حصه مردم جهان یا در حدود ۸۵۳ میلیون نفر چینیایی و در مجموع تقریباً یک میلیارد دوصد سیزده میلیون نفر جهان به آن تکلم میکنند.

- زبان انگلیسی که شاخه از زبان های هندو اروپایی است که میلیون ها انسان به آن تکلم می کنند و زبان رسمی بیش از ۴۹ کشور جهان می باشد.

زبان عربی که شاخه از خانواده زبان سامی است، در بیش از ۲۲ کشور جهان زبان رسمی می باشد و به آن تکلم می کنند.

زبان های بین المللی که در سازمان ملل متحد به آن صحبت می شوند عبارت اند از: زبان های

انگلیسی ، فرانسوی ، آلمانی ، عربی ، روسی ، چینی و هسپانوی.



فعالیت داخل صنف



شاگردان به گروه‌های مناسب تقسیم شوند و به استناد نقشه داده شده، ساحه زبان‌های بزرگ جهان را تعیین نمایند، نماینده گروه معلومات حاصل شده را به هم‌صنفان خویش ارائه کند.

سؤال‌ها



مختصراً جواب دهید:

- ۱- زبان (لسان) را تعریف نمایید؟
- ۲- زبان حامی و سامی در کدام کشورهای جهان مروج است؟
- ۳- از پنج زبان بزرگ جهان نام ببرید که بیشترین تعداد مردم به آن تکلم می‌کنند.
- ۴- چرا گوینده گان لسان ماندین چینی در جهان بیشتر می‌باشد؟
- ۵- زبان هند و اروپایی شامل کدام زبان‌ها می‌باشد؟
- ۶- زبان‌های التایی و اورالی به کدام شاخه‌ها تقسیم شده اند؟

فعالیت خارج از صنف



شاگردان راجع به اهمیت زبان چند سطری نوشته در ساعت آینده مضمون جغرافیه به هم‌صنفان خود ارائه نمایند .

بخش تعلیمات مدنی

فصل اول

در این فصل با بعضی اصطلاحات سیاسی آشنا می‌شوید.

- پلورالیزم
- دیپلوماسی
- پارلمانتاریزم
- تکنالوژی
- جهانی شدن
- سیاست
- استراتژی
- مدرنیسم، پسامدرنیسم

اهداف فصل

از شاگردان توقع می‌رود که در پایان این فصل به اهداف ذیل دست یابند:

- پلورالیزم را بدانند.
- با معنای دیپلوماسی آشنا شوند.
- پارلمانتاریزم را توضیح داده بتوانند.
- به تکنالوژی علاقه مندی پیدا کنند.
- با مفهوم جهانی شدن آشنا شوند.
- سیاست را تشریح کرده بتوانند.
- با اصطلاح استراتژی آشنایی حاصل نمایند.
- مدرنیسم و پسامدرنیسم را بدانند.

پلورالیزم

در سال گذشته شما به موضوعات اقتصادی؛ مانند: تولید، تبادل، استهلاك، عوامل تولید، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی معلومات حاصل نمودید، در این درس به پلورالیزم آشنا می‌شوید.

بحث نمایید

• پلورالیزم از کدام کلمه گرفته شده و معنای آن چیست؟

• ابعاد پلورالیزم کدام‌ها اند؟

یکی از اصطلاحات نوظهور مکاتب سیاسی پلورالیزم است که از چندی در محافل علمی از آن ذکر به عمل می‌آید.

آیا می‌دانید پلورالیزم از کدام کلمه گرفته شده است؟

اصطلاح پلورالیزم از کلمه لاتین Pluralis به مفهوم «گرایش به کثرت» و تعدد گرایی است. در آغاز این کلمه در عرصه سنتی کلیسا به کار رفته، شخصی که مناصب گوناگون در کلیسا داشت، پلورالیست می‌گفتند. این اصطلاح را اولین بار لوتسه در سال ۱۸۴۱ م در کتاب خود به نام «مابعد الطبیعه» وارد فلسفه کرد.

پلورالیزم نظریه‌ای است که بر مشارکت مردم و احزاب سیاسی، سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی متعدد در امور کشور بنیافته، به طور کلی هر نظریه‌ای که در اصل و ریشه امور بیش از یک باشد پلورالیزم گفته می‌شود.

به همکاری همصنفان خود چند مثال از پلورالیزم را فهرست کنید.



در مورد ابعاد پلورالیزم چه می‌دانید؟

پلورالیزم دارای ابعاد متنوع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی، اخلاقی می‌باشد. پلورالیزم اجتماعی: عبارت از پذیرش و تنوع در تشکیلات مدنی، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌ها، تنوع آراء، در جهت مصالح اجتماعی، سرانجام تکثیر قدرت و اقتدار در همه جا به کار رفته است. به طور مثال: اغلب کشورها را می‌توان با درجات مختلف در زمره کشورهای کثرت گرا به شمار آورد.

پلورالیزم سیاسی

عبارت از نظریه اعتقاد به لزوم کثرت و استقلال گروه‌های سیاسی و اجتماعی در هر جامعه است. در دولت پلورالیستی مردم کشور می‌توانند با تشکیل گروه‌های متعدد سیاسی در حاکمیت

دولت سهیم گردند و در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات پارلمانی اشتراک نمایند.

پلورالیزم فرهنگی

به معنی پذیرفتن تعدد فرهنگها به خصوص در آداب، رسوم اجتماعی و فرق آشکار آن با فرهنگهای دیگر است. به این معنا که گروپهای مختلف دارای زنده گی سیاسی و دینی متفاوت اند، در یک جامعه به صورت صلح آمیز زنده گی می کنند و تحت حمایت یک قانون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارند؛ به طور مثال: در شهرهای بزرگ لندن، نیویارک، شیکاگو و غیره گروپهای قومی و نژادهای متعددی در کنار یک دیگر زنده گی می کنند و در تحت یک قانون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارند.

با همکاری همصنفان خود دو مثال از پلورالیزم فرهنگی را بنویسید.



بیشتر بدانید

انجمن: ارگانی متشکل از گروپهای که باهم فکری و مشورت برای رسیدن به اهداف معین و مشترک گرد هم جمع می شوند.

خلاصه کنید



سوالات درس



- ۱- مراد از پلورالیزم چیست؟
- ۲- ابعاد پلورالیزم را نام بگیرید.
- ۳- پلورالیزم سیاسی را بیان کنید.



سه سطر در مورد پلورالیزم بنویسید.

دیپلوماسی

در درس گذشته در مورد پلورالیزم معلومات حاصل نمودید، در این درس با دیپلوماسی آشنایی حاصل می‌نمایید.

بحث نمایید

• دیپلوماسی چیست؟



تصویر ملاقات رسمی هیئت افغانستان با کشور خارجی

دیپلوماسی، در زبان فرانسوی از دیپلمات به معنای نماینده سیاسی کشور در کشور دیگر گرفته شده و دیپلمات نیز از دیپلومای یونانی و لاتینی به معنای سند، گواهینامه، دارای دیپلوم آمده است.

دیپلوماسی در اصطلاح عام «در علم سیاست» به سه معنای اصلی به کار می‌رود.

۱- وسیع ترین معنای آن، روابط بین دولتها است. بعضی از صاحب نظران سیاست بین المللی، دیپلوماسی را در این معنا عنصری از قدرت می‌دانند، برخی دیگر آن را تنها وسیله برای اجرای سیاست ملی می‌شمارند.

۲- کار برد دیگر این اصطلاح که مفهوم آن وسیعتر است، و آن این که، دیپلوماسی مترادف با مذاکره است.

۳- دیپلوماسی به نحوه فعالیت تشکیلات اداره کننده روابط بین المللی و همچنین به مسئولیت کسانی که مأمور ایجاد و برقراری روابط بین المللی اند، اطلاق می‌گردد. روی هم رفته دیپلوماسی به مفهوم فعالیت رسمی رؤسا و مسؤولان ارشد دولتها و دستگاه‌های حاکم به کشور به خصوص در زمینه مسایل و هدف‌های سیاست خارجی و منافع ملی و دولتی است.

آیا می‌دانید در برخی از نوشته‌ها دیپلوماسی به کدام مفهوم آمده است؟

در بعضی از نوشته‌ها دیپلوماسی به «علم مربوط به مسایل خارجی» و هنر مذاکره و ارتباط آمده است. مذاکره یعنی گفت و گو کردن، به خصوص در امور سیاسی.

در اخیر قرن هجده هم کلمه دیپلوماسی در زبان‌های ملل اروپایی رواج پیدا کرد و در فعالیت‌های دیپلماتیک: (کنگره‌ها، جلسه‌ها و مشاوره‌های دیپلماتیک) مورد استفاده قرار گرفت.

به نظر شما دیپلماتیک چیست؟

کلمه دیپلماتیک از ریشه یونانی دیپلومات گرفته شده است که در اصل یعنی صفحه یا هر برگ لوله شده است و در اصطلاح به سندی گفته می شود که به موجب آن عنوان یا امتیازی به شخص می دادند.

آیا می دانید دیپلومات کیست؟

به افرادی دارای مشاغل سیاسی، کارکنان سیاسی وزارت امور خارجه و ماموران سیاسی هر کشور در دیگر کشورها دیپلومات می گویند، یا به عبارت دیگر دیپلومات به مفهوم عام به شخصی گویند، که از سوی کشور مطبوع خود در صحنه بین المللی نماینده گی دارند و می کوشند تا از راه ها و روش های مطلوب و سنجیده منافع ملی کشور را در ارتباطات بین المللی تأمین کنند.

بنابراین وظیفه ملی دیپلومات های کشور ما در خارج است که در شناسایی هویت ملی ما سعی و تلاش خسته گی ناپذیر نمایند.

بیشتر بدانید:

کنگره چیست؟

کنگره از کلمه یونانی Congressus به معنی اجتماع برای تبادل نظر و تفاهم گرفته شده است، در اصطلاح بین المللی این لغت به معنای اجتماع سران کشورها یا نماینده گان آنها برای هدف مذکور.

خلاصه کنید



سؤالات درس



- ۱- دیپلومات از کدام کلمه گرفته شده معنای آن چیست؟
- ۲- دیپلوماسی چیست؟
- ۳- دیپلماتیک چیست؟



در مورد سه معنای اصلی دیپلوماسی چند سطر در کتابچه های تان تحریر دارید.

پارلمان‌تاریزم

در درس گذشته در مورد دیپلوماسی معلومات حاصل نمودید، در این درس به پارلمان‌تاریزم آشنا می‌شوید.

بحث نمایید

• پارلمان چیست؟

• پارلمان‌تاریزم چیست؟

اصطلاح دیگری که در ادبیات سیاسی مورد استفاده زیاد قرار می‌گیرد، پارلمان‌تاریزم است. در رژیم پارلمان‌تاریزم تکیه به اصطلاح کلمه پارلمان است.



تصویر نمای از پارلمان افغانستان

آیا می‌دانید که پارلمان چیست؟

پارلمان به مجمع عالی قانونگذاری یک کشور گفته می‌شود که به صورت معمول با رأی مستقیم، مخفی و همه‌گانی مردم انتخاب می‌گردد و قلب تپنده دموکراسی محسوب می‌شود. پارلمان از نگاه مجلس به دو قسم تقسیم می‌گردد: پارلمان یک مجلسی یا یک اتاقه و پارلمان دو مجلسی یا دو اتاقه. مجلس اول به نام «مجلس نماینده‌گان» و مجلس دوم به نام «مجلس سنا». پارلمان کشور ما به نام شورای ملی یاد می‌گردد که مشتمل به ولسی جرگه و مشرانو جرگه می‌باشد.

به نظر شما پارلمان‌تاریزم چیست؟ پارلمان‌تاریزم از فعل Parler (سخن گفتن و حکم دادن) گرفته شده است. پارلمان‌تاریزم یا سیستم پارلمانی عبارت از سیستم حکومتی است که در آن قوه اجراییه در اعمال خود مسؤول قوه مقننه؛ یعنی پارلمان می‌باشد.

قابل ذکر است که رژیم پارلمان‌تاریزم دو رکنی است. در رأس اولی آن رئیس دولت (پادشاه یا رئیس جمهور) قرار دارد که قاعدتاً غیر مسؤول است و در رأس دومی قوه اجراییه (صدراعظم همراه با وزرا) که مسؤولیت سیاسی را به عهده دارند. انتخاب صدراعظم و تأیید وزرا با رأی اعتماد نماینده‌گان مردم در پارلمان صورت می‌گیرد.

قوه اجراییه در برابر پارلمان مسؤول و جوابگو هست. پارلمان می تواند از قوه اجراییه به شکل فردی و جمعی سؤال و استیضاح نماید و وزرا به سؤالات آنها کتبی و شفاهی جواب بدهند. در صورت فراهم شدن قناعت نماینده گان به کار خود ادامه دهد. در صورت عدم رأی اعتماد پارلمان، کابینه سقوط می کند. بارها دیده شده که مجلس پارلمان از رأی عدم اعتماد استفاده کرده قوه اجراییه یکی پی دیگر سقوط می کند. این امر به دوام سیاست کشور لطمه فراوان وارد می کند و مانع عمل منظم قوه اجراییه می گردد. اگر میان پارلمان و قوه اجراییه اختلاف به وجود آمد و صداعظم و وزرا حس کردند که مورد پشتیبانی افکار عمومی هستند، می توانند از رئیس دولت انحلال پارلمان را بخواهند و سرنوشت کابینه را به انتخابات جدید و رأی مردم ارجاع دهند. اگر اکثریت رأی دهنده گان واقعاً از هیأت دولت پشتیبانی کنند، قاعدتاً به نماینده گانی رأی خواهند داد که پشتیبان این هیأت باشند و وزرا در این بازی با قوت بیش به کار ادامه خواهند داد. اگر در انتخابات مجدد، اکثریت با مخالفان قوه اجراییه بود، کابینه سقوط می کند و اشخاص دیگر مامور تشکیل کابینه خواهند گردید.

بیشتر بدانید

استیضاح؟ عبارت است از: طلب وضاحت از وزیران بر وفق حکم مندرج ماده نود و دوم قانون اساسی.

خلاصه کنید



سؤالات درس



- ۱- پارلمان چیست؟ بیان دارید.
- ۲- رژیم پارلمانتاریزم چند رکنی است و در رأس آن کی ها قرار دارد؟
- ۳- در کدام حالت انحلال پارلمان از رئیس دولت خواسته می شود؟



در مورد کشورهایی که دارای سیستم پارلمانی یک مجلسی اند چند سطر تحریر دارید.

تکنالوژی

در درس گذشته در مورد پارلمان تاریزم معلومات حاصل نمودید، در این درس به تکنالوژی

آشنا می شوید.

بحث نمایید

- تکنالوژی از کدام کلمه گرفته شده معنای آن چیست؟
- اختراعات و پیشرفت های شگفت انگیز این عصر از چه نشأت کرده و محصول چیست؟



تصویر آنتن های ستلایت



تصویر نمونه چند از تکنالوژی

پیشرفت ها، اختراعات و اکتشافات حیرت آوری که با عجله و پی در پی پیرامون انسان در این عصر صورت می گیرد از علم و دانش سرچشمه گرفته است. خداوند تعالی در قرآن کریم فرموده است:

(**عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم**) (سوره العلق آیت ۵)

ترجمه: به انسان یاد داد آنچه نمی دانست

به نظر شما تکنالوژی از کدام کلمه گرفته شده است؟

تکنالوژی از ریشه یونانی Tekhne فن و هنر و Lojos منطق، علم شناخت و گفتار منطقی گرفته شده است. تکنالوژی عبارت از استفاده علم در کار عملی، صنعت، زراعت، صحت، تجارت و غیره است. جامعه شناسان تکنالوژی را دانش، مهارت و وسایلی معرفی می کنند که برای تبدیل مواد طبیعی به اجناس مصرفی و مورد نیاز انسان به کار برده می شود.

کشورهایی که از سطح دانش عالی و انکشافات مادی و اختراعات برخوردارند استفاده خوبی از تکنالوژی در جهت ترقی و تعالی و رفاه اتباع خود می نمایند.

با همکاری همصنفان خود بنویسید که کدام کشورها از تکنالوژی



جهت رفاه اتباع خود استفاده خوبی می نمایند؟

تکنالوژی و تعلیم و تربیه: گسترش علم و تخنیک ممکن نیست؛ مگر با تعلیم و تربیه سازمان یافته؛ زیرا تعلیم و تربیه در مکاتب و پوهنتون ها صورت می گیرد؛ پس اساس تکنالوژی را باید از تحقیق برای پیشرفت در رفع احتیاجات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانست که با مشارکت

مؤسسات تعلیمی صورت می گیرد. تحولات علم و تکنالوژی موجب دگرگونی و نوآوری در وسایل تعلیمی و تحقیقی گردیده است؛ مانند: لابراتوارهای وسایل سمعی و بصری، ماشین های برقی، کمپیوتر، انترنت که از دست آوردهای تکنالوژی است و در نظام تعلیمی جهت ارتقای سوئے علمی شاگردان و محصلان از آن استفاده به عمل می آید.

تکنالوژی علاوه بر تعلیم و تربیه در عرصه های مختلف خدمات قابل قدری را انجام داده است؛ به طور مثال: در مواصلات، موتر، قطار راه آهن، مترو، طیارات مختلف مواصلاتی، مسافربری، اکتشافی، جنگی، اقمار مصنوعی (کشتی های بحری) و غیره. در طبابت از ماشین آلات مجهز جهت تشخیص امراض و جراحی های مختلف از تجهیزات پیشرفته استفاده گردیده و امراض مهلک با استفاده از این تکنالوژی طبی مداوا و تداوی می گردد. همچنان در عرصه زراعت از ماشین آلات پیشرفته تخنیکی، اقسام و انواع تخم بذری اصلاح شده، کود کیمیاوی، سیستم آبیاری منظم، تهیه ادویه ضد آفات نباتی، مشوره دهی سالم متخصصان زراعت به دهقانان جهت بلند بردن حاصلات زراعتی استفاده به عمل می آید.

به همکاری همصنفان خود چند سطر در مورد تأثیر تکنالوژی در زراعت بنویسید.



بیشتر بدانید

قمر مصنوعی: سیستمی که در مدار زمین، ماه یا سیاره دیگر قرار دارد. اقمار مصنوعی پراز وسایل تجهیزات علمی؛ مانند: کمره، ضبط صوت و فرستنده های رادیویی اند. این وسایل با انرژی نور آفتاب کار می کند. از اقمار مصنوعی، اطلاعات مربوط به سیاره یا اطلاعات هواشناسی یا انتقال اطلاعاتی استفاده به عمل می آید.

خلاصه کنید



سؤالات درس



- ۱- تکنالوژی را از دید جامعه شناسی تعریف نمایید.
 - ۲- از وسایل تعلیمی تکنالوژی جدید که در تعلیم و تربیه استفاده می گردد نام بگیرید.
 - ۳- از اقمار مصنوعی در کدام موارد استفاده به عمل می آید؟
- در مورد اهمیت تکنالوژی چند سطر در کتابچه های خود بنویسید.



جهانی شدن

در درس گذشته در مورد تکنالوژی معلومات حاصل نمودید، اکنون به اصطلاح جهانی شدن آشنا می شوید.

بحث نمایید

• جهانی شدن کدام معنی را بیان می کند؟
جهانی شدن از مروج ترین اصطلاحاتی است که در سالهای اخیر در فرهنگ سیاسی و مطبوعات جهانی رایج گردیده و سیاستمداران، روشنفکران، اقتصاددانان و... در نوشته های خود به کار برده اند. و اما جهانی شدن در زبان عربی عوَلَمَه به معنی «جهانی شدن» و مصدر



تصویر سمبول از جهانی شدن

است که از کلمه عالم مشتق شده است. در ظاهر معنای جهانی شدن شبیه معنی جهان شمولی است که اسلام آنرا به ارمغان آورده و قرآن کریم آن را تأکید نموده است. خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) می فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ الانبیاء ۱۰۷

ترجمه: ای پیامبر! ما ترا جز به عنوان رحمت جهانیان نه فرستاده ایم.
خداوند (جَلَّ جَلَالُهُ) در سوره الحجرات آیه ۱۳ فرموده: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ**

ترجمه: «ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریده ایم، و شما را طایفه طایفه و قبیله قبیله نمودیم تا همدیگر را بشناسید، بیگمان گرامی ترین شما در نزد خداوند متقی ترین شما است».
قرآن کریم در این آیه مساوات را بین بشر مقرر کرده است، خصوصیات ملت را نادیده نگرفته، چرا که قرآن کریم اظهار نموده است که خداوند متعال آنان را شعوب و قبایل مختلف قرار داده تا همدیگر را بشناسد و کمک کنند. پس اسلام دین جهانی می باشد که بر یک قوم و ملت منحصر نیست ولی اسلام از جهانی شدن تعبیر به خصوص خود را دارد و غربی ها تعبیر خود را دارد.

اصطلاح جهانی شدن تا دهه ۱۹۶۰ م و اوایل دهه ۱۹۷۰ م رواج علمی پیدا نکرده بود بر اساس نظریه پردازان برجسته، جهانی شدن عبارت از جریان فشرده و زیاد زمان و مکان که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش به صورت نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی ادغام می شود.
علاوه بر تعریف فوق تعریفات دیگری نیز از جهانی شدن وجود دارد که در این جا بعضی آن ذکر می گردد: جهانی شدن به معنای بین المللی شدن، جهان گستری می باشد.

در مورد ابعاد جهانی شدن چی می دانید؟

جهانی شدن دارای ابعاد مختلف؛ چون: اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، تکنالوژی و اجتماعی است که در این قسمت بعضی از آنها مختصراً ارائه می گردد.

بُعد اقتصادی جهانی شدن: به اعتقاد بعضی پژوهشگران غرب مهم ترین بُعد تلقی می گردد که شامل بازار تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول، بانک بین المللی، معاهده جهانی تعرفه های گمرکی و تجارتی، شرکتهای چند ملیتی و پدیده خصوصی سازی، فروپاشی بازارهای کم ظرفیت، حذف پول ها و اسعار (پول کشورهای خارجی) که بدون پشتوانه می باشد.

بُعد اجتماعی جهانی شدن: در این بُعد می توان از فقر روز افزون در جهان، مسأله قومیت، نژاد پرستی که شکل جهانی دارند نام برد. عناصری از جهانی شدن اجتماعی، عبارت است از گسترش سریع مهاجرت ها، صنعت، تجارت، توریسم، ورزش، شیوه زنده گی و... است به طور خلاصه می توان گفت که هر پدیده جهانی دارای نتایج مثبت و منفی می باشد. از بعضی مزایای جهانی شدن می توان از بهم پیوستن افزایش محصولات اقتصادی، از بین رفتن موانع حرکت اطلاعات و آگاهی ها نام برد. ضررهای جهانی شدن شامل: از بین رفتن کار و پیشه در جهان، زیاد شدن فاصله بین فقیر و غنی در جهان، گسترش فایده و سود دولتی که دارای قدرت مادی اند می باشد.

به همکاری همصنفان خود سه سطر در مورد ضررهای بُعد اجتماعی جهانی شدن

بنویسید

بیشتر بدانید

منافع ملی: به مفهوم عام عبارت از عناصری است که مهمترین ارزشها و احتیاجات یک کشور را تشکیل می دهد و هدف اصلی و تعیین کننده نهایی در جریان تصمیم گیری سیاست خارجی کشور محسوب می شود و این اهداف عبارت اند از: حفظ استقلال، تمامیت ارضی، امنیت نظامی و رفاه اقتصادی کشور.

خلاصه کنید

سؤالات درس

- ۱- جهانی شدن را تعریف نمایید.
- ۲- ابعاد جهانی شدن را صرف نام بگیرید.
- ۳- بُعد اجتماعی جهانی شدن را بنویسید.

چهار سطر در مورد اضرار جهانی شدن بنویسید.



سیاست

در درس گذشته خواندیم که جهانی شدن به معنای جریان اجتماعی است که مدتها قبل آغاز شده و روبه گسترش است. در این درس با سیاست آشنا می شویم.

بحث نمایید

- معنی سیاست چیست؟
 - سیاست در اصطلاح کدام معنی را می دهد؟
- شما با کلمه سیاست آشنایی دارید و این اصطلاح را هر روز از طریق وسایل ارتباط جمعی مخصوصاً رادیو و تلویزیون شنیده اید و همچنان مردم عام در مجالس از سیاست سخن گفته اند؛ مانند: سیاست کشور سالم است. کشور در قسمت رفع بیکاری مردم ناکام است. بر علاوه ما و شما شاهد بحث های سیاسی از طریق تلویزیون ها تحت نامهای میز گرد، برنامه خبری، گفتمان، کنکاش، تودی خبری، سپیناوی و هستیم؛ بنابر این لازم است تا معنای سیاست را بدانیم. سیاست دارای معنی زیاد است که بعضی از آنها عبارت است از: حکم راندن، ریاست کردن، اداره کردن، مصلحت کردن، تدبیر کردن، عدالت، داوری، جزا، شکنجه، حراست و غیره؛ اما در اصطلاح سیاست Politics از کلمه یونانی Polis یعنی شهر گرفته شده است.

آیامی دانید علما سیاست را چطور تعریف نموده اند؟

- ۱- هنر حکومت داری بر جوامع انسانی (فرهنگ روبر)
 - ۲- هنر حکومت داری بر کشور (تعریف لیتره)
 - ۳- مطالعه دولت (هارولد لاسکی)
- علمای اسلامی نیز تعاریفات از سیاست کرده اند که در این قسمت دو تعریف آن ارائه می گردد.
- ۱- حسن ابراهیم از استادان تاریخ و فلسفه، سیاست را حکومت و خلافت تعریف می کند.
 - ۲- استاد محمد کامل لیله استاد حقوق و علوم سیاسی در پوهنتون قاهره، سیاست را حکومت و قدرت معنی می کند. امروز از کلمه سیاست به مسایل جاری حکومت و جامعه که ماهیت اقتصادی و مفهوم علمی دارد اشاره می شود.

 **فعالیت** بحث های سیاسی که در تلویزیون های کشور به راه انداخته می شود به کدام نامها یاد می شود؟ با همکاری همصنفان خود اسمای آنها را بنویسید.

سیاست چند نوع است؟

سیاست دو نوع است

- ۱- **سیاست داخلی:** حکومت‌ها با اتخاذ تدابیر سنجیده و متناسب با شرایط مادی و معنوی مشخص، امور کشور را اداره می‌کند تا اعضای جامعه به وظایف اجتماعی خود عمل نمایند.
- ۲- **سیاست خارجی:** مربوط است به مناسبات حکومت‌ها با دولت‌های دیگر که آن را روابط بین‌المللی گویند و بر قوانین بین‌المللی بنیافته است.

علم سیاست شامل کدام موضوعات می‌گردد؟

عبد الحمید ابو الحمد در کتاب «مبانی علم سیاست» موضوع علم سیاست را به سه دسته تقسیم می‌کند:

- ۱- کسانی که موضوع علم سیاست را «دولت» می‌دانند.
 - ۲- کسانی که موضوع علم سیاست را «قدرت» می‌شناسند.
 - ۳- کسانی که موضوع علم سیاست را «قدرت سیاسی» قلمداد می‌کنند.
- بعضی دیگری از علما موضوع علم سیاست را پدیده‌های سیاسی می‌دانند.
- فعالیت** سیاست از کدام طریق اعمال می‌گردد؟ با همکاری همصنفان تان آنرا خلاصه

نمایید

بیشتر بدانید

پدیده‌های سیاسی: هر واقعه، رخداد یا جریانی که در اجتماع به وجود می‌آید به نحوی از انحا با سرنوشت سیاسی جامعه ارتباط دارد، طوری که ذهن مردم، مسؤولان و مدیران اجتماع را متوجه خود سازد و قابل مشاهده و بررسی باشد پدیده سیاسی است.

خلاصه کنید

سؤالات درس

- ۱- سیاست در اصطلاح از کدام کلمه گرفته شده بیان دارید؟
- ۲- حسن ابراهیم استاد تاریخ و فلسفه سیاست را چگونه تعریف کرده است؟
- ۳- بعضی از علما موضوع علم سیاست را چه گفته‌اند؟ بیان دارید.

در مورد سیاست سه سطر در کتابچه‌های تان بنویسید.



استراتژی

در درس گذشته اشاره نمودیم که سیاست دارای معانی مختلف است که بعضی از آنها عبارت اند از: حکم راندن، ریاست کردن، اداره کردن، مصلحت کردن، تدبیر کردن...؛ اما در اصطلاح عبارت است از هنر حکومت داری بر جوامع بشری؛ در این درس به اصطلاح استراتژی آشنا می شویم.

بحث نمایید

- استراتژی از کدام کلمه گرفته شده معنی آن چیست؟
 - شما بعد از فراغت خویش از صنف دوازدهم در مورد تحصیلات عالی چه استراتژی دارید؟
- استراتژی از جمله اصطلاحاتی است که در ادبیات سیاسی و اجتماعی معاصر استعمال زیاد دارد. استراتژی از ریشه یونانی Strategos به معنای لشکر و agein به معنی فرماندهی کردن گرفته شده است بنابر این معنای لغوی آن «فرماندهی لشکر» است.
- آیا می دانید اصطلاح استراتژی به کدام معنی به کار رفته است؟**

استراتژی را در اصطلاح به عمل تجهیز و به کار گیری نیروها و توانایی در جهت دست یابی به هدف معین و خط مشی های نسبتاً طویل المدت نظام سیاسی، اخلاقی و اقتصادی دولتها اطلاق کرده اند: بعضی اوقات استراتژی را هنر، علم و فن هدایت و رهبری یک مجموعه مقررات و نظام های مربوط به امری خاص گویند.

راهبرد چیست؟ عمل تجهیز و به کار گیری نیروها و توانایی ها در جهت دستیابی به هدف معین. نخستین دفعه این اصطلاح در امور نظامی بکار گرفته شد. در قرن ششم قبل از میلاد عیسی علیه السلام به شیوه رهبری فرماندهان واحدهای نظامی «استراگوس یا استراتژ» گفته می شد.

استراتژی در اصطلاح به کدام معنی به کار رفته به کمک همصنفان تان چند



سطرنویسید؟

آیا می دانید ناپلیون بوناپارت استراتژی را چه بیان کرده است؟

ناپلیون بوناپارت امپراتور فرانسه استراتژی را «هنر را هبردی جنگ» خواند.

در اوایل قرن نوزدهم استراتژی را هنر و فن هدایت جنگ جهت رسیدن به اهداف آن تعریف کرده اند. امروز این اصطلاح در امور سیاسی، اقتصادی، نظامی و اخلاقی به کار می رود و عرصه های داخلی و خارجی کشور را دربرمی گیرد. استراتژی در سیاست به معنی بسیج همه امکانات و تغییر دادن شرایط در جهت مناسب برای رسیدن به یک هدف اساسی است؛ چنانچه بسیج و جلب همه نیروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای رسیدن به هدف دراز

مدت ملی؛ مانند: صنعتی کردن کشور یا رساندن سطح رفاه و قدرت ملی به سرحد یک نهاد را استراتژی می‌نامند.

استراتژی به معنی علم ایجاد هماهنگی و همکاری بین طرح‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی در سطح دولت یا بین چند دولت و به کار گرفتن کلیه امکانات، جهت دستیابی به اهداف نظامی است.

استراتژی در تمام طول یک مرحله معین اساساً تغییر نمی‌یابد و تنها با انتقال از یک مرحله به مرحله دیگر عوض می‌شود و جای خود را به استراتژی منطبق با مرحله جدید می‌دهد؛ بنابراین استراتژی برابر با روشی عمومی برای رسیدن به هدف نهایی است.

اصطلاح استراتژی غالباً با تاکتیک به کار رفته که به معنی شیوه عملی اجرای یک طرح کلی با استراتژی است.

به همکاری همصنفان خود تعریف امروزی استراتژی را تحریر دارید. 

بیشتر بدانید

تاکتیک چیست؟ تاکتیک از ریشه لاتینی Tactica گرفته شده به مفهوم هنر پهلوی هم چیدن و «تنظیم و ترتیب» است. تاکتیک شیوه استفاده از امکانات و نیروهای رزمی برای مقابله با دشمن می‌باشد. تاکتیک به معنای علم رهبری در صحنه جنگ، طرق، وسایل و طرح‌های ماهرانه که جهت وصول به هدف به کار گرفته می‌شود. تاکتیک بر خلاف استراتژی تابع فراز و نشیب تحولات بوده بنابر مقتضیات تغییر می‌یابد.

خلاصه کنید



سؤالات درس



- ۱- ناپلیون بوناپارت استراتژی راچی خواند؟ تحریر دارید.
 - ۲- در اوایل قرن نوزدهم استراتژی را چگونه تعریف کرده‌اند؟
 - ۳- استراتژی در سیاست به کدام معنی آمده است؟ بیان دارید.
- فرق بین استراتژی و تاکتیک را در دو سطر بنویسید. 

مدرنیزم، پسامدرنیزم

در درس گذشته آموختیم که استراتژی را در اصطلاح به خط مشی‌های نسبتاً طول‌المدت نظام سیاسی، اخلاقی و اقتصادی دولتها اطلاق کرده‌اند، در این درس به مدرنیزم و پسامدرنیزم آشنا می‌شویم.

بحث نمایید

- مدرن از کدام کلمه گرفته شده و کدام معنی را افاده می‌کند؟
- مدرنیزم چیست؟



اصطلاح دیگری که مدتها قبل تصویر نمای از تعمیر مدرن تصویر نمای از ساختمان‌های ساده مورد توجه اهل علم، متفکران، دانشمندان پژوهشگران و شخصیت‌های علمی و سیاسی مورد استفاده قرار داشت مدرنیزم و پسامدرنیزم است. همه ما کلمه مدرن را از طریق وسایل اطلاعات جمعی شنیده و در مکالمات روزمره بکار برده ایم؛ مانند: قصر مدرن، خانه مدرن، موتر مدرن، لباس مدرن و غیره، اکنون سؤال مطرح می‌گردد که مدرن چیست؟

مدرن لفظ لاتینی مدرنیوس Modernus است که به معنی تازه‌گی، نو، نوین، دراین او آخر آمده است. در گفتگوها نیز مدرن به چیز نو و جدید دلالت دارد و به جای کهنه که دیگر مورد قبول نیست قرار می‌گیرد. مراد از دوران مدرن، زمانی است که بارنسانس آغاز گردیده، رشد و توسعه می‌یابد.

آیا می‌دانید کدام شخص اصطلاح مدرنیته را در اروپا به کار برد؟

اصطلاح مدرنیته اولین بار در آثار ژان ژاک روسو در قرن ۱۸ میلادی به کار رفته، بعد از وی در آثار بسیاری از نویسندگان آن عصر رواج پیدا کرد. در زبان دری کلمه تجدد و نوگرایی نیز معادل مدرنیزم است.

مدرنیزم یا تجدد به جریانی در جهت هماهنگ ساختن ارگان‌های سنتی با پیشرفت علوم و تمدن اطلاق می‌شود، مدرنیست به شخصی گفته می‌شود که روح وطن دوستی، برد باری و مدارا، آزاد منشی و آزادی فکری، شهامت و فداکاری در راه افکار و عقاید خود داشته باشد و آنچه که باعث فرهنگ ملی می‌گردد حفظ کند. مدرنیزم علاوه بر جهات مثبت اثرات منفی نیز از خود در جامعه گذاشته؛ مانند: کثرت و وفور جرم، جنایات، استعمال مواد مخدر، امراض مهلک سفلیس، ایدز، قتل عام انسانها در جنگ و غیره.

مدرنیست کیست؟ به همکاری همصنفان خود چند سطر در زمینه بنویسید.

پسامدرنیزم: این اصطلاح مدتهاست در ادبیات، فلسفه و حتی معماری به کار رفته است از نیمه دهه ۱۹۶۰ م. راه خود را در جامعه شناسی باز نموده است. تفکر فکری پسامدرنیزم در نوشته‌های نیچه، هایدگرو و فروید آمده است که به نام بنیان گذاران پسامدرنیزم اند.

به نظر دانیل جامعه شناس آمریکایی، دوره پسامدرنیزم دوره بی قانونی، نفی هویت اجتماعی، فرد گرایی افراطی، عصر لذت جویی‌های آنی، طغیان علیه فرهنگ نوگرایی، سیاست دموکراتیک و اقتصاد سرمایه داری و ارزش‌های مدنی است.

اندیشمندان پسامدرنیزم در مورد مدرنیزم نظریاتی دارند که بعضی از آنها در ذیل آمده است:

۱- پسامدرنیزم، عصر روشنگری را مورد اعتراض و انتقاد قرار می‌دهد و با دست آوردهای این عصر مخالفت دارد.

۲- پسامدرنیزم؛ مدرنیزم را نقد و با آن مخالفت می‌کند و خواهان رجعت به عصر قبل از مدرنیزم اند.

۳- مدرنیزم در ریشه کن کردن مشکلات اجتماعی؛ مانند: فقر، نبود امنیت اقتصادی موفق نبوده اند.

۴- بسیاری از جوامع مدرن امید خود را از دست داده به این نتیجه رسیده اند که زنده گی روز به روز بدتر شده و اعتماد کمتر به آینده دارند.

اصطلاح پسامدرنیزم در نوشته‌های کدام نویسنده گان آمده است؟ با همکاری همصنفان خود اسمای آنها را بیان دارید.

بیشتر بدانید

رنساس: دوره در تاریخ اروپا که دوره تجدید حیات ادبیات، علوم و صنایع در فاصله قرن‌های ۱۴ و ۱۶ میلادی است.

خلاصه کنید

.....

.....

سؤالات درس

- ۱- مدرنیزم را تعریف نمایید.
 - ۲- اصطلاح مدرنیته اولین بار توسط کدام شخص در کدام قرن بکار رفت؟ بیان دارید.
 - ۳- نظر دانیل را در مورد پسامدرنیزم بیان دارید.
- اثرات منفی مدرنیزم را در سه سطر بنویسید.

فصل دوم

- ملل متحد و حقوق بشر
- در این فصل با عناوین زیر آشنا خواهید شد:
- سازمان ملل متحد
- ارگان‌های اصلی و فرعی سازمان ملل متحد
- کارنامه‌های ملل متحد در افغانستان
- حقوق اساسی
- تاریخچه حقوق بشر
- اعلامیه جهانی حقوق بشر
- حقوق بشر اسلامی
- کمیسیون مستقل حقوق بشر در افغانستان

اهداف فصل

از شاگردان توقع می‌رود که با خواندن این فصل به اهداف ذیل دست یابند:

- با سازمان ملل متحد آشنا شوند. ارگان‌های اصلی و فرعی سازمان ملل متحد را بدانند.
- با کارنامه‌های ملل متحد در افغانستان آشنا شوند.
- به حقوق اساسی علاقه مند گردند.
- با اعلامیه جهانی حقوق بشر آشنا شوند.
- حقوق بشر اسلامی را بدانند.
- با کمیسیون مستقل حقوق بشر در افغانستان آشنا شوند.

سازمان ملل متحد

در درس گذشته در مورد مدرنیزم و پسامدرنیزم معلومات کسب نمودید، در این درس با سازمان ملل متحد آشنا می شوید.

بحث نمایید

• مقدماتی که منجر به تأسیس سازمان ملل متحد گردید کدامها بودند؟

مقدماتی که منجر به تأسیس سازمان ملل متحد گردید، عبارت بودند از: منشور اتلانتیک، اعلامیه ملل متحد ۱۹۴۲م. اعلامیه امنیت عمومی اکتبر ۱۹۴۳م بین سه کشور امریکا، انگلستان، شوروی سابق، کنفرانس تهران، کنفرانس دمبارتن اوکس، کنفرانس یالتا و کنفرانس سانفرانسیسکو. منشور سازمان ملل متحد به اسنادی گفته تصویر سمبول سازمان ملل متحد می شود که در حکم قانون اساسی سازمان ملل متحد به شمار می رود. این منشور به تاریخ ۲۶ جنوری ۱۹۴۵م در سانفرانسیسکو به امضار رسید.

و نماینده گان پنجاه و یک دولت، اعلامیه را تصویب نمودند. مفاد منشور از تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵م لازم الاجرا گردید، بعضی از کشورهای تصویب کننده عبارت بودند از: افغانستان، اتحاد شوروی سابق، ایالات متحده امریکا، ارژنتاین، انگلستان، فرانسه، چین، استرالیا، برزیل و غیره، کشور ما در سال ۱۳۲۵هـ.ش. مطابق ۱۹۴۶م. شامل سازمان ملل متحد گردید. فعلاً ۱۹۵ کشور عضو سازمان ملل متحد می باشند. آخرین کشوری که عضویت سازمان ملل متحد را حاصل کرد سودان جنوبی است که مرکز آن جوبا می باشد.

فعالیت با همکاری همصنفان خود علاوه بر کشورهای فوق اسم ده کشوری که عضو

سازمان ملل متحد اند فهرست نمایید.

آیا می دانید سازمان ملل متحد دارای کدام اهداف اند؟

اهداف سازمان ملل متحد قرار ذیل است:

۱- نگهداری صلح و امنیت بین المللی.

۲- توسعه روابط دوستانه بین المللی بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق ملتها در تعیین سرنوشت خود و به عمل آوردن هر اقدام دیگری که برای تحکیم صلح جهانی مناسب باشد.



۳- همکاری بین المللی برای حل مسایل بین المللی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نوع دوستی و توسعه احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی.

۴- ایجاد مرکز برای هماهنگ کردن اقدامات ملل مختلف برای حصول هدف‌های فوق‌الذکر.

طبق منشور، زبانهای رسمی سازمان ملل متحد عبارت اند از: اسپانیوی، انگلیسی، چینی، روسی، فرانسوی و عربی.

با همکاری همصنفان خود خلص اهداف سازمان ملل متحد را در دو سطر



بنویسید

بیشتر بدانید

کنفرانس دهمبارتن اوکس ۱۹۴۴م:

این کنفرانس در سال ۱۹۴۴ م. در واشنگتن دی سی تشکیل گردید، اعضای آن عبارت بود از: ایالات متحده امریکا، ایتالیا و اتحاد شوروی سابق که در اولین و مهمترین مراحل گفتگو شرکت کردند، هیأت نماینده چین به همراهی امریکا و بریتانیا در مرحله دوم گفتگوها شرکت نمودند. در همین کنفرانس بود که پیش نویس مقدماتی برای ایجاد سازمان ملل متحد تهیه شد.

خلاصه کنید



سؤالات درس



۱- آخرین کشوری که به عضویت سازمان ملل متحد شامل گردید چه نام داشت با مرکز آن تحریر دارید؟

۲- کشور مادر یکی از سنوات زیر شامل سازمان ملل متحد گردید.

الف: ۱۹۴۵م ب: ۱۹۴۶م ج: ۱۹۴۷م د: ۱۹۴۸م

۳- دو هدف ملل متحد را تحریر دارید.

در مورد سازمان ملل متحد چهار سطر بنویسید.



ارکان اصلی و فرعی سازمان ملل متحد

در درس گذشته راجع به سازمان ملل معلومات حاصل نمودید در این درس به ارکان اصلی و فرعی سازمان ملل متحد آشنا می شوید.

بحث نمایید

- ارکان اصلی سازمان ملل متحد کدامها اند؟
 - ارکان فرعی سازمان ملل متحد را نام بگیرید.
- ارکان اصلی سازمان ملل متحد عبارت است از:
مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومیت، دیوان بین المللی عدالت و دارلانشاء، در این قسمت هر یک از ارکان به صورت مختصر ارائه می گردد.

۱- **مجمع عمومی سازمان ملل متحد:** یکی از رکن های اصلی سازمان ملل متحد است که همه اعضای سازمان در آن شرکت دارند. تصمیمات مجمع عمومی را مسایل؛ چون: حفظ صلح و امنیت بین المللی، انتخاب

تصویر معقر سازمان ملل متحد در نیویارک

اعضای غیردایمی شورای امنیت و غیره در برمی گیرد که با رأی اکثریت اتخاذ می گردد.

۲- **شورای امنیت ملل متحد:** شورای امنیت مهم ترین رکن سازمان ملل متحد است که از پانزده عضو تشکیل گردیده پنج عضو آن (امریکا، روسیه، فرانسه، انگلستان و چین) که حق و تو را دارند و ده عضو غیر دایمی اند که از طریق مجمع عمومی انتخاب می گردند. تصمیمات شورا با حد اقل ۹ رأی مثبت اخذ می گردد.

موضوعات را مختصر آفرست کنید.

فعالیت

مجمع عمومی سازمان ملل در کدام مسایل تصمیم می گیرد؟ با همصنفان خود

۳- **شورای قیمومیت سازمان ملل متحد:** شورای قیمومیت از اعضای ملل متحد تعیین می گردد. شورای مذکور برای اعمال نظارت و پیشرفت و ترقی سر زمین های تحت قیمومیت وظیفه دارد تا راپورهای ممالک تحت قیمومیت را مطالعه و برای پیشرفت، این مناطق را به خود مختاری توصیه می کند.

۴- **شورای اقتصادی و اجتماعی:** شورای متذکره برای هماهنگ ساختن فعالیت های تخصصی و تشکیلاتی وابسته به سازمان ملل متحد در امور اقتصادی و اجتماعی؛ از قبیل: مسایل مربوط به تجارت بین المللی و محیط زیست، حقوق بشر و امور فرهنگی و صحتی و

کنترول جمعیت ایجاد شده است.

۵- **دیوان بین المللی عدالت (محکمه بین المللی):** دیوان مذکور مرکب از پانزده قاضی عضو و از پانزده کشور مختلف می باشند. دیوان مذکور دو وظیفه دارد: یکی رسیده گی به تمام مسایلی که از طرف ملل متحد به آن رجوع گردد و دیگر ارائه نظریات مشورتی. مقر آن در شهر (هاگ) در هالند است.

۶- **دارالانشا:** مؤسسه اداری سازمان ملل متحد است که مرکب از سرمنشی و کارمندان مؤسسه اداری می باشد. اعضای آن در تمام نقاط جهان وظیفه اجرا می کند. سرمنشی ملل متحد امور اداری سازمان و وظیفه هماهنگی ساختن ارکان مختلف و مؤسسات وابسته به سازمان ملل متحد را به عهده دارد.

آیا می دانید ارکان فرعی سازمان ملل متحد کدامها اند؟

سازمان ملل متحد علاوه بر ارکان اصلی دارای ارکان فرعی متعددی است که هر یک از آنها وابسته به یکی از ارگانهای اصلی اند. در این قسمت به نام بردن مهمترین ارکان فرعی سازمان ملل متحد اکتفا می کنیم. ارکان فرعی سازمان ملل متحد عبارتند از: کمیسیون حقوق بین المللی، کمیسیون عالی ملل متحد برای پناهنده گان، کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد، صندوق جمعیت ملل متحد، برنامه عمران ملل متحد و غیره.

فعالیت وظایف محکمه بین المللی عدالت را با همکاری همصنفان خود فهرست کنید.

بیشتر بدانید

Veto: به معنای حق رد کردن است. این کلمه لاتینی و معنی آن (من منع می کنم)، (رد می کنم) می باشد، حقی است که اعضای دایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای نفی تصمیمات آن دارند.

خلاصه کنید

سؤالات درس

- ۱- ارکان اصلی سازمان ملل متحد را نام بگیرید.
- ۲- در مورد شورای اقتصادی و اجتماعی مختصر آموختار دهید.
- ۳- وظیفه سرمنشی ملل متحد را بیان دارید.

ده ارکان فرعی سازمان ملل متحد را فهرست نمایید. **کارخانه گی**

کارنامه‌های ملل متحد در افغانستان

در درس گذشته خواندیم که ارکان اصلی سازمان ملل متحد، عبارت است از: مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومیت، محکمه بین المللی عدالت و دارالانشاء در این درس به کارنامه‌های ملل متحد در کشور آشنا می‌شویم.

بحث نمایید

- سازمان ملل متحد در کشور ما در کدام بخش‌ها فعالیت می‌کند؟
- بعد از توافقات بن در کشور ما کدام ارکان فرعی ملل متحد فعالیت دارند؟



تصویر سمبول کمیساریای عالی ملل متحد در امور مهاجرین

سازمان ملل متحد براساس توافقنامه بن وظیفه گرفت که برای پیشبرد جریان صلح افغانستان در تطبیق مواد موافقتنامه نظارت مستقیم داشته و همکاری‌های بین المللی با کشور ما در عرصه‌های مختلف را سازمان دهد. عمل کرد سازمان ملل متحد در کشور در چهار بخش ذیل صورت گرفت:

- ۱- دفتر نماینده گی سیاسی ملل متحد در افغانستان. (UNAMA)
- ۲- برنامه انکشافی ملل متحد. UNDP
- ۳- کمیساریای عالی ملل متحد در امور مهاجرین. UNHCR
- ۴- نیروهای حافظ صلح بین المللی ISAF

یوناما UNAMA

یوناما یا دفتر سیاسی ملل متحد در افغانستان براساس قطعنامه شورای امنیت به منظور پیگیری مسایل سیاسی افغانستان تأسیس گردید.

یوناما بعد از توافقات بن تلاش زیاد کرد که نظر جهان را به حمایت از دولت جدید افغانستان جلب نماید و از طریق جذب کمک‌ها و همکاری‌های کشورهای صلح دوست، افغانستان را از راه اعاده صلح، بازسازی و تحقق ارزش‌های دموکراسی یاری رساند. یوناما از زمان تأسیس تاکنون دولت افغانستان را در زمینه‌های مختلف مساعدت نموده است. در تدویر لویه جرگه اضطراری ثبت نام رأی دهنده گان تا انتخاب نماینده گان و انتقال آنها به پایتخت مساعدت کرد، همچنان یوناما با کمیسیون قانون اساسی و دارالانشای آن همکاری کرده است.

با همکاری همصنفان خود کمک‌های یوناما را در چند سطر بنویسید.

برنامه انکشافی ملل متحد UNDP: برنامه انکشافی سازمان ملل متحد در ۱۴۴ کشور جهان فعالیت دارد

تا به سیستم سازمان ملل متحد کمک کند و فقر، گرسنه گی، بیماری، بیسوادی، مشکلات محیطی و تبعیض علیه زنان را در جهان کاهش دهد. برنامهٔ انکشافی ملل متحد در کشور ما مسئولیت تهیه بودجه لویه جرگه قانون اساسی را در چهار چوب یک قرار داد مشترک به عهده داشته و این همکاری تمام جریان تدوین قانون اساسی را در بر گرفت.

کمیساریای عالی ملل متحد در امور مهاجرین UNHCR: یکی از سازمانهای بین المللی که در جریان انتخابات، مردم افغانستان را همکاری و کمک کرد، همچنان در قسمت عودت مهاجرین مخصوصاً از پاکستان به ولایات کشور کمکهای زیادی انجام داده است. کمیساریای عالی حتی در بسیاری از موارد علاوه بر وظیفه خود در جاهای که یوناما نمی توانست حضور پیدا کند، وظیفه یوناما را انجام داده و به حیث ناظر در انتخابات شرکت می کرد.

نیروهای حافظ صلح بین المللی ISAF: این نیروها نخست مسئولیت تأمین امنیت شهر کابل و اطراف آن را به عهده داشت، بعد به تدریج چتر آن در بعضی از ولایات دیگر گسترش یافت؛ همچنین نیروهای حافظ صلح بین المللی با همکاری وزارت امور داخله، امنیت ملی، محل تدویر لویه جرگه قانون اساسی را تأمین کرد.

چند مورد از کمکهای کمیساریای عالی ملل متحد در امور مهاجرین را در  **فعالیت**

کشور ما با همکاری همصنفان خود در سه سطر بنویسید.

بیشتر بدانید

سیستم چیست؟ سیستم از کلمه یونانی Sustema گرفته شده به معنای مجموع است. در علم سیاست به معنای روش حکومت آمده است و به معنای نظام ترجمه شده است. مثلاً: نظام فیودالی، نظام سرمایه داری و یا نظام پارلمانی.

خلاصه کنید

سؤالات درس

- ۱- سازمان ملل متحد بعد از توافقات بن کدام وظایف را به عهده گرفت؟
- ۲- یوناما از کدام طریق کشور ما را یاری می کند؟
- ۳- برنامه انکشافی ملل متحد در کشور ما تهیه کدام موضوعات را به عهده داشت؟ بنویسید.



با همکاری همصنفان خود کمکهای سازمان ملل متحد را به صورت خلاص در پنج سطر بنویسید.

حقوق اساسی

در درس گذشته خواندیم که سازمان ملل متحد در چهار بخش ذیل در کشور فعالیت دارد: ۱- دفتر نماینده گی سیاسی ملل متحد در افغانستان. ۲- برنامه انکشافی ملل متحد. ۳- کمیساریای عالی متحد در امور مهاجرین. ۴- نیروهای حافظ صلح بین المللی. در این درس به حقوق اساسی آشنا می شویم.

بحث نمایید

• حقوق اساسی چه زمانی مطرح گردید؟

• حقوق اساسی چیست؟

حقوق اساسی انسان همان نعمت‌های بی پایانی است که خداوند (ج) به بشر اعطا کرده است. حقوق اساسی به ابتدایی ترین و اساسی ترین حقوق افراد و اتباع جامعه گفته می شود. حقوق اساسی از هنگامی مطرح بوده که جامعه انسانی به وجود آمده است.

شکل گیری حقوق اساسی جدید در اواخر قرن هجدهم و آغاز قرن نوزدهم صورت گرفت. در این قسمت سؤال مطرح می گردد که حقوق اساسی چیست؟

حقوق اساسی رشته از حقوق عمومی داخلی است که سازمان و شکل حکومت، وظایف و مسؤولیتهای قوای حاکم، حقوق و مسؤولیتهای افراد در برابر دولت و وظایف دولت در رعایت حقوق و آزادیهای افراد ملت را مشخص می سازد.

فعالیت با همکاری همصنفان خود قدامت حقوق اساسی را در چند سطر بنویسید.

آیا می دانید حقوق اساسی شامل کدام موضوعات است؟

موضوع حقوق اساسی را افراد جامعه و دولت تشکیل می دهد که شامل مسایل ذیل می گردد: شکل دولت، ساختار یا تشکیلات (قوة اجرائیه، مقننه و قضایه) وظایف، مکلفیت‌ها، صلاحیتها و مسؤولیتهای قوه سه گانه و استقرار روابط بین المللی آنها، طرز ایجاد سازمانهای سیاسی و اجتماعی و سهم آن در سیستم سیاسی کشور و حقوق و وجایب اساسی اتباع.

خصوصیات حقوق اساسی

حقوق اساسی دارای خصوصیات ذیل است که بعضی از آنها عبارت اند از:

- رشته از علم حقوق است.
- تحت عنوان حقوق داخلی یا ملی است.
- تحت عنوان حقوق عمومی است.
- موضوع آن حقوق و اختیارات دولت و روابط دولت و افراد است.



تصویر قانون اساسی افغانستان

- از نظر سلسله مراتب در رأس رشته‌های حقوق عمومی قرار دارد.
- به صورت معمول در یک سند رسمی به نام قانون اساسی تنظیم می‌گردد.

منابع حقوق اساسی

منابع حقوق اساسی در هر جامعه فرق می‌کند، عمده ترین آنها عبارت اند از: شریعت اسلامی، قانون اساسی، قانون عادی، رویه قضایی، عرف و عادات و نظریات علما و دانشمندان.

در کشورهای اسلامی، حقوق اساسی از شریعت اسلام منشا می‌گیرد؛ به طور مثال: در ماده سوم قانون اساسی کشور ما آمده است: «در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین اسلام باشد.»

با همکاری همصنفان خود دو مورد از موضوع حقوق اساسی را فهرست کنید

بیشتر بدانید

رویه قضایی: عبارت از مجموعه تضامیم و فیصله‌های قطعی و یکسان محاکم در قضایای مشابه می‌باشد که یکی از منابع حقوق اساسی است.

خلاصه کنید

سؤالات درس

- ۱- شکل گیری حقوق اساسی در کدام قرن صورت گرفت؟
- ۲- موضوع حقوق اساسی شامل کدام مسایل می‌گردد؟
- ۳- سه خصوصیت عمده حقوق اساسی را نام بگیرید.



به همکاری همصنفان خود تحریر دارید که حقوق اساسی در کدام فصل قانون اساسی کشور ما درج گردیده است؟

تاریخچه حقوق بشر

در درس گذشته خواندیم که حقوق اساسی بخشی از حقوق عمومی داخلی است که سازمان و تشکیل حکومت، وظایف و مسؤولیت‌های قوای حاکم و مکلفیت افراد در برابر دولت و رعایت حقوق و آزادیهای افراد یک کشور را مشخص می‌سازد. در این درس به تاریخچه حقوق بشر آشنا می‌شویم.

بحث نمایید

- چند نوع رابطه در سیر تاریخی حقوق بشر مورد توجه قرار داشت؟
- از ابتدای تاریخ بشریت تا سال ۱۷۸۹م. همه تلاش بشریت برای کسب کدام حقوق متمرکز بود؟

سیر تاریخی حقوق بشر

مرحله اول - قبل از سال ۱۷۸۹م: طولانی‌ترین مرحله در زمینه به دست آوردن حقوق بشر محسوب می‌شود، خصوصیات این مرحله تلاش به مقصد حصول حقوق بشر می‌باشد. از ابتدای تاریخ بشر تا سال ۱۷۸۹م همه تلاش و کوشش در جهت کسب حقوق طبیعی و ذاتی بشر متمرکز بود تا از حقوق و ارزشها بهره‌مند گردد. عمدتاً طی این مرحله در مورد حقوق بشر سه نوع رابطه مورد توجه قرار می‌گیرد: رابطه انسان با انسان، رابطه انسان با ماحول و رابطه انسان با تولید.

مرحله دوم - تدوین حقوق بشر در ۱۷۸۹م

نمایندگان ملت فرانسه در ۲۶ اگست ۱۷۸۹م در مجمع ملی در پاریس مرکز فرانسه جمع شدند و طی اعلامیه رسمی حقوق طبیعی و ذاتی بشر را ارائه نمودند. آنها تأکید کردند که بشر آزاد آفریده شده است و باید آزاد زنده گی کند و از لحاظ حقوق با یکدیگر برابر هستند. این اعلامیه هدف تمام جمعیت‌های سیاسی را حفظ حقوق طبیعی و جدایی ناپذیر بشر خواند که عبارت اند از: آزادی، امنیت، مالکیت، این اعلامیه دارای ۱۷ ماده می‌باشد که به شکل یک سند رسمی و تاریخی به وجود آمد.

مرحله سوم - تبارز حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م

بعد از جنگ اول ۱۹۱۴-۱۹۱۸م و جنگ دوم جهانی ۱۹۳۹-۱۹۴۵م. کشورهای جهان به خصوص کشورهای شامل جنگ خسارات مادی و معنوی زیادی را متحمل شدند. در جنگ اول جهانی نزدیک به ده میلیون نفر کشته شدند و در حدود سی میلیون نفر زخمی گردیدند و هزاران نفر به اثر گرسنه گی در گذشتند. در جنگ عمومی دوم اضافه از ۵۵ میلیون نفر به قتل رسیدند و بیش از ۹۰ میلیون نفر معلول و مجروح گردیدند. شهرها، روستاها و غیره از بین رفت.

مرحله چهارم - استحکام حقوق بشر ۱۹۶۶م

در پهلوی اعلامیه جهانی حقوق بشر سه سند دیگر حقوق بشر نیز طی این سالها به تصویب رسید که مکمل اعلامیه حقوق بشر به شمار می‌روند. ۱- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی. ۲- پروتوکل اختیاری به ارتباط کنوانسیون (عهد نامه) بین المللی حقوق مدنی سیاسی. ۳- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی. به تعقیب این اسناد اساسی حقوق بشر بیش از ۲۰ میثاق و معاهده در رابطه حقوق بشر به تصویب رسید.

مرحله پنجم - معیار قرار گرفتن حقوق بشر ۱۹۹۲م

خصوصیت عمده این مرحله تلاش به منظور جهانی شدن حقوق بشر می‌باشد، نیمه دوم دهه هشتاد پایان جنگ سرد را نشان می‌دهد. ایدئولوژی‌هایی که حقوق بشر را هر کدام به زعم خود زمزمه می‌نمودند ضعیف و بی اثر شده زمینه را برای جهانی شدن حقوق بشر مساعد ساختند.

بیشتر بدانید

کنوانسیون: به اسناد چند جانبه بین المللی گفته می‌شود که از نظر شکلی شبیه (معاهده) است.

خلاصه کنید

سؤالات درس

- ۱- چند نوع رابطه در مرحله اول سیر تاریخی حقوق بشر مورد توجه قرار داشت؟
الف: دو نوع رابطه ب: سه نوع رابطه ج: چهار نوع رابطه د: پنج نوع رابطه.
- ۲- مرحله دوم به چه نام یاد می‌گردد؟ و نماینده گان ملت فرانسه طی اعلامیه رسمی کدام حقوق را مورد تأیید قرار دادند.
- ۳- مرحله سوم به چه نام یاد گردیده و در کدام تاریخ واقع شده است؟



خصوصیات مرحله پنجم را در سه سطر بنویسید.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

در درس گذشته خواندیم که سیر تاریخی حقوق بشر پنج مرحله را سپری نموده که مرحله اول قبل از ۱۷۸۹م، مرحله دوم تدوین حقوق بشر، مرحله سوم تبارز حقوق بشر، مرحله چهارم استحکام حقوق بشر، مرحله پنجم معیار قرار گرفتن حقوق بشر. در این درس با اعلامیه جهانی حقوق بشر آشنا می‌شویم.

بحث نمایید

• آزادی‌هایی که برای زنده‌گی انسان اهمیت دارد در ادبیات حقوقی به چی نام یاد می‌گردند؟

شما از طریق وسایل ارتباط جمعی به نام اعلامیه آشنایی دارید، شاید در ذهن شما خطور نماید که اعلامیه چیست؟ سندی که در آن دو یا چند کشور، طریقه رفتار یا وحدت نظر و تشریک مساعی خود را در باره یک مسأله به خصوص به طور رسمی اعلام می‌کند، اعلامیه نامیده می‌شود؛ مانند: اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر تبعه فرانسه و غیره.

حقوق و آزادی‌ها برای حیات انسان اهمیت فراوان دارد، که در ادبیات حقوق به نام حقوق و آزادی‌های اساسی و یا به طور

مختصر به نام حقوق بشر یاد می‌گردد. این حقوق و آزادی‌ها در اثر مبارزات و فداکاری‌های مشترک انسانها بر ضد ظلم و استبداد در جریان تاریخ به پخته‌گی و کمال رسیده، در قرن بیستم به شکل یک مجموعه کامل از طرف سازمان ملل متحد که خود محصول بخشی از مبارزات تاریخی بر ضد استبداد است در چوکات اعلامیه اعلان و به رسمیت شناخته شد.

آیا می‌دانید حقوق بشر چیست؟ حقوق بشر حقوقی اند که هر فرد به واسطه اینکه بشر است از آن برخوردار است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در جلسه تاریخی ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م با ۴۸ رأی موافق و ۸ رأی ممتنع و بدون هیچ رأی مخالف به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. بعضی از کشورهای که رأی موافق دادند، عبارت بودند از: افغانستان، استرالیا، فرانسه، کانادا، چین، ایالات متحده آمریکا و غیره، کشورهایی که رأی ممتنع دادند، عبارت بودند از اتحاد شوروی سابق، بلاروس، چکوسلواکی، پولند، اوکراین، یوگوسلاوی، آفریقای جنوبی و عربستان سعودی.

اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای یک مقدمه و سی ماده است.

فعالیت با همکاری همصنفان خود اسم ده کشور را که رأی موافق دادند فهرست کنید.

خصوصیات حقوق بشر: حقوق بشر دارای خصوصیات ذیل است:

• حقوق بشر فطری و ذاتی است.



تصویر اعلامیه حقوق بشر

• حقوق بشر غیر قابل تجزیه است.

• حقوق بشر جهانی است، حقوق بشر تحفه الهی است.

حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی:

آیا می‌دانید حقوق و آزادی‌های مدنی، سیاسی کدام‌ها اند؟

بعضی از حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی حقوق بشر عبارتند از:

الف: حق زنده‌گی: آزادی و مصونیت فردی، منع شکنجه، منع تحقیر یا مجازات غیر انسانی، منع برده‌گی، حق حمایت قانون، حق برائت ذمه، حق تابعیت، حق ازدواج، حق خانواده، آزادی بیان و مطبوعات، آزادی تشکیل انجمن‌ها، آزادی شرکت در امور عمومی و حق شرکت در انتخابات و غیره.

ب: حقوق اقتصادی و فرهنگی: حق مصونیت اجتماعی، حق کار، حق انتخاب پیشه، حق دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، آزادی تشکیل اتحادیه، حق استراحت و تفریح، حق رفاه و حفظ الصحة، حق مادران و کودکان در برخورداری از حمایت اجتماعی، حق تعلیم و تربیه، حق شرکت در زنده‌گی علمی و فرهنگی، حق حمایت از منابع مادی و معنوی و آثار فعالیت‌های فرهنگی و غیره. قابل ذکر است هرگاه موادی از حقوق و میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مخالف دین مقدس اسلام باشد، مطابق ماده سوم قانون اساسی: «در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد» قابل پذیرش نیست.

با همکاری همصنفان خود ۸ حقوق مدنی را فهرست نمایید.



بیشتر بدانید

حقوق مدنی: مراد از حقوق مدنی داشتن بعضی از آزادی‌های اساسی اجتماعی است که در برخورداری از آن اتباع حق دارد که از طریق محاکم یا عوامل اجرایی مورد حمایت قرار گیرد.

خلاصه کنید



سؤالات درس



۱- جمله ذیل را تکمیل کنید.

حقوق بشر که هر فرد بشر است برخوردار است.

۲- از سه کشوری که در مجمع سازمان ملل متحد به اعلامیه جهانی حقوق بشر رأی ممتنع دادند. صرف نام بگیرید.

۳- خصوصیات حقوق بشر را بیان دارید.

کارخانه‌گی پنج حق فرهنگی را بنویسید.



حقوق بشر اسلامی

(وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ

عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا) سوره الاسرا آیت ۷۰

ترجمه: و ما حقیقاً فرزندان آدم را تکریم نمودیم و آنان را در خشکه و در بحر به حرکت درآوردیم و از مواد پاکیزه بر آنها روزی مقرر کردیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات که آفریدیم بر تری دادیم.

در درس قبلی در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر معلومات حاصل نمودید، در این درس به حقوق بشر اسلامی آشنا می‌شوید.

بحث نمایید

• حق در لغت کدام معنی را دارد؟

• حقوق چیست؟

برای فهم حقوق بشر از دید اسلام طرح این سؤال ضروری است که بدانیم منظور مسلمانان از دانستن حقوق چیست؟

حقوق جمع حق است. حق معانی زیاد دارد؛ مانند: الحق که نام خداوند (ج) است. سزاوار، واقعیت، عدل، صدق، همچنان حق به معنای مطابقت گفته می‌شود؛ یعنی کلامش راست است و با واقعیت مطابقت دارد.

حق به معنای حصه؛ مانند: اینکه ما می‌گوییم. این حق من است. حق به معنای ثبوت منفعت برای شخص؛ مانند: پدر بر پسر حق دارد. حق در نزد حقوق دانان عبارت از اقتدار و سلطه و امتیازی است که برای شخص اعتبار شده و دیگران مکلف به رعایت آن هستند. اکنون که معنای حق را دانستید، لازم است حقوق را بدانیم.

به نظر شما حقوق در اصطلاح حقوق دانان به کدام معنا اطلاق می‌شود؟

حقوق در اصطلاح حقوق دانان بر دو معنا اطلاق می‌شود.

۱- به معنای مجموعه‌ای از قواعد قانونی که در این اطلاق (حقوق) با قوانین مترادف است؛ مانند: حقوق مدنی، حقوق جزا، حقوق تجارت و غیره.

۲- به معنای ثبوت منفعت برای شخص که قانون از آن حمایت می‌کند؛ مانند: حق حیات، حق مالکیت، حق انتقال و غیره.

آیا می‌دانید منابع حقوق اسلام کدامها اند؟ منابع حقوق اسلام؛ عبارتند از: کتاب الله، سنت، اجماع امت و قیاس.

فعالیت با همکاری همصنفان خود ده حق را فهرست کنید.

بیشتر بدانید

با اعلامیه حقوق بشر اسلامی آشنا شوید

اعلامیه فوق در تاریخ ۱۴ محرم ۱۴۱۱ ه.ق. مطابق ۱۵ اسد ۱۳۶۹ ه.ش. در اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در ۲۵ ماده به تصویب رسید. وقتی از حقوق بشر اسلامی سخن می‌گوییم باید چهار نکته مهم را مدنظر داشته باشیم: حقوق عطیه الهی است، حقوق تابع تکلیف است، حقوق از نوع سلسله مراتب برخوردار است، در رابطه انسانی یک سلسله اولویت وجود دارد. مفهوم حقوق بشر اسلامی بر دو اصل مهم مبتنی است: کرامت انسانی افراد و عدالت. اسلام همواره بر این نکته تأکید کرده که خداوند (ج) تمام افراد انسانی را مورد فضل قرار داده و تکریم کرده است. قابل ذکر است، آنچه را که غرب به عنوان حقوق اساسی بشر نام می‌برد در دین مقدس اسلام از همان ابتدای اسلام این حقوق برای بشر شناخته و بر آنها تأکید کرده است. از جمله می‌توان به بعضی از آنها اشاره کرد: حق حیات، جنین، حق برخورداری از آزادی، حق برابری، حق برخورداری از عدالت، حق برخورداری از محاکمه عادلانه، حقوق زنان و غیره. قابل یادآوری است که کلیه حقوق و آزادیها مشروط به مطابقت با احکام شریعت می‌باشد. شریعت اسلامی تنها مرجع تفسیر یا توضیح هر ماده این اعلامیه می‌باشد.

فعالیت مفهوم حقوق بشر اسلامی بر چند اصل مبتنی می‌باشد در این باره چند سطر بنویسید.

خلاصه کنید

سؤالات درس

۱- جمله زیر را تکمیل کنید:

حق از و امتیازی است که شخص اعتبار شده و رعایت آن هستند.

۲- منابع حقوق اسلام را صرف نام بگیرید.

۳- وقتی از حقوق بشر اسلامی سخن می‌گوییم کدام نکات را مدنظر داشته باشیم؟

کارخانه کی سه مشابهاات اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر را فهرست کنید.

کمیسیون مستقل حقوق بشر در افغانستان

در درس گذشته در مورد حقوق بشر اسلامی معلومات حاصل نمودید، در این درس با کمیسیون مستقل حقوق بشر در افغانستان آشنا می شوید.

بحث نمایید

• کمیسیون حقوق بشر افغانستان چطور ایجاد گردید؟

قبل از آغاز درس لازم است بدانیم که کمیسیون چیست؟
هیأتی که وظیفه بررسی مطالعه در باره موضوعی را به عهده دارد کمیسیون نامیده میشود مانند: کمیسیون تعلیم و تربیه، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و....

کمیسیون حقوق بشر افغانستان به تأسی از حکم ماده پنجاه و هشت قانون اساسی افغانستان و قطعنامه شماره ۱۳۴

مورخ ۲۰ دسمبر ۱۹۹۳ میلادی اسمبله عمومی ملل متحد به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر، بهبود و حمایت از آن و تنظیم امور مربوط به تشکیل، وظایف، صلاحیتها و طرز فعالیت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان وضع گردیده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر مرکب از ۹ عضو است که شامل مرد و زن می باشد و برای مدت پنج سال تعیین و رئیس کمیسیون از طرف رئیس جمهور تعیین می گردد. عضو کمیسیون به نام کمیشنر یاد می گردد.

آیا می دانید کمیسیون مستقل حقوق بشر در انجام فعالیت خود کدام منابع را ملاک عمل قرار می دهد؟

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در چوکات جمهوری اسلامی افغانستان تأسیس وبه طور مستقل فعالیت می نماید. در انجام فعالیت های خویش احکام قانون اساسی و سایر قوانین نافذ کشور را ملاک عمل قرار می دهد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان دارای یک دفتر مرکزی می باشد که در کابل موقعیت دارد و دفتر ساحوی آن در ولایات هرات، قندهار، گردیز، مزار شریف.... مشغول فعالیت اند. هدف از ایجاد این دفاتر در آن جا ایجاد یک نهاد نظارت کننده بر حقوق بشر است.

با همکاری همصنفان خود چهار دفتر ساحوی راهبرست کنید.



سمبول کمیسیون مستقل حقوق بشر در افغانستان

آیا می‌دانید کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به منظور تحقق کدام اهداف فعالیت می‌نماید؟

بعضی از اهداف کمیسیون؛ عبارت است از:

نظارت بر رعایت حقوق بشر در کشور، تعمیم و حمایت از حقوق بشر، نظارت از وضعیت و چگونه‌گی دسترسی افراد به حقوق و آزادی‌های بشری، بررسی و تحقیق از تخلفات و موارد نقض حقوق بشر و غیره.

نقض حقوق بشر چیست؟

هر عملی که توسط یک فرد، جمعیت و یا اجرا کننده قانون منجر به نقض قوانین ملی و بین المللی حقوق بشر گردد، نقض حقوق بشر گفته می‌شود. خواه این عمل توسط مامورین دولت حین اجرای وظیفه صورت گرفته باشد و یا توسط اشخاص حقوقی و یا توسط ارگانها طور عمدی انجام یافته باشد. عمده ترین موارد نقض حقوق بشر؛ عبارت انداز: سلب حیات، کشتار دسته جمعی، حبس غیر قانونی، لت و کوب، تجاوز جنسی، غصب مالکیت، تبعیض نژادی، جنایات جنگی، اختطاف و غیره.

فعالیت ده نقض حقوق بشر را که مشاهده نموده اید فهرست کنید.

بیشتر بدانید

اختطاف: ربودن شخص با استفاده از تهدید یا استعمال قوه (زور) یا انواع دیگر ارباب یا به کار گرفتن حيله و فریب یا با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی یا تبدیل نمودن طفل نوزاد با طفل نوزاد دیگر.

خلاصه کنید

سؤالات درس

- ۱- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به کدام منظور ایجاد گردید؟
- ۲- تعداد اعضای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به چند نفر می‌رسد؟
- ۳- سه هدف کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را بیان دارید.



نظر تان را در مورد کارکردهای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در چهار سطر بنویسید.